



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

نقش و رسالت زن

۳

زن و خانواده

برگرفته از رسالت حضرت آیت الله العظمی خاتمی‌هاجی (مدظله العالی)
و هم‌عصران انقلاب اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زن و خانواده : برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی

نویسنده:

امیرحسین بانکی پور فرد

ناشر چاپی:

انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۵	زن و خانواده: برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی
۱۵	مشخصات کتاب
۱۶	اشاره
۲۰	پیشگفتار
۲۲	فهرست مطالب
۴۰	مقدمه
۴۴	فصل اول زن و ازدواج
۴۴	اشاره
۴۶	اصرار خداوند بر ازدواج و مذمت طلاق
۴۶	ناخشنودی خداوند از زن و مرد تنها
۴۶	ازدواج؛ هم نیاز و هم وظیفه
۴۷	ازدواج؛ از نعمات بزرگ و اسرار آفرینش
۴۷	آرامش؛ هدف بزرگ ازدواج
۴۸	همجنس بودن زن و مرد؛ دلیل آرامش
۴۸	برکات و فواید ازدواج
۴۹	اصل قضیه؛ محیط سالم خانواده، نه فرزند و ثروت
۴۹	تشکیل خانواده؛ مهمترین فایده ی ازدواج
۵۰	تسهیلات اقتصادی و کار فرهنگی برای ترغیب بیشتر به ازدواج
۵۱	تأخیر ازدواج؛ خلاف فطرت و مصلحت بشر
۵۱	ازدواج مهمترین قدم برای اعتلا و گسترش اندیشه و عاطفه ی زن
۵۲	اراده ی زن در ازدواج
۵۲	حرام بودن ازدواجهای اجباری
۵۲	تحمیل و یا نهی از ازدواج؛ خلاف شرع بین

- ازدواج مجدد همسران شهیدا؛ یک عمل شرعی و واجب ۵۴
- عوامل محرومیت دختران از ازدواج ۵۵
- ملاک انتخاب؛ ایمان، پاکدامنی، امانت و صدق ۵۵
- نایاب بودن مرد بی عیب ۵۶
- انتخاب دختر متدین با وجود خانواده ی بد ۵۷
- انتخاب دختران بخاطر صفات والای انسانی ۵۷
- تقدّس ازدواج در ادیان ۵۸
- غلبه ی ارزشهای پوچ اقتصادی بر ارزشهای واقعی ۵۸
- مهریه و جهیزیه سنگین؛ کار جهّال در زمان پیامبر (ص) ۵۹
- تقدّس زدایی از ازدواج با مهریه های سنگین ۵۹
- نسخ مهریه ی سنگین دوران جاهلیت ۶۰
- تقیّد به مهرالسّنه؛ عمل نمادین برای رفع مشکلات ۶۰
- مهریه ی کمتر، جنبه ی انسانی بیشتر ۶۰
- مهریه ی «۱۴ سکه» برای غلبه کردن جنبه ی معنوی ازدواج بر جنبه ی مادی ۶۱
- کم قرار دادن مهریه؛ یک عمل نمادین برای اندیشیدن به یکدیگر ۶۱
- مهریه ی بالا؛ تنزّل معامله ی انسانی به حدّ کالا و بی احترامی به دختر ۶۱
- مهریه ی سنگین؛ تبدیل ازدواج به داد و ستد ۶۲
- مهریه ی سنگین؛ زمینه ساز مشکلات اجتماعی ۶۲
- عدم پیشگیری مهریه ی سنگین از طلاق ۶۳
- مهریه و جهیزیه ی سنگین؛ از زواید زندگی ۶۳
- دوری از تشریفات و تجمّل گرایی و مهریه های گران قیمت ۶۴
- دوری از تشریفات؛ ساده تر از رهایی از آن ۶۴
- لزوم گفتمان سازی در تشریفات زائد ازدواج ۶۴
- توصیه به زندگی ساده و بی تشریفات ۶۵
- ازدواج زن مسلمان؛ همراه با عشق معنوی بیگانه از تشریفات ۶۵
- حسرت و احساس عدم خوشبختی در مسابقه ی مادی، تجملات و تشریفات ۶۶

۶۶	بدبختی انسان در زندگی تجملاتی پرخرج و مُسرفانه
۶۶	قناعت؛ یعنی توقّف در حدّ کفاف
۶۷	توقّع کم؛ مایه ی سعادت دنیا و آخرت
۶۸	فصل دوّم جایگاه زن در خانواده
۶۸	اشاره
۷۰	زن مسلمان؛ رکن اساسی خانواده
۷۰	زن؛ محور اصلی عواطف خانوادگی
۷۱	زن؛ حافظ خانواده
۷۱	مهمترین نقش زن
۷۲	مهمترین کار زن؛ سر پا نگه داشتن زندگی
۷۲	طبیعیترین و فطریترین کار زن
۷۲	کار اصلی زن؛ حفظ کانون گرم خانواده
۷۲	خانه داری؛ شغل اصلی زن
۷۴	خواستگی اسلام از بانوان؛ حفظ بنیان خانواده
۷۴	تقدّم مسؤلیت خانوادگی بر مسؤلیت اجتماعی
۷۵	مطلبوبیت حضور زن در اجتماع به شرط حفظ بنیان خانواده
۷۵	مادری و همسری؛ مسؤلیت اول و منحصر به فرد زن
۷۶	تکلیف دائمی زن؛ ساماندهی به خانواده بدون غرق شدن در آن
۷۷	کیفیت بخشی به حضور زن در «خانه»
۷۷	قدردانی و ارزشگذاری و بیمه ی زنان خانه دار
۷۸	تقوا و بلندنظری زن؛ عامل مؤثر در تربیت اسلامی خانواده
۷۹	نشر ارزشهای معنوی در خانواده و اجتماع به محوریت زن
۷۹	نقش محوری زن در عروج معنوی خانواده
۷۹	نفوذ روحی زن؛ از اسرار و زیبایی های خلقت
۸۰	قویتربودن زن از لحاظ ظرافت و تدبیر
۸۱	تدبیر، مدیریت، ظرافت؛ کار کدبانوی خانواده

- شوهرداری نیکو؛ یعنی ساختن با زحمتهای زندگی بخاطر خدا ۸۱
- نقش برجسته ی زنان در اصلاح جامعه ۸۲
- جلوگیری از انحراف شوهر با عقل و تدبیر ۸۲
- مظلومیت زنان موجب مشکلات فراوان در مسائل خانوادگی ۸۲
- رفع مظلومیت از زن با تکریم آن در خانواده ۸۲
- زن؛ گل زندگی نه مباشر و کارگر خانه ۸۳
- زن؛ گل زندگی، نه کارپرداز خانه ۸۴
- شراکت همسران در اجر پاسداری از انقلاب ۸۴
- اجر زحمات روحی و عاطفی زنان در همراهی با همسر ۸۵
- سهم زنان در موفقیت‌های همسران ۸۵
- زندگی زناشویی؛ میدان خدمت در راه خدا ۸۶
- تأثیرات محسوس و تعیین کننده ی زن صالح در شوهر و فرزندان ۸۶
- تربیت فرزند و تقویت روحی شوهر؛ مهمترین کار زن ۸۷
- نقش بی بدیل مادر در توجه به عواطف فرزند ۸۷
- سرانگشت ظریف مادر؛ جداکننده ی رشته های رقیق و نازک اعصاب کودک ۸۷
- رسالت عظیم مادری ۸۸
- لزوم توجه به نقش خاص مادران در تربیت فرزند ۸۸
- نقش اساسی مادران در بالندگی نسل آینده ۸۸
- تربیت فرزند؛ کاری سخت و هنری بزرگ ۸۹
- مادر؛ انتقال دهنده ی فرهنگ و تمدن در سراسر زندگی ۸۹
- نقش مادران در پرورش یاران حسین (ع) و زینب (س) ۹۰
- مردان بی نظیر؛ تربیت شده ی مادران کم نظیر ۹۰
- فعالیت‌های اجتماعی با حفظ جنبه ی مادری ۹۰
- نفوذ خاص مادر بر فرزند ۹۱
- تربیت صحیح و عاطفی فرزند ۹۱
- هنر زن؛ تربیت نسل بالنده با تأمین آذوقه های فرهنگی ۹۲

- ۹۲ انس زنان با قرآن و نقش آن در تربیت نسلهای آینده
- ۹۲ پرهیز از فرزند آوری؛ عملی خلاف رضایت الهی
- ۹۳ رعایت موازین بهداشتی در بچه دار شدن
- ۹۳ تولیدمثل و تربیت کودک
- ۹۳ پرورش فرزند؛ مجاهدت بزرگ زنان
- ۹۴ نقش متفاوت زن و مرد در بنیانگذاری نهاد خانواده
- ۹۵ تداوم نسل؛ مهمترین وظیفه ی انسان و نقش زنان در این میدان
- ۹۵ وظیفه ی دولت در برابر نقش مادری زنان شاغل
- ۹۵ صداقت مادر و تواضع فرزند
- ۹۶ حقّ بیشتر مادر بر گردن فرزند
- ۹۸ فصل سوّم اهمّیت خانواده
- ۹۸ اشاره
- ۱۰۰ زن و خانواده جزو مسائل درجه ی یک کشور
- ۱۰۰ خانه و خانواده؛ از مسائل اصلی زنان کشور
- ۱۰۰ تضمین آینده ی کشور با تصمیم و فکر درست
- ۱۰۱ خانواده؛ پایه ی اصلی در جامعه
- ۱۰۱ خانواده؛ واحد بنیادین اجتماع
- ۱۰۲ هدف اسلام؛ تشکیل و حفظ خانواده
- ۱۰۲ حاکمیت دین؛ عامل عفت و حافظ کانون خانواده
- ۱۰۲ رواج روشهای اسلامی؛ راه پرورش محیط امنتر خانواده
- ۱۰۳ محیط خانواده برای زن؛ محیط امن، عزّت و آرامش
- ۱۰۳ خانواده؛ سلول حقیقی پیکره ی جامعه
- ۱۰۳ کلمه ی طیبه یعنی خانواده ی نیک و پر برکت
- ۱۰۴ خانواده؛ پایه ی مهمّ زندگی
- ۱۰۴ خانواده ی سالم؛ شرط لازم پیشرفت جامعه
- ۱۰۵ خانواده؛ اساس همه ی تربیتهای

- ۱۰۵ ----- محیط امن برای تربیت و کمال بشر
- ۱۰۵ ----- اصلاح جامعه با خانواده های سازگار و مستحکم
- ۱۰۶ ----- خانواده: بنیاد تربیت معنوی، فکری و روانی بشر
- ۱۰۶ ----- خانواده: کانون رشد و بالندگی عواطف
- ۱۰۷ ----- خانواده: محیط امن برای سلامت روح و فکر افراد
- ۱۰۷ ----- امکان حل مشکلات اخلاقی و معنوی با تحکیم بنیان خانواده
- ۱۰۷ ----- تشکیل خانواده ی سالم؛ پایه ی سعادت افراد جامعه
- ۱۰۷ ----- اصلاح خانواده؛ عامل سلامت روحی و رشد فکری افراد جامعه
- ۱۰۸ ----- خانواده: شرط تربیت کامل و سالم
- ۱۰۸ ----- خانواده: محیط آرامش و التذاذات معنوی و عاطفی
- ۱۰۹ ----- خانواده ی آرامتر با بهره وری بیشتر
- ۱۰۹ ----- ارزش و کیفیت بالاتر در خانواده ی آرام
- ۱۱۰ ----- خانواده: محل سکونت، آرامش و تکامل
- ۱۱۰ ----- خانواده: آرامش در مقابل تلاطم، نه در مقابل حرکت
- ۱۱۰ ----- خانواده ی آرام؛ نجات از انواع اضطراب و ایجاد زمینه ی خوشبختی برای همه ی افراد
- ۱۱۱ ----- محیط خانوادگی؛ آغوش مهر و محبت و آسایش
- ۱۱۱ ----- نهاد خانواده؛ اصلاحگر پدر، مادر و فرزند
- ۱۱۱ ----- مختصات خانواده ی خوب؛ اساس اصلاحات واقعی
- ۱۱۲ ----- خانواده؛ فرصتی برای تجدید قوا
- ۱۱۳ ----- خانه؛ استخر نشاط و رفع غبار اجتماعی
- ۱۱۴ ----- بقای خانواده در گرو احترام به قرارداد زناشویی
- ۱۱۴ ----- تزلزل بنیان خانواده به دلیل ورود فرهنگ غرب
- ۱۱۴ ----- پرهیز از بیگانه شدن از محیط خانواده
- ۱۱۵ ----- عشق تصنعی در خانواده بخاطر دلمشغله های بیرونی
- ۱۱۵ ----- جامعه ی بی خانواده؛ خاستگاه مشکلات روانی
- ۱۱۶ ----- پیامدهای تزلزل بنیان خانواده

- ۱۱۶-----تسخیر فرهنگ جامعه با متزلزل کردن بنیان خانواده-----
- ۱۱۶-----اختلال در خانواده؛ عامل اختلافات فرهنگی - اخلاقی جامعه-----
- ۱۱۶-----انتقال فرهنگها و تمدن‌ها به برکت خانواده-----
- ۱۱۷-----خانواده؛ بهترین منتقل کننده ی فرآورده های فکری به نسلهای بعدی-----
- ۱۱۸-----فصل چهارم حقوق و وظایف زن و شوهر در خانواده-----
- ۱۱۸-----اشاره-----
- ۱۲۰-----حقوق متقابل مرد و زن در نظام خانواده از دیدگاه اسلام-----
- ۱۲۱-----احکام دقیق وظریف اسلام، در مصلحت روابط زن و شوهر-----
- ۱۲۲-----وظیفه ی مشترک زن و مرد در ساختن خانواده-----
- ۱۲۳-----تربیت همسران در زندگی مشترک-----
- ۱۲۳-----همکاری روحی همسران با درک ضرورت‌های یکدیگر-----
- ۱۲۴-----مسئولیت زن و مرد؛ همپای هم بودن در زندگی-----
- ۱۲۴-----زن و شوهر؛ هردو رفیق و شریک زندگی مشترک-----
- ۱۲۵-----زن و شوهر؛ بهترین حافظان یکدیگر در صراط مستقیم-----
- ۱۲۶-----مسئولیت همسران در کمک به همدیگر و پیمودن صراط مستقیم-----
- ۱۲۶-----کمک به یکدیگر در راه تحصیل و تبلیغ دین و فعالیت‌های اجتماعی-----
- ۱۲۷-----همسران؛ بهترین نصیحت کنندگان به خیر و تقوا-----
- ۱۲۷-----لزوم عمل به اخلاق اسلامی در خانواده-----
- ۱۲۸-----زندگی کامل در مطرح کردن عملی دین و اخلاق-----
- ۱۲۹-----دستورات شرعی در زمینه ی اخلاق و رفتار زوج-----
- ۱۲۹-----تشویق در خیرات و اصلاح در انحرافات؛ از وظایف همسری-----
- ۱۲۹-----درس دینداری؛ عدم پایبندی به تجملات-----
- ۱۳۰-----زن و شوهر؛ مهارکننده ی وسوسه های شیطانی-----
- ۱۳۱-----برطرف کردن خطاهای شرعی با شیوه ی بسیار لطیف و عاقلانه-----
- ۱۳۱-----محافظت از انحرافات با ابراز محبت؛ تدبیر و زبان خوش-----
- ۱۳۲-----زن و مرد، لباس همدیگر؛ یعنی حفظ و حراست از تمامی آسیبها-----

- تفاوت روحیات زن و مرد در خانواده ۱۳۲
- دو نگاه متفاوت و زیبا ۱۳۳
- احترام واقعی متقابل ۱۳۳
- روز زن؛ فرصتی برای رعایت حرمت و کرامت و حق زن ۱۳۴
- مراعات و تنظیم وقت برای بیشتر بودن زن و مرد با هم ۱۳۴
- رازداری؛ عامل شیرینی و استحکام زندگی مشترک ۱۳۵
- تحمل عیوب یکدیگر ۱۳۵
- سازگاری با عیوب همسر؛ مسابقه ای برای پیدا کردن تقوای بیشتر ۱۳۵
- سازگاری دوطرفه در میان همسران ۱۳۶
- گذشت و اغماض؛ زمینه ی سازشکاری در خانواده ۱۳۶
- سازش و اجتناب از تشنج در خانواده ۱۳۸
- انصاف و عدم اسراف ۱۳۸
- زن و مرد؛ هر دو مأمور به عدالت و انصاف ۱۳۸
- وظیفه ی زن و مرد؛ دقت در حلال و حرام کسب مال ۱۳۹
- چگونگی شکر نعمت ازدواج؛ رفتاری خداپسندانه ۱۳۹
- اهتمام همسران به تفاهم و درک متقابل ۱۴۰
- زندگی مشترک؛ یعنی آرامش، اطمینان و اعتماد ۱۴۰
- وظایف مرد نسبت به همسر ۱۴۰
- مراقبت از زن مانند گل ۱۴۱
- مرد؛ تأمین کننده ی معیشت خانواده ۱۴۲
- وظیفه ی مرد در برابر عواطف و احساسات زن ۱۴۲
- رعایت نظر و نیازهای روحی خانم ۱۴۳
- زن؛ سوگلی خانه، نه پادوی مرد ۱۴۳
- عدم زورگیری و حس مالکیت ۱۴۴
- عدم تحقیر همسر ۱۴۴
- شوهر؛ تکیه گاه مطمئن و آرامش بخش زن ۱۴۵

- ۱۴۵ قیومیت مرد؛ سزای الهی برای کنترل و عفاف خانواده
- ۱۴۶ عدم افراط و تفریط در تبعیت زن از مرد
- ۱۴۶ ترازوی برابر در قوامیت مرد و ریحانه بودن زن
- ۱۴۷ نه زن سالاری و نه مردسالاری
- ۱۴۷ حق زن بر مرد
- ۱۴۸ اهتمام به حفظ محیط خانواده بر عهده ی کدبانوی خانه
- ۱۴۸ نقش مثبت و منفی زن در همسراری
- ۱۴۸ مفیدبودن مرد در جامعه؛ مستلزم وجود همسر خوب در خانه
- ۱۴۹ همدلی با شوهر در همه ی سختیها، حرکت در مسیر تقرب الی الله
- ۱۵۱ وظیفه ی خطیر شوهراری؛ شعبه ای از جهاد اکبر
- ۱۵۲ نفوذ هوشمندانه ی زن با ملایمت، تحمل و خوشرویی
- ۱۵۲ سختگیری زن، مایه ی اذیت شوهر
- ۱۵۴ فصل پنجم محبت و عواطف همسران
- ۱۵۴ اشاره
- ۱۵۶ رابطه ی دوستی و مهربانی
- ۱۵۶ زن و شوهر عاشق؛ پناه یکدیگر
- ۱۵۷ عشق؛ بالاتر از واقعیات زندگی
- ۱۵۷ محبت؛ اساس خوشبختی
- ۱۵۸ افسون محبت؛ بازکننده ی گره های اخلاقی
- ۱۵۹ محبت؛ عامل ماندگاری و سازگاری خانواده
- ۱۵۹ ماندگاری خانواده در گرو تدبیر و محبت
- ۱۶۰ صمیمیت و محبت؛ کمر بند حفاظ خانواده در جوامع شرقی و اسلامی
- ۱۶۰ محبت؛ عامل انس و وفاداری
- ۱۶۰ محبت؛ عامل پایداری و آبادی خانواده
- ۱۶۱ محبت؛ آسان کننده ی همزیستی
- ۱۶۱ رابطه ی عادلانه و محبت آمیز؛ جبران کننده ی دخالتها

- ۱۶۲ عامل پایداری محبت و انس
- ۱۶۲ ابراز محبت بیشتر؛ عامل دریافت مکرر محبت
- ۱۶۲ رعایت حقوق یکدیگر؛ عامل نفوذ معنوی و بقای محبت
- ۱۶۲ نتیجه ی کار زن در خانه؛ محبت و صفا بین زن و شوهر
- ۱۶۳ بی توجهی به احساسات؛ عامل تضعیف محبت
- ۱۶۳ غمخواری و راهنمایی
- ۱۶۳ آراستن زن و شوهر برای همدیگر؛ سفارش معصومین (ع)
- ۱۶۴ غریزه ی جنسی؛ وسیله ی استحکام زندگی
- ۱۶۵ زن و مرد؛ محتاج نیازهای عاطفی و جنسی در خانواده
- ۱۶۵ مجازات سنگین مرد برای چهار ماه رهاکردن زن
- ۱۶۵ شناسایی حساسیتهای اخلاق متقابل در زندگی زناشویی
- ۱۶۶ لازمه ی اعتماد در خانواده؛ حفظ حریمهای زن و مرد
- ۱۶۷ معاشرتهای نادرست؛ زمینه ساز حسادت و سوءظن
- ۱۶۷ تأثیر مخرب سوءظن بر خانواده
- ۱۶۷ عدم جلوه گری و حفظ نگاه؛ عامل استحکام زندگی نه تحجر
- ۱۶۸ مراعات موازین شرعی؛ پشتوانه ی احساسات و نیازهای جنسی
- ۱۶۸ اجتناب از معاشرتهای مضر؛ مؤثر در پایداری بنیان خانواده
- ۱۶۹ عدم اختلاط زن و مرد؛ به وجودآورنده ی محیط گرم و باصفای خانواده
- ۱۶۹ زن؛ محافظ شوهر از سقوط به درّه ی غفلت
- ۱۷۰ عاطفه و تحمل زن؛ عامل تفوق بر ناملایمات زندگی مشترک
- ۱۷۰ تبسم و دلخوشی دادن زن؛ باعث تقویت روحی مرد
- ۱۷۲ فهرست آیات قرآن کریم
- ۱۷۳ فهرست روایات
- ۱۷۴ فهرست اسامی اشخاص
- ۱۷۵ فهرست مکانها
- ۱۷۶ درباره مرکز

زن و خانواده: برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی

مشخصات کتاب

سرشناسه: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 -

عنوان و نام پدیدآور: زن و خانواده [کتاب]: برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی / به کوشش امیرحسین بانکی پورفرد.

مشخصات نشر: تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای "مدظله العالی"، 1393.

مشخصات ظاهری: 152 ص.

فروست: نقش و رسالت زن؛ 3.

شابک: 70000 ریال: 978-964-2951-82-6؛ 70000 ریال (چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: چاپ دوم: تابستان 1393.

یادداشت: این کتاب در سال های 1393-1398 تجدید چاپ شده است.

یادداشت: چاپ دهم: 1400.

یادداشت: چاپ یازدهم: 1401.

یادداشت: نمایه.

موضوع: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 - دیدگاه درباره زن

موضوع: خامنه ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 - دیدگاه درباره خانواده

موضوع: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 - نظریه درباره زناشویی

شناسه افزوده: بانکی پورفرد، امیرحسین، 1349 -، گردآورنده

شناسه افزوده: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای "مدظله العالی".

انتشارات انقلاب اسلامی

رده بندی کنگره: DSR1692/9 ز 94 1393

رده بندی دیویی: 955/0844

شماره کتابشناسی ملی: 3437077

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 3

برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی

به کوشش امیرحسین بانکی پورفرد.

مشخصات نشر: تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای "مدظله

العالی"، 1393

ص: 4

برقراری نظام جمهوری اسلامی به تعبیررسای بنیانگذار آن، حضرت امام خمینی (ره)، از نعمتهای بزرگ الهی بر مردم این سرزمین و تمامی مستضعفین جهان بوده است. مروری بر تاریخ پرافتخار این نهضت و شکل‌گیری نظام مقدس جمهوری اسلامی به روشنی نقش و تأثیر اصل مترقی ولایت فقیه و رهبری حکیمانه‌ی حضرت امام (ره) و پس از آن حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، را در هدایت انقلاب در کوران حوادث گوناگون روزگار نشان می‌دهد. مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی که وظیفه‌ی حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری را برعهده دارد، در اجرای همین وظیفه اقدام به انتشار کتابهای موضوعی به منظور نشر بیانات، دیدگاهها و رهنمودهای معظّمه در مقاطع، مناسبتها و موضوعات مختلف می‌نماید.

کتاب حاضر حاوی گزیده‌ای از بیانات معظّمه درباره‌ی مباحث مرتبط با موضوع «زن و خانواده» است و مطالب آن در پنج فصل و با عناوین «زن و ازدواج»، «جایگاه زن در خانواده»، «اهمیت خانواده»، «حقوق و وظایف زن و شوهر در خانواده» و «محبت و عواطف زن و شوهر» گردآوری و تنظیم شده است.

این اثر جلد سوم از مجموعه‌ی پنج جلدی باعنوان «نقش و رسالت زن» درباره‌ی مسائل و مباحث مرتبط با موضوع «زن» در بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی است که برای استفاده‌ی محققان و عموم علاقمندان به دیدگاههای معظّمه منتشر میشود.

و من الله التوفیق

فصل اول: زن و ازدواج 21

اصرار خداوند بر ازدواج و مذمت طلاق 23

ناخشنودی خداوند از زن و مرد تنها 23

ازدواج؛ هم نیاز و هم وظیفه 23

ازدواج؛ از نعمات بزرگ و اسرار آفرینش 24

آرامش؛ هدف بزرگ ازدواج 24

همجنس بودن زن و مرد؛ دلیل آرامش 25

برکات و فواید ازدواج 25

اصل قضیه؛ محیط سالم خانواده، نه فرزند و ثروت 26

تشکیل خانواده؛ مهم‌ترین فایده‌ی ازدواج 26

تسهیلات اقتصادی و کار فرهنگی برای ترغیب بیشتر به ازدواج 27

تأخیر ازدواج؛ خلاف فطرت و مصلحت بشر 28

ازدواج مهم‌ترین قدم برای اعتلا و گسترش اندیشه و عاطفه‌ی زن 28

اراده‌ی زن در ازدواج 29

حرام بودن ازدواجهای اجباری 29

تحمیل و یانهی از ازدواج؛ خلاف شرع بین 29

ازدواج مجدد همسران شهدا؛ يك عمل شرعی و واجب 31

عوامل محرومیت دختران از ازدواج 32

ملاك انتخاب؛ ایمان، پاکدامنی، امانت و صدق 32

انتخاب دختر متدین با وجود خانواده ی بد 34

انتخاب دختران بخاطر صفات والای انسانی 34

تقدّس ازدواج در ادیان 35

غلبه ی ارزشهای پوچ اقتصادی بر ارزشهای واقعی 35

مهریه و جهیزیه سنگین؛ کار جهّال در زمان پیامبر (ص) 36

تقدّس زدایی از ازدواج با مهریه های سنگین 36

نسخ مهریه ی سنگین دوران جاهلیت 37

تقیّد به مهرالسّنه؛ عمل نمادین برای رفع مشکلات 37

مهریه ی کمتر، جنبه ی انسانی بیشتر 37

مهریه ی «14 سکه» برای غلبه کردن جنبه ی معنوی ازدواج بر جنبه ی مادی 38

کم قرار دادن مهریه؛ يك عمل نمادین برای اندیشیدن به یکدیگر 38

مهریه ی بالا؛ تنزّل معامله ی انسانی به حدّ کالا و بی احترامی به دختر 38

مهریه ی سنگین؛ تبدیل ازدواج به داد و ستد 39

مهریه ی سنگین؛ زمینه ساز مشکلات اجتماعی 39

عدم پیشگیری مهریه ی سنگین از طلاق 40

مهریه و جهیزیه ی سنگین؛ از زواید زندگی 40

دوری از تشریفات و تجمّل گرایی و مهریه های گران قیمت 41

دوری از تشریفات؛ ساده تر از رهایی از آن 41

لزوم گفتمان سازی در تشریفات زائد ازدواج 41

توصیه به زندگی ساده و بی تشریفات 42

ازدواج زن مسلمان؛ همراه با عشق معنوی بیگانه از تشریفات 42

حسرت و احساس عدم خوشبختی در مسابقه ی مادی، تجملات و تشریفات 43

بدبختی انسان در زندگی تجملاتی پرخرج و مُسرفانه 43

قناعت؛ یعنی توقّف در حدّ کفاف 43

توقع کم؛ مایه ی سعادت دنیا و آخرت 44

فصل دوّم: جایگاه زن در خانواده 45

زن مسلمان؛ رکن اساسی خانواده 47

زن؛ محور اصلی عواطف خانوادگی 47

زن؛ حافظ خانواده 48

مهمترین نقش زن 48

ص: 8

مهمترین کار زن؛ سر پا نگه داشتن زندگی 49

طبیعیترین و فطریترین کار زن 49

کار اصلی زن؛ حفظ کانون گرم خانواده 49

خانه داری؛ شغل اصلی زن 49

خواسته‌ی اسلام از بانوان؛ حفظ بنیان خانواده 51

تقدم مسؤلیت خانوادگی بر مسؤلیت اجتماعی 51

مطلبویت حضور زن در اجتماع به شرط حفظ بنیان خانواده 52

مادری و همسری؛ مسؤلیت اول و منحصر به فرد زن 52

تکلیف دائمی زن؛ ساماندهی به خانواده بدون غرق شدن در آن 53

کیفیت بخشی به حضور زن در «خانه» 54

قدردانی و ارزشگذاری و بیمه‌ی زنان خانه دار 54

تقوا و بلندنظری زن؛ عامل مؤثر در تربیت اسلامی خانواده 55

نشر ارزشهای معنوی در خانواده و اجتماع به محوریت زن 56

نقش محوری زن در عروج معنوی خانواده 56

نفوذ روحی زن؛ از اسرار و زیبایی‌های خلقت 56

قویتر بودن زن از لحاظ ظرافت و تدبیر 57

تدبیر، مدیریت، ظرافت؛ کار کدبانوی خانواده 58

شوهرداری نیکو؛ یعنی ساختن با زحمتهای زندگی بخاطر خدا 58

نقش برجسته‌ی زنان در اصلاح جامعه 59

جلوگیری از انحراف شوهر با عقل و تدبیر 59

مظلومیّت زنان موجب مشکلات فراوان در مسائل خانوادگی 59

رفع مظلومیّت از زن با تکریم آن در خانواده 59

زن؛ گل زندگی نه مباشر و کارگرخانه 60

زن؛ گل زندگی، نه کارپرداز خانه 61

شراکت همسران در اجر پاسداری از انقلاب 61

اجر زحمات روحی و عاطفی زنان در همراهی با همسر 62

سهم زنان در موقّیّتهای همسران 62

زندگی زناشویی؛ میدان خدمت در راه خدا 63

تأثیرات محسوس و تعیین کننده ی زن صالح در شوهر و فرزندان 63

تربیت فرزند و تقویّت روحی شوهر؛ مهمترین کار زن 64

ص: 9

نقش بی بدیل مادر در توجه به عواطف فرزند 64

سرانگشت ظریف مادر؛ جداکننده ی رشته های رقیق و نازک اعصاب کودک 64

رسالت عظیم مادری 65

لزوم توجه به نقش خاص مادران در تربیت فرزند 65

نقش اساسی مادران در بالندگی نسل آینده 65

تربیت فرزند؛ کاری سخت و هنری بزرگ 66

مادر؛ انتقال دهنده ی فرهنگ و تمدن در سراسر زندگی 66

نقش مادران در پرورش یاران حسین (ع) و زینب (س) 67

مردان بی نظیر؛ تربیت شده ی مادران کم نظیر 67

فعالیت‌های اجتماعی با حفظ جنبه ی مادری 67

نفوذ خاص مادر بر فرزند 68

تربیت صحیح و عاطفی فرزند 68

هنر زن؛ تربیت نسل بالنده با تأمین آذوقه های فرهنگی 69

انس زنان با قرآن و نقش آن در تربیت نسل‌های آینده 69

پرهیز از فرزند آوری؛ عملی خلاف رضایت الهی 69

رعایت موازین بهداشتی در بچه دار شدن 70

تولیدمثل و تربیت کودک 70

پرورش فرزند؛ مجاهدت بزرگ زنان 70

نقش متفاوت زن و مرد در بنیانگذاری نهاد خانواده 71

تداوم نسل؛ مهمترین وظیفه ی انسان و نقش زنان در این میدان 72

وظیفه ی دولت در برابر نقش مادری زنان شاغل 72

صداقت مادر و تواضع فرزند 72

حقّ بیشتر مادر بر گردن فرزند 73

فصل سوّم: اهمّیت خانواده 75

زن و خانواده جزو مسائل درجه ی يك کشور 77

خانه و خانواده؛ از مسائل اصلی زنان کشور 77

تضمین آینده ی کشور با تصمیم و فکر درست 77

خانواده؛ پایه ی اصلی در جامعه 78

خانواده؛ واحد بنیادین اجتماع 78

هدف اسلام؛ تشکیل و حفظ خانواده 79

ص: 10

- حاکمیت دین؛ عامل عفت و حافظ کانون خانواده 79
- رواج روشهای اسلامی؛ راه پرورش محیط امنتر خانواده 79
- محیط خانواده برای زن؛ محیط امن، عزت و آرامش 80
- خانواده؛ سلول حقیقی پیکره ی جامعه 80
- کلمه ی طیبه یعنی خانواده ی نیک و پر برکت 80
- خانواده؛ پایه ی مهم زندگی 81
- خانواده ی سالم؛ شرط لازم پیشرفت جامعه 81
- خانواده؛ اساس همه ی تربیتها 82
- محیط امن برای تربیت و کمال بشر 82
- اصلاح جامعه با خانواده های سازگار و مستحکم 82
- خانواده؛ بنیاد تربیت معنوی، فکری و روانی بشر 83
- خانواده؛ کانون رشد و بالندگی عواطف 83
- خانواده؛ محیط امن برای سلامت روح و فکر افراد 84
- امکان حل مشکلات اخلاقی و معنوی با تحکیم بنیان خانواده 84
- تشکیل خانواده ی سالم؛ پایه ی سعادت افراد جامعه 84
- اصلاح خانواده؛ عامل سلامت روحی و رشد فکری افراد جامعه 84
- خانواده؛ شرط تربیت کامل و سالم 85
- خانواده؛ محیط آرامش و التذاذات معنوی و عاطفی 85
- خانواده ی آرامتر با بهره وری بیشتر 86
- ارزش و کیفیت بالاتر در خانواده ی آرام 86
- خانواده؛ محل سکونت، آرامش و تکامل 87

خانواده؛ آرامش در مقابل تلاطم، نه در مقابل حرکت 87

خانواده ی آرام؛ نجات از انواع اضطراب و ایجاد زمینه ی خوشبختی برای همه ی افراد 87

محیط خانوادگی؛ آغوش مهر و محبت و آسایش 88

نهاد خانواده؛ اصلاحگر پدر، مادر و فرزند 88

مختصات خانواده ی خوب؛ اساس اصلاحات واقعی 88

خانواده؛ فرصتی برای تجدید قوا 89

خانه؛ استخر نشاط و رفع غبار اجتماعی 90

بقای خانواده در گرو احترام به قرارداد زناشویی 91

تزلزل بنیان خانواده به دلیل ورود فرهنگ غرب 91

ص: 11

- پرهیز از بیگانه شدن از محیط خانواده 91
- عشق تصنعی در خانواده بخاطر دلمشغله های بیرونی 92
- جامعه ی بی خانواده؛ خاستگاه مشکلات روانی 92
- پیامدهای تزلزل بنیان خانواده 93
- تسخیر فرهنگ جامعه با متزلزل کردن بنیان خانواده 93
- اختلال در خانواده؛ عامل اختلافات فرهنگی - اخلاقی جامعه 93
- انتقال فرهنگها و تمدن‌ها به برکت خانواده 93
- خانواده؛ بهترین منتقل کننده ی فرآورده های فکری به نسلهای بعدی 94
- فصل چهارم: حقوق و وظایف زن و شوهر در خانواده 95
- حقوق متقابل مرد و زن در نظام خانواده از دیدگاه اسلام 97
- احکام دقیق وظریف اسلام، در مصلحت روابط زن و شوهر 98
- وظیفه ی مشترك زن و مرد در ساختن خانواده 99
- تربیت همسران در زندگی مشترك 100
- همکاری روحی همسران با درك ضرورت‌های یکدیگر 100
- مسئولیت زن و مرد؛ همپای هم بودن در زندگی 101
- زن و شوهر؛ هردو رفیق و شریک زندگی مشترك 101
- زن و شوهر؛ بهترین حافظان یکدیگر در صراط مستقیم 102
- مسئولیت همسران در کمک به همدیگر و پیمودن صراط مستقیم 103
- کمک به یکدیگر در راه تحصیل و تبلیغ دین و فعالیت‌های اجتماعی 103
- همسران؛ بهترین نصیحت کنندگان به خیر و تقوا 104
- لزوم عمل به اخلاق اسلامی در خانواده 104

زندگی کامل در مطرح کردن عملی دین و اخلاق 105

دستورات شرعی در زمینه ی اخلاق و رفتار زوج 106

تشویق در خیرات و اصلاح در انحرافات؛ از وظایف همسری 106

درس دینداری؛ عدم پابندی به تجملات 106

زن و شوهر؛ مهارکننده ی وسوسه های شیطانی 107

برطرف کردن خطاهای شرعی با شیوه ی بسیار لطیف و عاقلانه 108

محافظت از انحرافات با ابراز محبت؛ تدبیر و زبان خوش 108

زن و مرد، لباس همدیگر؛ یعنی حفظ و حراست از تمامی آسیبها 109

تفاوت روحیات زن و مرد در خانواده 109

ص: 12

دو نگاه متفاوت و زیبا 110

احترام واقعی متقابل 110

روز زن؛ فرصتی برای رعایت حرمت و کرامت و حق زن 111

مراعات و تنظیم وقت برای بیشتر بودن زن و مرد با هم 111

رازداری؛ عامل شیرینی و استحکام زندگی مشترك 112

تحمل عیوب یکدیگر 112

سازگاری با عیوب همسر؛ مسابقه ای برای پیدا کردن تقوای بیشتر 112

سازگاری دوطرفه در میان همسران 113

گذشت و اغماض؛ زمینه ی سازشکاری در خانواده 113

سازش و اجتناب از تشنج در خانواده 115

انصاف و عدم اسراف 115

زن و مرد؛ هر دو مأمور به عدالت و انصاف 115

وظیفه ی زن و مرد؛ دقت در حلال و حرام کسب مال 116

چگونگی شکر نعمت ازدواج؛ رفتاری خداپسندانه 116

اهتمام همسران به تفاهم و درک متقابل 117

زندگی مشترك؛ یعنی آرامش، اطمینان و اعتماد 117

وظایف مرد نسبت به همسر 117

مراقبت از زن مانند گل 118

مرد؛ تأمین کننده ی معیشت خانواده 119

وظیفه ی مرد در برابر عواطف و احساسات زن 119

رعایت نظر و نیازهای روحی خانم 120

زن؛ سوگلی خانه، نه پادوی مرد 120

عدم زورگیری و حس مالکیت 121

عدم تحقیر همسر 121

شوهر؛ تکیه گاه مطمئن و آرامش بخش زن 122

قیومیت مرد؛ سر الهی برای کنترل و عفاف خانواده 122

عدم افراط و تفریط در تبعیت زن از مرد 123

ترازوی برابر در قوامیت مرد و ریحانه بودن زن 123

نه زن سالاری و نه مردسالاری 124

حق زن بر مرد 124

ص: 13

اهتمام به حفظ محیط خانواده بر عهده ی کدبانوی خانه 125

نقش مثبت و منفی زن در همسررداری 125

مفیدبودن مرد در جامعه؛ مستلزم وجود همسر خوب در خانه 125

همدلی با شوهر در همه ی سختیها، حرکت در مسیر تقرّب الی الله 126

وظیفه ی خطیر شوهررداری؛ شعبه ای از جهاد اکبر 128

نفوذ هوشمندانه ی زن با ملایمت، تحمّل و خوشرویی 129

سختگیری زن، مایه ی ادبیت شوهر 129

فصل پنجم: محبّت و عواطف همسران 131

رابطه ی دوستی و مهربانی 133

زن و شوهر عاشق؛ پناه یکدیگر 133

عشق؛ بالاتر از واقعیّات زندگی 134

محبّت؛ اساس خوشبختی 134

افسون محبّت؛ بازکننده ی گره های اخلاقی 135

محبّت؛ عامل ماندگاری و سازگاری خانواده 136

ماندگاری خانواده در گرو تدبیر و محبّت 136

صمیمیت و محبّت؛ کمر بند حفاظ خانواده در جوامع شرقی و اسلامی 137

محبّت؛ عامل انس و وفاداری 137

محبّت؛ عامل پایداری و آبادی خانواده 137

محبّت؛ آسان کننده ی همزیستی 138

رابطه ی عادلانه و محبّت آمیز؛ جبران کننده ی دخالتها 138

عامل پایداری محبّت و انس 139

ابراز محبت بیشتر؛ عامل دریافت مکرر محبت 139

رعایت حقوق یکدیگر؛ عامل نفوذ معنوی و بقای محبت 139

نتیجه‌ی کار زن در خانه؛ محبت و صفا بین زن و شوهر 139

بی توجهی به احساسات؛ عامل تضعیف محبت 140

غمخواری و راهنمایی 140

آراستن زن و شوهر برای همدیگر؛ سفارش معصومین (ع) 140

غریزه‌ی جنسی؛ وسیله‌ی استحکام زندگی 141

زن و مرد؛ محتاج نیازهای عاطفی و جنسی در خانواده 142

مجازات سنگین مرد برای چهار ماه رهاکردن زن 142

ص: 14

شناسایی حساسیتهای اخلاق متقابل در زندگی زناشویی 142

لازمه ی اعتماد در خانواده؛ حفظ حریمهای زن و مرد 143

معاشرتهای نادرست؛ زمینه ساز حسادت و سوءظن 144

تأثیر مخرب سوءظن بر خانواده 144

عدم جلوه گری و حفظ نگاه؛ عامل استحکام زندگی نه تحجّر 144

مراعات موازین شرعی؛ پشتوانه ی احساسات و نیازهای جنسی 145

اجتناب از معاشرتهای مضر؛ مؤثر در پایداری بنیان خانواده 145

عدم اختلاط زن و مرد؛ به وجودآورنده ی محیط گرم و باصفای خانواده 146

زن؛ محافظ شوهر از سقوط به درّه ی غفلت 146

عاطفه و تحمل زن؛ عامل تقوّق بر ناملایمات زندگی مشترك 147

تبسم و دلخوشی دادن زن؛ باعث تقویت روحی مرد 147

فهرست آیات قرآن کریم 149

فهرست روایات 150

فهرست اسامی اشخاص 151

فهرست مکانها 152

ص: 15

یکی از موضوعاتی که در طول تاریخ در معرض آرا و تفسیرهای گوناگون قرار گرفته و همواره دچار افراط و تفریط شده است، شخصیت و جایگاه فردی، خانوادگی، اجتماعی و تاریخی زن است. امروزه نیز کج اندیشیها و عدم تعادل در این باب، در جوامع مختلف فراوان به چشم میخورد. در این میان، تنها چشمه ی زلال، مکتب انبیا و اوصیای الهی است که به دور از هرگونه افراط و تفریط و با تکیه بر وحی و استمداد از خالق هستی، به ترسیم جایگاه حقیقی زنان، متناسب با آفرینش آنان پرداخته است.

با پیروزی انقلاب اسلامی و شعار بازگشت به اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله) از سوی امام خمینی (ره)، احیای شخصیت زن مسلمان نیز چه در نظر و چه در عمل جلوه ای دیگر یافت. از جنبه ی نظری، دیدگاهی جدید در باب زن و ارزشهای او در جهان امروز پدید آمد و در صحنه ی عمل، زنان در مسائل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی پا به پای مردان و گاه مقدم بر آنان در سرنوشت جامعه نقش آفرین شدند.

این موج فرهنگی حضور و تعالی زن، نه تنها در سالهای پس از انقلاب اسلامی افول نکرد بلکه در عرصه ی دفاع مقدّس، شکل کاملتری به خود گرفت و پس از آن نیز رشد فزاینده ای یافت. در حقیقت میتوان دوران کنونی را دوران شکوفایی نهالی دانست که به دست امام خمینی (ره) پدید آمد و با خون هزاران شهید آبیاری گردید. با این همه، آفات و بلیّات همواره

در قالب طرح دیدگاه‌های متأثر از غرب و تفکرات فمینیستی از يك سو و نظرات متحجرانه از سوی دیگر، این نهال نوپا را تهدید کرده و گاه آنچنان فضا را مسموم ساخته است که دیدگاه‌های اصیل اسلامی، برای عموم جامعه بویژه زنان مؤمن و انقلابی و حتی فرهیختگان و متولیان فرهنگی و اجرایی کشور نیز مشتبه شده است. در چنین شرایطی، ارائه‌ی سیمای جامع زن در اسلام مبتنی بر ساختار آفرینشی او و متناسب با مقتضیات زمان و مکان، ضرورت خویش را باز مینمایاند.

بدین منظور، باید به دنبال کسانی رفت که با نگاه عمیق به مبانی دینی و مبتنی بر زمان شناسی و تدبیر لازم و آشنایی با مسائل و مشکلات و نیازهای جامعه، خطوط اصلی و کلان نظام اسلامی را در باب شخصیت و جایگاه زن مسلمان ترسیم نمایند؛ و این مهم به لطف خداوند متعال با وجود رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدّ ظلّه العالی) دست یافتنی است. بی تردید از جمله عنایات الهی به جامعه‌ی اسلامی ایران، وجود رهبری فرزانه، مجتهد و ربّانی است که بحق کمتر کسی را در میان فقها و غیرفقها میتوان یافت که همچون ایشان در ارائه‌ی سیمای زن از منظر اسلام کوشیده باشد، اما این حقیقت، همچون دیگر عطایای الهی به ایشان، در ورای چهره‌ی سیاسی و حقوقی این رهبر الهی، پنهان مانده است.

مقام معظم رهبری (مدّ ظلّه العالی) با عنایتی که به مباحث زنان از دیر باز داشتند، همواره محوریت خانواده را در مباحث زنان مدنظر داشته‌اند. با توجه به اینکه در این دوران، هجمه‌های فرهنگی دشمنان از طریق انواع رسانه‌ها و وسایل ارتباطی، سلامت جنسی جوانان را هدف گرفته است که با در نظر گرفتن جوان بودن جمعیت کشور، این امر چشم‌اسفندیار نظام محسوب میشود و برای جلوگیری از آن راهی جز پایین آوردن سن ازدواج و گسترش ازدواجهای سهل و آسان، موفق آگاهانه پایدار و بهنگام و توجه بیش از پیش به خانواده نیست؛ بنابراین برای رفع موانع و تقویت فرهنگ ازدواج و تشکیل و تحکیم خانواده باید با در نظر گرفتن دیدگاه‌های معظمله

به همراه يك عزم ملی، فرهنگسازی گسترده ای صورت گیرد؛ لذا در این کتاب سعی شده است تا دیدگاههای معظّمه در حوزه ی ازدواج و خانواده با محوریت زن استخراج گردد. با نگاه به فهرست تفصیلی این کتاب میتوان خلاصه و چکیده ی فرمایشات ایشان را در این حوزه به دست آورد.

در استخراج، گردآوری و دسته بندی سخنان معظّمه و ارائه ی آن در قالب اثر حاضر، تمامی سخنرانیها و پیامهای ایشان درباره ی زنان، از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تا سال 1392 حتّی سخنانی که رسانه ای نشده است مانند توصیه هایی که هنگام خواندن خطبه ی عقد به جوانان داشته اند اما در مخزن اسناد دفتر معظّمه موجود بوده، مورد بررسی قرار گرفته است که حجم گسترده ی آنها، توجّه و اهتمام رهبر معظّم انقلاب را نسبت به مسائل زنان نشان میدهد.

در پایان، با سپاس فراوان از حمایتهای دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظّم رهبری، لازم است از زحمات جناب دکتر تقی اجیه در ویراستاری عنوان تشکّر نمایم. همچنین از خواهران گرامی: ملیحه نقش زن، فاطمه حقیقی، مائده کیوانی، نسیم کریمی، اشرف السّادات فتحی، اکرم امینی، آسیه مهجوری، مهرناز سطوت، سعیده شریعت، زهرا نقش زن و فاطمه دهقانی که در جمع آوری و انطباق فیشها و اصلاح نهایی تلاش فراوان داشته اند، بالاخص خواهر مرضیه شاه سنایی که مسؤولیت گروه خواهران محقّق را برعهده داشتند، سپاسگزارم. امیدوارم این اثر مقبول افتد و مورد لطف و عنایت خداوند قرار گیرد.

و آخر دعوانا انّ الحمد لله ربّ العالمین

امیرحسین بانکی پور فرد(1)

ص: 19

اصرار خداوند بر ازدواج و مذمت طلاق

از نظر اسلام، تشکیل خانواده يك فریضه است. عملی است که مرد و زن باید آن را بعنوان يك کار الهی و يك وظیفه انجام بدهند، اگر چه شرعاً در زمره ی واجبات ذکر نشده، اما بقدری تحریض (1) و ترغیب شده است که انسان میفهمد خدای متعال بر این امر اصرار دارد، آن هم نه بعنوان يك کارگزاری، بلکه بعنوان يك حادثه ی ماندگار و دارای تأثیر در زندگی و جامعه. لذا این همه بر پیوند میان زن و شوهر تحریض کرده و جدایی را مذمت نموده است. (2)

ناخشنودی خداوند از زن و مرد تنها

خدای متعال از زن و مرد تنها خوشش نمی آید، مخصوصاً آنهایی که جوانند و بار اولشان است. مخصوص جوانها هم نیست. خدای متعال از زندگی مشترك و مزدوج خوشش می آید. (3)

ازدواج؛ هم نیاز و هم وظیفه

ازدواج هم يك وظیفه است هم يك نیاز؛ از باب اینکه وظیفه است بایستی این وظیفه بهنگام و طبق مقررات انجام بگیرد. بهنگام، یعنی نگذارید

ص: 23

1- . برانگیختن

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (77/12/11)

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (75/11/20)

خیلی دیر بشود، دخترها و پسرها را زود، هنگامی که به حد ازدواج رسیدند اینها را مزدوج کنید. (1)

ازدواج؛ از نعمات بزرگ و اسرار آفرینش

پیوند ازدواج و زناشویی، یکی از نعمات بزرگ الهی و یکی از اسرار آفرینش است و یکی از موجبات بقا و ماندگاری و صحت و صلاح جوامع است. (2)

آرامش؛ هدف بزرگ ازدواج

ببینید این آیه ی شریفه در مورد زن و مرد - عمدتاً در داخل خانواده - چه میفرماید «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا (3)». یعنی از جمله ی نشانه های قدرت الهی یکی این است که برای شما انسانها، از نوع خودتان و از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ برای شما مردان، زنان را و برای شما زنان، مردان را. از خودتان هستند؛ «مِنْ أَنْفُسِكُمْ»، جنس جداگانه ای نیستند، در دورتبه ی جداگانه نیستند؛ همه يك حقیقتند، يك جوهر و يك ذاتند. البته در بعضی از خصوصیات، با هم تفاوتهایی دارند؛ چون وظایفشان دوتاست. بعد میفرماید: «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا (4)». یعنی زوجیت و دوجنسی در طبیعت بشر، برای هدف بزرگی است. آن هدف، عبارت است از سکون و آرامش، تا شما در کنار جنس مخالف خودتان در درون خانواده - مرد در کنار زن، زن در کنار مرد - آرامش پیدا کنید. برای مرد هم آمدن به داخل خانه، یافتن محیط امن خانه، زن مهربان و دوستدار و امین در کنار او، وسیله ی آرامش است؛ برای زن هم داشتن مرد و تکیه گاهی که به او عشق بورزد و برای او

ص: 24

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (64/7/2)

2- . در مراسم اجرای صیغه عقد (79/12/15)

3- . سوره ی روم، آیه ی 21

4- . همان

مانند حصن(1) مستحکمی باشد - چون مرد جسماً قویتر از زن است - يك خوشبختی است؛ مایه ی آرامش و سعادت است. خانواده این را برای هر دو تأمین میکنند. مرد برای پیدا کردن آرامش، به زن در محیط خانواده احتیاج دارد؛ زن هم برای یافتن آرامش، به مرد در محیط خانواده نیازمند است - «لَيْسَكُنُوا إِلَيْهَا» - هر دو برای سکون و آرامش، به هم احتیاج دارند.(2)

همجنس بودن زن و مرد؛ دلیل آرامش

در قرآن، آیه ی «وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا(3)» آمده است. دو جا در قرآن، تعبیر «سَكَنَ» تا آنجایی که من یادم هست - وجود دارد «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا(4)». خدای متعال، زوج آدمی را از جنس او قرار داد، زوج زن را، زوج مرد را از جنس خود او قرار داد، «لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا»؛ تا اینکه آدمی بتواند - چه مرد و چه زن - در کنار شوهر یا همسر، احساس آرامش کند.(5)

برکات و فواید ازدواج

فرصت ازدواج و آرام گرفتن در يك مجموعه ی خانواده، یکی از فرصتهای مهم زندگی است. برای زن و مرد هر دو این يك وسیله ی آرامش و آسایش روحی و وسیله ی دلگرم شدن به تداوم فعالیت زندگی است. وسیله ی تسلی، وسیله ی پیدا کردن يك غمخوار نزدیک که برای انسان در طول زندگی لازم است. قطع نظر از نیازهای طبیعی انسان که نیازهای غریزی و جنسی میباشد، مسأله ی تولید نسل و داشتن فرزند هم خود از دلخوشیهای بزرگ زندگی است.

ص: 25

1- . قلعه، بنای استوار، پناهگاه

2- . در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (76/7/30)

3- . سوره ی اعراف، آیه ی 189

4- . سوره ی روم، آیه ی 21

5- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (75/10/5)

پس میبینید از هر دو طرف که انسان نگاه میکند، ازدواج يك امر مبارك و يك پدیده ی بسیار مفید است. البته مهمترین فایده ی ازدواج، همان تشکیل خانواده است و بقیه ی مسائل، فرعی و درجه ی دو و یا پشتوانه ی این مسأله است؛ مثل تولید نسل یا ارضای غرایز بشری، اینها همه درجه ی دو است، درجه ی اول همان تشکیل خانواده است. (1)

اصل قضیه؛ محیط سالم خانواده، نه فرزند و ثروت

اصل در ازدواج عبارت است از پیوند زناشویی دختر و پسر و تشکیل خانواده. همین قدر که دختر و پسر همدیگر را ببینند و عقد شرعی جاری بشود و اینها با هم زن و شوهر بشوند، يك كانون خانواده به وجود آمده و يك خانواده ی جدیدی تشکیل شده است. شارع مقدّس، خانواده ی مسلمان و سالم را دوست دارد. وقتی خانواده تشکیل شد، برکات زیادی در آن هست، نیازهای زن و شوهر تأمین میشود، نسل بشری ادامه پیدا میکند.

اما اصل قضیه، فرزند، زیبایی و ثروت نیست. اصل قضیه این است که دو نفر با هم زندگی مشترکی را تشکیل میدهند و این محیط باید يك محیط سالمی باشد. (2)

تشکیل خانواده؛ مهمترین فایده ی ازدواج

مسأله ی ازدواج و تشکیل خانواده در شرع مقدّس امر بسیار مهمی است و فواید بسیاری هم دارد، اما مهمترین فایده و هدف ازدواج، عبارت است از تشکیل خانواده. نفس این علقه ی زوجیت و تشکیل يك واحد جدید، مایه ی آرامش زن و مرد و مایه ی کمال و اتمام شخصیت آنهاست. بدون آن، هم زن و هم مرد ناقصند. همه ی مسائل دیگر فرع این است. اگر این

ص: 26

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (80/12/9)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (73/9/23)

کانون سالم و پایدار شد، بر روی آینده و بر روی همین وضع فعلی جامعه تأثیر خواهد گذاشت. (1)

تسهیلات اقتصادی و کار فرهنگی برای ترغیب بیشتر به ازدواج

حقیقت این است که خانواده یک نهاد طبیعی است، و بطور طبیعی بایستی به وجود بیاید، باید رشد کند. وقتی وضع جامعه ای خوب است، وقتی مردم امکان داشتن خانه، داشتن وسایل، درآمد نسبتاً اطمینان بخشی هستند؛ خانواده تشکیل میدهند، فرزنددار میشوند، زنها بیشتر به کار خانه میپردازند، مردها بیشتر شائقند (2) که خانواده داشته باشند. وقتی که وضع مردم نابسامانی هایی دارد، جوان میخواهد ازدواج کند خانه ندارد، خانه ای اجاره ای به او نمیدهند، نمیدانم وسایل پیدا نمیکند؛ درآمدش کافی نیست، طبعاً لنگ میشود. این ناشی از این چیزهاست؛ اگر بخواهیم یک علاج بنیانی برای این قضیه فکر بکنیم، آن علاج بیش از آنچه که علاج فرهنگی باشد، علاج اقتصادی و مادی است و الاً از لحاظ فرهنگی بقدر کافی در جامعه ای ما مسأله ای ازدواج جا دارد، به خصوص حالا که خوشبختانه دخترها و پسرها خیلی از گذشته عقیقت و بهتر هستند، لذا بطور قهری و طبیعی هر زن و مردی کشش و میل به ازدواج را در خودش مییابد، اگر همسر نداشته باشد. خب تسهیلش یک کار مادی و اقتصادی میخواهد. کار فرهنگی که در اینجا وجود دارد به نظر من این است که ما یک قدری ترویج کنیم مردم را ترویج کنیم، پارسایی در کار ازدواج، مثل کم بودن مهریه، مثل کم بودن جهیزیه، عدم اهمیت به این چیزها؛ تشریفات معمول در باب ازدواج که مثلاً فرض بفرمایید که جشنها و میهمانیهای کذابی؛ اگر این کار فرهنگی انجام بگیرد که شما شاید خوب باشد که توی همین شاهد بانوان یک مقداری از این قضیه دفاع کنید، و در منبرها، نماز جمعه ها، در بیانات مسؤولین متنفذ،

ص: 27

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (76/2/10)

2- . تمایل و شوق دارند

در ذهن مردم تکرار بشود، گفته بشود خیلی کمک خواهد کرد به تسهیل امر ازدواج. کار فرهنگی اش این است؛ کار دولتی هم در همین حدی که وجود دارد يك مقدار حالا سازمان یافته تر و بهتر باشد کافی است. عمده این است که باید وضع مردم ان شاءالله خوب بشود تا بتوانند ازدواج را با شوق و رغبت انجام بدهند. (1)

تأخیر ازدواج؛ خلاف فطرت و مصلحت بشر

اینکه بعضی سن ازدواج را برای سالهای میانی عمر که در غرب و تمدن غرب معمول است، میگذارند مثل اغلب چیزهایشان، غلط و بر خلاف فطرت و مصلحت بشر و ناشی از این است که به شهوترانی و بی بندوباری اقبال دارند. میخواهند جوانی خود را به اصطلاح خودشان، با خوشی سپری کنند، هوسرانی هایشان را بکنند بعد که از کار افتاده شدند و آتشیایشان فرو نشست، حالا سراغ خانواده بروند. ملاحظه میکنید که در غرب زندگی خانوادگی این طوری است؛ طلاقهای زیاد، ازدواجهای ناموفق، مرد و زنهای بی وفا، تخطی های جنسی فراوان، غیرت کم، زندگی خانوادگی به این معناست. (2)

ازدواج مهمترین قدم برای اعتلا و گسترش اندیشه و عاطفه ی زن

پدران و مادران کمک کنند که فرزندان شان، دخترانشان، فرصت فعالیت های انقلابی را پیدا کنند؛ البته مراقب هم باشند که دشمنان انقلاب نقطه ی حساس جامعه یعنی زنان را نیز هدف گرفته اند. حواسشان جمع باشد دختران و زنان در حوزه ی تبلیغات مخرب آنان قرار نگیرند، اما به فعالیت های اجتماعی سرگرم باشند.

مسأله ی تشکیل خانواده و ازدواج را - که از مهم ترین قدمها برای اعتلا

ص: 28

1- . از مصاحبه با مجله ی شاهد بانوان (67/09/13)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (75/8/5)

و گسترش میدان اندیشه و عاطفه ی زن هست - با مشکلات رویه رو نکنند؛ مهریه های سنگین، سختگیری نسبت به همسر دخترانشان از جمله ی موانع بزرگ ازدواج است(1)

اراده ی زن در ازدواج

خداوند به اراده ی زن و مرد در همه ی امور از جمله ازدواج احترام گذاشته است و بر همین اساس واداشتن دختران به ازدواج با مردان از نظر اسلام حرام است و بدون رضایت دختر، جایز نیست.(2)

حرام بودن ازدواجهای اجباری

از مسائلی که شنیدم در بعضی از نقاط این منطقه وجود دارد، آن است که مردان، دختران خود را مجبور به ازدواج میکنند. این کار از نظر اسلام حرام است. ازدواج بدون رضایت زن جایز نیست. خدای متعال به اراده ی انسانها و به اراده ی زن و مرد در همه ی امور و در چارچوب احکام الهی احترام گذاشته است. در يك معامله ی كوچك، طرفین باید راضی باشند؛ چه رسد به ازدواج که سرنوشت دو انسان در گرو آن است. چطور میشود اجازه داد دخترانی را بدون رضایت خودشان به خانه ی مردانی بفرستند که به آنها هیچ علاقه ای ندارند؟! (3)

تحمیل و یا نهی از ازدواج؛ خلاف شرع بین

به نظر اسلام، زن در انتخاب همسر آزاد است و هیچکس نمیتواند در مورد انتخاب همسر، بر هیچ زنی چیزی را تحمیل کند. یعنی حتی برادران زن، پدر زن حالا خویشاوندان دورتر که جای خود دارند - اگر بخواهند بر او تحمیل کنند که تو حتماً باید با این شخص ازدواج کنی، نمیتوانند و

ص: 29

1- . در خطبه نماز جمعه (60/2/4)

2- . در اجتماع خانواده های شهدای گنبد (74/7/27)

3- . در دیدار مردم گنبد (74/07/27)

چنین حقی را ندارند. این، نظر اسلام است. البته در جامعه‌ی اسلامی، در طول زمان، عادات جاهلی و غلط بوده است؛ الان هم در بعضی از کشورها هست و در کشور خود ما هم در بعضی از جاها - مثل مناطقی از شهرهای مرکزی کشور، مناطقی در خوزستان و جاهای دیگر - عادات غلطی وجود دارد. فرض بفرمایید - آنطوری که اطلاع دارم - در بعضی از عشایر، پسر عمومی هر دختری حق دارد که در مورد ازدواج آن دختر، اظهار نظر بکند! این، غلط است. اسلام، چنین اجازه‌ی را به هیچکس نمیدهد. آنچه را که مسلمانان جاهل انجام میدهند، کسی نباید به حساب اسلام بگذارد. اینها عادات جاهلی است. مسلمانان جاهل، با تکیه‌ی بر آداب و عادات جاهلیت، کارهایی را انجام میدهند که ربطی به اسلام و احکام نورانی آن ندارد. اگر کسی دختری را مجبور کند که باید با پسر عمومی ازدواج کنی، کار خلاف کرده است. اگر کسی بعنوان اینکه پسر عمومی دختری است، به خودش حق بدهد که او را از ازدواج کردن نهی

کند و بگوید با من ازدواج نکردی، پس من اجازه‌ی ازدواج به تو نمیدهم، این پسر عمومی و هر کس که به او کمک کند، فعل حرام خلاف شرع کرده است. اینها، خلاف شرع بین است. هیچ کس از فقهای اسلام، در این مورد اختلاف نظر ندارند.

اگر فرض کنیم کسی از قبیله‌ی ای، برای اینکه اختلافات خود را با قبیله‌ی دیگر حل کند - فرض کنید دعوا و اختلاف و خونریزی بوده است - حلّ این اختلاف و فصل این نزاع را به این قرار بدهد که دختری را از قبیله به آن قبیله بدهند؛ بدون اینکه از خود دختر اجازه بگیرند، این کار خلاف شرع است. حالا يك وقت از خود دختر اجازه میگیرند، البته اشکالی ندارد. دختری است، خودش مایل است و حرفی ندارد که با جوانی از قبیله‌ی دیگر ازدواج کند که ضمناً با این ازدواج، اختلاف و نزاع هم از بین برود. این، ایراد و مانعی ندارد؛ اهلاً و سهلاً. اما اگر بخواهند دختری را به این کار مجبور بکنند، این کار، خلاف شرع و خلاف احکام اسلامی است.

احکام اسلام در انتخاب همسر، از اول تشکیل خانواده، در جهت کمک به زنان است. چون بعضی از مردان، نسبت به زنان زورگویی و ظلم و تعدی میکردند، اسلام در مقابل این ظلم و تعدی ایستاده است. (1)

ازدواج مجدد همسران شهدا؛ يك عمل شرعی و واجب

من میبینم که در جامعه‌ی ما متأسفانه بعضی از زنهای جوان که همسرشان شهید شده، خیال میکنند که ازدواج نکردن وفاداری نسبت به آن شوهر است؛ در حالی که در اسلام اصلاً چنین چیزی وجود ندارد، و آن روح عزیزی که در عالم برزخ و شاید در ملکوت الهی است، او از اینکه این خانم ازدواج بکند و به يك عمل واجب شرعی یا لااقل مستحب مؤکد شرعی عمل بکند، مطمئناً خوشحالت‌تر و خوشنودتر است، و شاید از اینکه این همسر شهید به استناد شهید - به استناد خاص شهید - از يك عمل شرعی و لازم استتکاف بکند، احتمال دارد که روح شهید معذب هم باشد. من قویاً معتقدم، يك وقتی بعضی از مسؤولین و برادران این معنا را گفتند، بعضی از خانواده‌های شهدا به ایشان برخورد یا شاید هم حالا خواستند يك حرفی گفته باشند؛ به اینجا و آنجا مراجعه کردند گفتند این حرف به ما برخورده، در حالی که هیچ اصلاً برخورد هم ندارد، ازدواج است. ازدواج يك عمل طبیعی است، يك عمل قهری است، يك وقتی يك نفری همسری دارد، بعد که همسرش به هر دلیلی از او جدا شد یا به شهادت یا به مرگ طبیعی یا به جدایی به وسیله‌ی عوامل قانونی و قهری؛ خب طبیعی است که این خانم اگر وقت ازدواجش است و جوان است بایستی ازدواج بکند، اصلاً بحث تویش نیست. من توصیه‌ی مؤکد دارم که خانمهای شهدا حتماً ازدواج کنند و اگر خودشان راغب به ازدواج نیستند، این را به گردن شهید نگذارند اقللاً که بگویند چون همسر ما شهید شده و عزیز بوده و فلان؛ بنابراین ما بخاطر او ازدواج نمیکنیم. من فکر نمیکنم که شهید از آن خوشش بیاید. (2)

ص: 31

1- . در اجتماع زنان خوزستان (75/12/20)

2- . از مصاحبه با مجله‌ی شاهد بانوان (67/9/13)

عوامل محرومیت دختران از ازدواج

چرا باید بعضی از دخترهایی که مؤمن هستند، باسوادند، با فرهنگند، اهل دین هستند، حتی بعضی هایشان مبلغند، به جرم اینکه يك مقدار سَنَنان بالا رفته یا چندان از زیبایی بهره ای ندارند، از نعمت ازدواج و تشکیل خانواده و نعمت تربیت فرزند محروم بمانند. خوشا به حال آن فرزندی که در دامن چنین زنان پاکی پرورش پیدا کند. خوشا به حال آن مردی که چنین زن پاک و مقدّسی در خانه داشته باشد. این معیارهای طاغوتی را دور بریزید. پدرها! مادرها! تقوای خدا پیشه کنید در امر ازدواج. این همه قرآن به ما میگوید، اسلام به ما میگوید، مهریه را سنگین نکنید، دنبال جهیزیه های سنگین نباشید، دنبال نام و نشان و شغل نباشید. پسر مسلمان، دختر مسلمان، هر دو دارای معرفت اسلامی، هر دو دارای دل مؤمن، اینها کفو همند. بگذارید زندگی مشترک را شروع کنند. چقدر مسأله به من مراجعه میشود در همین زمینه ها مرتّب جوانها، پسرها، دخترها، شکایت و گله میکنند از دست خانواده های سخت گیر، مخصوصاً پدر و مادرهای بعضی از دختران. من در این موقع مقدّس، در این موضوع مقدّس، در حضور شما جمعیت عظیم و انبوه، در خطبه ی نماز جمعه خواهش میکنم به حکم خدا برگردید، آنچه را که خدا گفته است آن را معتبر بدانید. (1)

ملاك انتخاب؛ ایمان، پاکدامنی، امانت و صدق

هم سنگ و هم شأن کدام است؟ ممکن است یکی بیاید خواستگاری دخترمان، هم شأن ما نباشد، هم شأن را بشناسیم، همشأن را معرفی کردند برایمان، معین کردند، فرمودند: «المؤمن كُفُو المؤمنة(2)» مؤمن همشأن مؤمن است، مگر آنی که خدای نکرده خواستگاری دخترتان می آید مؤمن نباشد، آن يك حرف دیگر، اما اگر مؤمن است، هم شأن دختر شماست، زشت است باشد، بی پول است باشد، پدرش اسم و رسم ندارد باشد، شغل زیاد

ص: 32

1- . در خطبه های نماز جمعه (59/9/7)

2- . روضة المتقین، ج 8، ص 120

پول در بیاور ندارد نداشته باشد. شما هم که می‌روید خواستگاری دختر برای پسرتان، آن دختر مؤمن را وقتی پیدا کردید، آن خوب است، آن کفو است، خیلی زیبا نیست نباشد، تحصیلکرده نیست، نباشد، پدرش اسم و رسم ندارد نباشد، نداشته باشد، ثروت ندارد، جهاز نمی‌آورد، نیاورد، آنی که ملاک هست، هیچکدام از اینها نیست، فقط ایمان و پاکدامنی و امانت و صدق است؛ اینها را تحقیق کنید البته.

اینی هم که شنیدید میگویند «خانواده»، «خانواده»، منظور خانواده‌ی اسم و رسم دارِ نمیدانم آنچنانی نیست، خانواده‌ی شأن دار اجتماعی نیست، خانواده‌ی متدین است، یک وقت، یک مرد باربر حمّال مؤمنی دختری دارد، دختر او را باید گرفت، هیچ اشکالی ندارد. چه اشکالی دارد، باربر است؟ خب بله، گاریچی است؟ خب بله، خیلی هم خوب است، مؤمن که هست. اینی که بعضی میگویند که آقا باید خانواده شریف باشد، بله باید شریف باشد اما خانواده‌ی شریف کدام است؟ آنی است که هفت تا پدرشان اسمهاشان معین باشد، همه جزو رجال باشند، جزو شخصیتها باشند اینجوری است؟ نخیر خانواده‌ی شریف، آن خانواده‌ی است که پدر آن خانواده، مادر آن خانواده مؤمنند، امینند، صادقند، آدمهای خوبی اند، سالمند، این خانواده‌ی شریف است. اگر توی خانواده‌ی اینچینی، یک دختری بود که به دیانتش و عقّش شما مطمئن شدید آن همان دختر خوب است. همانی است که می‌خواهید، بروید سراغش. (1)

نایاب بودن مرد بی عیب

این نکته را هم به شما زنها بگویم که مرد بی عیب در دنیا وجود ندارد. ممکن است مردی این عیب را داشته باشد؛ آن عیب دیگر را نداشته باشد.

ص: 33

دیگری هم که این عیب را ندارد، ممکن است ده عیب دیگر داشته باشد. (1)

انتخاب دختر متدین با وجود خانواده ی بد

اگر چنانچه توی يك خانواده ی بد که توی آن خانواده دین نیست، تقوا نیست، مراعات مقررات اسلامی نیست، اهمّیت به ضوابط اسلامی نیست؛ اگر توی این چنین خانواده ای يك دختری هست خیلی هم زیبا خیلی هم باسواد شغل خوبی هم دارد، اینها، نروید سراغش مگر اینکه آن دختر بر خلاف خانواده اش متدین باشد، آن اشکالی ندارد، اگر توی يك خانواده ی بدی يك دختر خوبی درآمده، هستند دخترهای حزب اللّهی که پدرشان، مادرشان آدمهای خوبی نیستند متدین نیستند، این دختر حزب اللّهی و خیلی هم خوب است، این اشکالی ندارد، خیلی هم خوب است، اما اگر نه دختر هم مثل خانواده اش هست، آن وقت این همان «خَصْرَاءَ الدَّمَنِ» است. يك روایتی دارد که پیغمبر فرمود: «إِيَّاكُمْ وَ خَصْرَاءَ الدَّمَنِ (2)» یعنی مبدا سراغ سبزه های گلخن بروید. در جاهای بد، گلخن و - نمیدانم - کثافت و اینها سبزه میروید، پیغمبر [فرمود]: سراغ سبزه ای که توی کثافتخانه میروید نروید، پرسیدند که سبزه ای که توی کثافتخانه میروید چیه؟ «خَصْرَاءَ الدَّمَنِ» یعنی چه؟ فرمود: آن دختر زیبایی که در خانواده ی بد زندگی میکند، سبزه است مثل سبزی مثل يك نبات که از زمین میروید، مثل يك گل است، اما گلی است که در آنچنان سرزمینی میروید، به درد نمیخورد، رهاش کنید. مگر اینکه همینطور که گفتیم خود دختر غیر از خانواده اش باشد، با پدر، مادرش فرق داشته باشد، آن وقت خیر اشکالی ندارد، خیلی هم خوب است. (3)

انتخاب دختران بخاطر صفات والای انسانی

سختگیری های پسران و مردان در گزینش و انتخاب دختر جزو موانع

ص: 34

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (82/2/28)

2- . نهج الفصاحه، ص 355

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (64/7/2)

بزرگ است. به پسران جوان نصیحت میکنم که ازدواج کنند و نصیحت میکنم که در ازدواج تقوا و عفاف دختران را در نظر داشته باشند و نه جمال آنها را. ای بسا دخترانی بی بهره‌ی از جمال اما برخوردار از والاترین صفتهای انسانی؛ آنها را بخواهید و قدر بدانید. (1)

تقدّس ازدواج در ادیان

ازدواج يك تقدّسی دارد از نظر ادیانی که حالا- من میشناسم. من در این خصوص، تقدّص زیادی نکردم. بد هم نیست که بعضی از دوستان آماده‌ی به کار در این زمینه تقدّص کنند. غالباً مراسم ازدواج، يك مراسم مذهبی است؛ مسیحیها آن را توی کلیسا انجام میدهند، یهودیها آن را در کنائشان (2) انجام میدهند؛ مسلمانها هم اگرچه در مسجد انجام نمیدهند، اما اگر بتوانند، در مشاهد مشرفه، و آلا در ایام متبرک دینی و عمدتاً به وسیله‌ی رجال دین، این را انجام میدهند. رجل دینی هم وقتی برای ازدواج نشست، مبالغی دین بیان میکند؛ بنابراین صبغه، کاملاً صبغه‌ی دینی است. (3)

غلبه‌ی ارزشهای پوچ اقتصادی بر ارزشهای واقعی

آن سابقههایی که من و شما خیلی یادمان نیست، قبل از هجوم فرهنگ غربی فاسد به کشور ما و به جامعه‌ی ما چرا، يك قدری مراعات میشد. اگرچه همان وقت هم باز اسم و رسم و چهل تا شتر جهاز و از این حرفهای مزخرف بود، اما باز يك خرده بهتر بود، وقتی که فرهنگ غربی آمد، قیدوبندهای اسلامی ضعیف شد، دختر و پسرها به جای اینکه به ارزشهای واقعی هم فکر کنند به ارزشهای پوچ فکر کردند. واقعاً پوچ است کسی خیال کند که يك مرد اگر پول داشت میشود دختر به او داد، میشود زنش شد؛ اما اگر پول نداشت نه، اگر شغل درآمداری، عنوان داری داشت میشود

ص: 35

1- . در خطبه‌های نماز جمعه (60/2/4)

2- . جمع کنیسه

3- . در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

و الا نه، حالا شغل خوب البته به نظر هر کسی يك چیز است. (1)

مهریه و جهیزیه سنگین؛ کار جهال در زمان پیامبر (ص)

خیال نکنید آن وقتها مهریه زیاد و سنگین یا جهیزیه زیاد سرشان نمیشد. چرا آقا! آن وقتها هم بعضی، از این بی عقلیها مثل همین بی عقلی های زمان ما را داشتند که مثلاً يك میلیون مثقال طلا مهریه ی دخترشان بکنند. درست مثل همین بی عقلیهایی که امروز بعضیها دارند. این کارهای مبالغه آمیز اینطوری اصلاً کار جهال است. اسلام آمد همه ی اینها را به هم ریخت. نه اینکه پیامبر (صلی الله علیه وآله) بلد نبودند بگویند دختر من هزار شتر سرخ موی با فلان شرایط باید مهریه اش باشد. چرا میشد؛ منتها اسلام همه را به هم ریخت. (2)

تقدس زدایی از ازدواج با مهریه های سنگین

ازدواج يك جنبه ی قدسی دارد؛ این جنبه ی قدسی را نباید از آن گرفت. گرفتن جنبه ی قدسی به همین کارهای زشتی است که متأسفانه در جامعه ی ما رایج شده. این مهریه های سنگین به خیال اینکه میتواند پشتوانه ی حفظ خانواده و حفظ زوجیت باشد، تعیین میشود؛ در حالی که اینجور نیست. حداکثر این است که شوهر از دادن امتناع میکند، میرندش زندان؛ يك سال، دو سال زندان میماند. در این اقدام، به زن چیزی نمیرسد؛ او بهره ای نمیبرد، جز اینکه کانون خانواده اش هم متلاشی میشود. اینکه در اسلام از حضرت امام حسین (علیه السلام) نقل شده که فرمود ما دخترانمان و خواهرانمان و همسرانمان را جز با مهرالسنه عقد نکردیم، به خاطر این است؛ والا میتوانستند. اگر امام حسین میخواست مثلاً با هزار دینار هم عقد بکند، میتوانست؛ لازم نبود مثلاً با پانصد درهم - دوازده و نیم اوقیه (3) - مقید به

ص: 36

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (64/7/2)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (72/11/12)

3- . وزنه ای معادل هفت مثقال؛ دوازده و نیم اوقیه معادل پانصد درهم است.

این کار بشود. آنها میتوانند، اما کمش کردند. این کم کردن، با يك محاسبه است؛ این خیلی خوب است(1).

نسخ مهریه ی سنگین دوران جاهلیت

مهریه ی سنگین مال دوران جاهلیت است. پیامبر اکرم آن را منسوخ کرد. پیامبر (صلی الله علیه وآله) از يك خانواده اعیانی است. خانواده ی پیغمبر (صلی الله علیه وآله)، تقریباً اعیانترین خانواده ی قریش بودند. خود ایشان هم که رئیس و رهبر این جامعه ی است. چه اشکالی داشت دختر به آن خوبی که بهترین دختران عالم است و خدای متعال او را «سیدة النساء العالمین» قرار داد «من الاولین و الآخین» با بهترین پسرهای عالم که مولای متقیان است میخواهند ازدواج کنند، مهریه ی ایشان زیاد باشد؟ چرا ایشان آمدند و این مهریه کم را قرار دادند که اسمش «مَهْرُ السُّنَّة» است.(2)

تقیید به مهرالسنة؛ عمل نمادین برای رفع مشکلات

من گمان میکنم اینکه در جهیزیه حضرت زهرا اینقدر سادگی رعایت شد و در مهریه ی ایشان و همه ی اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله) به آن مهر کم، «مَهْرُ السُّنَّة» مقید بودند، درحالی که همه قبول داشتند که بیش از «مَهْرُ السُّنَّة» هم جایز است، اما این حد را حفظ کردند؛ این يك جنبه ی نمادین داشت. برای اینکه بین مردم مبنا و پایه ای باشد برای عمل به آن، تا دچار این مشکلاتی که بر اثر زیاده رویها پیش می آید، نشوند.(3)

مهریه ی کمتر، جنبه ی انسانی بیشتر

اگر کسی برای دختر خود اهمیّت قائل است، یا دختری برای خود

ص: 37

1- . در سوّمین نشست اندیشه های راهبردی (90/10/14)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (74/2/28)

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (77/4/18)

ارزش قائل است، راهش این نیست که بگوید باید مهریه‌ی ما را زیاد کنید. مهریه هر چقدر کمتر باشد، جنبه‌ی انسانی این پیوند بیشتر است. (1)

مهریه‌ی «14 سکه» برای غلبه کردن جنبه‌ی معنوی ازدواج بر جنبه‌ی مادی

اینکه میبینید ما گفتیم 14 سکه بیشتر را عقد نمیکنیم؛ برای این است که آن جنبه‌ی معنوی ازدواج غلبه پیدا کند به جنبه‌ی مادی؛ مثل يك تجارت و معامله نباشد. (2)

کم قرار دادن مهریه؛ يك عمل نمادین برای اندیشیدن به یکدیگر

این کم کردن مهریه که ما اینقدر خوشمان می آید نه برای خاطر این است که اگر مهریه زیاد باشد عقد باطل است یا بد است نه، از باب اینکه این يك عمل سمبلیک است، وقتی مهریه را کم قرار دادند این معنایش این است که اینها بیشتر از همه چیز به یکدیگر می اندیشند، به خودشان فکر میکنند نه به چیزهای زیادی، به جهیزیه هم، لابد خیلی اهمّیت نمیدهند. (3)

مهریه‌ی بالا؛ نازل معامله‌ی انسانی به حدّ کالا و بی احترامی به دختر

هیچ پولی، هیچ ثروتی، معادل يك انسان نمیشود، نه هیچ مهریه‌ی ای میتواند قیمت سرانگشت يك زن مسلمان باشد و نه هیچ درآمدی برای يك مرد یا زن میتواند معادل با شخصیت او باشد. کسانی که مهریه‌های دخترشان را برای احترام به دخترشان بالا میبرند، اشتباه میکنند. این احترام نیست. این بی احترامی است. برای اینکه با بالا بردن مهریه، شما جنس این معامله‌ی انسانی را، یعنی یکی از دو جنس معامله‌ی انسانی را چون هر

ص: 38

1- . در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (74/5/24)

2- . در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (77/4/18)

3- . در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (64/7/2)

دو در مقابل هم هستند - تنزل می‌دهید به حدّ يك کالا و يك متاع. می‌گویید دختر من آن قدر می‌ارزد. نه آقا! دختر شما اصلاً با پول قابل مقایسه نیست.

این مهریه يك سنت اسلامی و الهی است. برای این نیست که در مقابل این موجود شریفِ عزیز انسانی، انسان بخواهد يك چیزی بدهد. (1)

مهریه ی سنگین؛ تبدیل ازدواج به داد و ستد

در ازدواج، اصل قضیه يك امر انسانی است نه يك امر مادی. اسلام مهریه را قرار داده است؛ امّا مهریه این را بصورت يك معامله دادوستدی نمی‌کند. اینجا دادوستدی نیست؛ بلکه طرفین در يك جای مشترك سرمایه گذاری می‌کنند. اینطور نیست که شما مثل خرید و فروش، يك چیز بدهید و يك چیز بگیرید. نه، اینجا چیزی دادن و چیزی گرفتن نیست؛ بلکه هر دو نفر موجودی خودشان را در صندوق و کاسه ی مشترکی می‌گذارند و هر دو از آن استفاده می‌کنند. در ازدواج، قضیه این است.

بنابراین، نقش مادیات در اینجا باید خیلی ضعیف باشد. ما که می‌گوییم مهریه ها را سنگین نکنند، از این بابت است. اگر ما گفته ایم که مهریه بیش از فلان مقدار نباشد، معنایش این نیست که اگر بیش از فلان مقدار بود، عقد باطل یا حرام است؛ نه، جایز هم است، امّا کار غلط است. بعضیها چند میلیون تومان مهریه می‌گذارند، یعنی ازدواج را که يك امر انسانی است، به يك دادوستد و به يك کار بازاری و معامله گری تبدیل می‌کنند. این تحقیر و توهین به نقش و شأن انسانیت در ازدواج است. این، کار غلطی است. (2)

مهریه ی سنگین؛ زمینه ساز مشکلات اجتماعی

اینکه ما مهریه را به این مقدار (3) محدود کرده ایم، نه بخاطر این است که

ص: 39

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (77/8/11)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (70/4/20)

3- . چهارده سکه ی بهار آزادی

مثلاً اگر پانزده، شانزده یا حتی هزار سکه ی طلا مهر شد، عقد نمیشود کرد یا عقد باطل است؛ نه، هیچ اشکال ندارد. بعضیها میگویند سیصدوسیزده سکه. حالا تابلوهای دینی هم برایش درست کرده اند! ما میگوییم بگذارید یکصد و بیست و چهار هزار سکه - به عدد همه ی پیغمبران - ازدواج اشکالی پیدا نمیکند، اما صحبت اینجاست که اشکالات دیگر به وجود می آید؛ هم در محیط خانواده و هم در محیط جامعه، این زوجهای جوان با ضررهای بزرگتری روبرو میشوند. (1)

عدم پیشگیری مهریه ی سنگین از طلاق

هیچ مهریه ی سنگینی مانع طلاق نمیشود و نشده است. آن چیزی که مانع طلاق میشود، اخلاق و رفتار است و رعایت موازین اسلامی. (2)

مهریه و جهیزیه ی سنگین؛ از زواید زندگی

توقعات مادی را در محیط خانواده باید کم کرد. جهیزیه را منع نمیکنیم، لازم است؛ اما اسراف کردن در جهیزیه و وسعت دادن و زیاده روی کردن در آن، تا حدی که خانواده ی عروس خودشان را به زحمت بیندازند، اینها به نظر ما همه اش غلط است و درست نیست. مهریه ی زیاد و جهیزیه ی سنگین، هیچ دختری را خوشبخت نمیکند و هیچ خانواده ای را به آن آرامش و سکون و اعتماد لازم نمیرساند. اینها زواید زندگی است، فضول زندگی است و جز اینکه ایجاد دردسر میکند و اسباب زحمت و اسباب مشکل میشود، فایده ی دیگری ندارد. گاهی فقط هم دردسر نیست؛ گرفتاریهای زیادتری درست میکند؛ لذا این چیزها را هر چه میتوانید کم کنید. (3)

ص: 40

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (81/3/29)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد يك هزار عروس و داماد در حسینیه امام خمینی (ره) در روز ولادت حضرت زهرا (س) (75/9/4)

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (81/3/29)

دوری از تشریفات و تجمل گرایی و مهریه های گران قیمت

ما باید شایستگی خود را ثابت کنیم. مگر نمیگوییم که جهیزیّه ی آن بزرگوار چیزهایی بود که انسان با شنیدن آنها اشکش جاری میشود؟ مگر نمیگوییم که این زن والا مقام، برای دنیا و زیور دنیا هیچ ارزشی قائل نبود؟ مگر میشود که روزبه روز تشریفات و تجمل گرایی و زر و زیور و چیزهای پوچ زندگی را بیشتر کنیم و مهریه دختران مان را زیادتر نماییم؟ اوایل که گاهی بعضیها مهریه ی عقد را يك خرده گران قرار میدادند، ما شوخی میکردیم و میگفتیم شما که میخواهید مثلاً فلان قدر سگّه قرار بدهید، پس یکبارہ بگویید 72 سکه. اما حالا میبینیم که تعیین مهریه های گران قیمت، واقعی شده است! واقعاً چه خبر است؟ شما که پدر آن دختر هستید، آیا میتوانید ادّعا کنید که پیرو پدر فاطمه (سلام الله علیها) هستید؟ این طوری نمیشود، ما باید به حال خودمان فکری بکنیم. (1)

دوری از تشریفات؛ ساده تر از رهایی از آن

زندگی را ساده بگیرید، خودتان را اسیر تشریفات نکنید. اگر از اول وارد مسابقه تشریفات شدید، دیگر رهاشدن از آن سخت است. حالا هم جمهوری اسلامی است. اگر کسی بخواهد ساده زندگی کند میتواند. يك روزی بود که نمیشد، سخت بود. اگر چه بعضی به دست خودشان مشکل میکند. در لباسشان، در مسکنشان، در تجملاتشان، همه را بر خودشان سخت میکنند. (2)

لزوم گفتمان سازی در تشریفات زائد ازدواج

یا همین تشریفات زائد ازدواج - خرجهای زیاد، مجالس متعدّد - که واقعاً انسان دلش میگیرد وقتی میشوند. اینها از آن مواردی است که گفتمان سازی میخواهد. خانمهای مؤثر، آقایان مؤثر، اساتید دانشگاه،

ص: 41

1- . در دیدار با مدّاحان اهل بیت (ع) به مناسبت تولد حضرت زهرا (70/10/5)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (78/10/13)

روحانیون، به خصوص صدا و سیما و رسانه ها باید در این زمینه ها کار کنند؛ این را از این حالت بیرون بیاورند. (1)

توصیه به زندگی ساده و بی تشریفات

سعی کنید از اول، زندگی را ساده و بی تشریفات شروع کنید. طوری نباشد که از اول کار، تشریفات و زیاده خواهیها را وارد زندگی کنید. بدانید که ترجیح و ارزش پیش خدا، با پول و تشریفات و مهمانی اسراف آمیز و جشن گرفتن در هتلهای گران قیمت نیست. اینها هیچ ارزشی پیش خدا ندارد. ارزش، در ایمان، در تقوا و در جهاد است. (2)

ازدواج زن مسلمان؛ همراه با عشق معنوی بیگانه از تشریفات

زن مسلمان، شخصیت خودش را پیدا کرده است. مواظب باشید این شخصیت را گم نکنند. ازدواجها در دوران انقلاب و به برکت آن آسان شد؛ چون تشریفات و سختگیریها کم شد. نگذارید دوباره به خانه ی اول برگردیم. پدران و مادران، نسبت به مقدمات غیر لازم ازدواج سختگیری نکنند؛ جوانان که سختگیری ای ندارند. بگذارند ازدواج اسلامی انجام بگیرد. بگذارند ازدواج برای دختر مسلمان و زن جوانی که در محیط اسلامی است، مثل ازدواج فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) باشد؛ ازدواجی با پیوند عشقی معنوی و الهی و جوششی بی نظیر میان زن و مرد مؤمن و مسلمان و همکاری و همسری به معنای واقعی بین دو عنصر الهی و شریف، اما بیگانه از همه ی تشریفات و زر و زیورهای پوچ و بی محتوای ظاهری. این است ازدواج درست زن مسلمان و تربیت فرزند و اداره ی محیط خانه و البته اندیشیدن و پرداختن به همه چیز جامعه و دین و دانش و فعالیت اجتماعی و سیاسی اسلام، این است. (3)

ص: 42

1- . در سومین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (71/10/17)

3- . در دیدار با جمع کثیری از زنان (68/10/26)

حسرت و احساس عدم خوشبختی در مسابقه ی مادّی، تجملات و تشریفات

اسیر تجملات و تشریفات و چشم و هم چشمیها نشوید. خودتان را در دام مسابقه ی مادّی در امر زندگی نیندازید. هیچکس در این مسابقه، خوشبخت و کامیاب نمیشود. این ظواهر زرق و برق دار زندگی شخصی، اینها هیچکدام انسان را نه خوشبخت میکند، نه دلشاد و راضی میکند. اصلاً انسان هر چه گیرش می آید، باز چیز بیشتری را میخواهد. در حسرت يك چیز بهتری است. در شرع مقدّس هست العفاف و الکفاف - به همان زندگی که بشود گذراند و انسان محتاج کسی نباشد و در عسرت نباشد. این جور پیش ببرید. (1)

بدبختی انسان در زندگی تجملاتی پرخرج و مُسرفانه

زندگی تشریفاتی، زندگی تجملاتی، زندگی اشراف منشی، زندگی پُرخرج و زندگی مصرفی، انسانها را بدبخت میکند. این خوب نیست. زندگی باید با کفاف و راحت بگذرد، نه پُرخرج و مُسرفانه. این دو تا را بعضیها چرا با هم اشتباه میکنند؟ با کفاف یعنی محتاج کسی نباشند و بتوانند زندگیشان را اداره کنند، بدون احتیاج به هیچکس. دلخوشی هم باید داشته باشند و الاً زندگی با درآمد زیاد و مخارج زیاد و تشریفات که خوب نیست. اینها اصلاً راحتی نمی آورد، دلخوشی نمی آورد. (2)

قناعت؛ یعنی توقّف در حدّ کفاف

قناعت کنید، از قناعت خجالت نکشید. بعضیها خیال میکنند که قناعت مال آدمهای تهیدست و فقیر است و اگر آدم داشت، دیگر لازم نیست قناعت کند. نه، قناعت یعنی در حدّ لازم، در حدّ کفایت، انسان توقّف کند. (3)

ص: 43

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (77/7/20)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (78/1/2)

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (76/1/1)

توقع کم؛ مایه ی سعادت دنیا و آخرت

توقعات مادی زیاد و بالا، موجب تنگی معیشت و موجب ناراحتی خود انسان میشود، اگر انسان توقع خودش را از زندگی توقع کمی قرار دهد، این مایه ی سعادت خواهد بود. نه فقط برای آخرت انسان خوب است، که برای دنیای انسان هم خوب است. [\(1\)](#)

ص: 44

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (79/12/21)

فصل دؤم جایگاه زن در خانواده

اشاره

ص: 45

زن مسلمان؛ رکن اساسی خانواده

زن مسلمان در عائله، وظایفی دارد و آن همان رکنیت اساسی خانواده و تربیت فرزندان و هدایت و تقویت روحی شوهر است. (1)

زن؛ محور اصلی عواطف خانوادگی

مسأله‌ی مادری، همسری و خانه و خانواده بسیار اساسی و حیاتی است. در همه‌ی طرحهایی که ما داریم خانواده باید مبنا باشد! شما اگر بزرگترین متخصص پزشکی بشوید، ولی زن خانه نباشید، ناقص هستید. شما میتوانید ضمن آن کارها زن و کدبانوی خانه هم باشید. اصلاً محور این است و اگر بخواهیم در این مورد یک تشبیه ناقص بکنیم، باید به ملکه‌ی زنبور عسل اشاره کنیم. کانون خانواده جایی است که باید در آن عواطف و احساسات وجود داشته باشد و رشد و بالندگی پیدا کند. بچه‌ها در آن کانون محبت و نوازش بینند. طبیعت مرد در یک محدوده‌ی خاصی خامتر و شکننده تر از طبیعت زن است و لذا مرهم زخم او فقط نوازش زن است. حتی نوازش مادر هم برای او نمیتواند جایگزین نوازش همسر باشد؛ یعنی همسر برای او کاری را میکند که مادر برای بچه کوچک خود میکند. زندهای دقیق و ظریف به این نکته آشنا هستند. احساسات و عواطف خانوادگی محتاج یک

ص: 47

محور اصلی است که آن خانم خانه است و اگر او نباشد، خانواده شکل بدون معنایی خواهد بود. (1)

زن؛ حافظ خانواده

خانواده را هم زن به وجود می آورد و اداره میکند؛ این را بدانید عنصر اصلی تشکیل خانواده زن است، نه مرد. بدون مرد، ممکن است خانواده ای باشد.

زن خانواده اگر عاقل و باتدبیر و خانه دار باشد، خانواده را حفظ میکند. اما اگر زن از خانواده ای گرفته شد، مرد نمیتواند خانواده را حفظ کند. بنابراین، خانواده را زن حفظ میکند. (2)

مهمترین نقش زن

در مسأله ی زن آنچه که در درجه ی اول اهمیّت قرار دارد، مسأله ی «خانواده» است؛ نقش زن بعنوان عضوی از خانواده. به نظر من از همه ی نقشهایی که زن میتواند ایفا کند، این اهمیّتش بیشتر است. البته بعضیها اینطور حرفها را در همان نظر اول با شدت رد میکنند و میگویند آقا شما میخواهید زن را توی خانه اسیر کنید، محبوس کنید، از حضور در صحنه های زندگی و فعالیت باز بدارید؛ نه، به هیچ وجه قصد ما این نیست؛ اسلام هم این را نخواسته. اسلام وقتی که میگوید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (3)»؛ یعنی مؤمنین و مؤمنات در حفظ مجموعه ی نظام اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر همه سهیم و شریکند؛ زن را استثناء نکرده. ما هم نمیتوانیم زن را استثناء کنیم. (4)

ص: 48

1- . از مصاحبه با مجله ی شاهد یاران (67/9/13)

2- . در جمع زنان خوزستان (75/12/20)

3- . سوره ی توبه، آیه ی 71

4- . در دیدار گروه کثیری از زنان نخبه (13/4/86)

مهمترین کار زن؛ سر پا نگه داشتن زندگی

برخی فکر میکنند اگر زنی مثلاً کارش عبارت شد از همان کار خانه، این اهانت به زن است؛ نه! هیچ اهانتی نیست. بلکه مهمترین کار برای زن این است که زندگی را سر پا نگه دارد. (1)

طبیعیترین و فطریترین کار زن

خانه داری و اداره کردن همسر و فرزندان، طبیعیترین و فطریترین کار برای زنان است، اما این امر هرگونه توانایی زنان را در میدانهای علمی و معنوی نفی نمیکند. (2)

کار اصلی زن؛ حفظ کانون گرم خانواده

ما یک امتیاز برای زنان قائل شدیم که این به نظر ما بزرگترین امتیاز است، اگر چه دنیا هنوز به او نمیرسد، نه نرسیده، و او این است که معتقدیم زن در نگاه نخستین و بعنوان بزرگترین و اولین مسؤولیت، مسؤولیت حفظ و اداره ی کانون گرم خانواده که ما آن را پایه ی تشکّل اجتماعی خودمان میدانیم بر عهده دارد. این کار به عهده ی مرد نیست و از مرد بر نمی آید. (3)

خانه داری؛ شغل اصلی زن

ما نمیگوییم زنها کار اجتماعی نکنند، چرا؟ یک کارهای اجتماعی است که میتوانند بکنند، حق دارند بکنند. یک کارهای اجتماعی است که واجب است بکنند. یک کارهایی است که واجب است زنها انجام بدهند. آن کاری که به عهده ی آنهاست، از آنها بر می آید، از غیر آنها بر نمی آید، استعدادش را دارند، باید انجام بدهند. اما شغل اصلی و اولی زن، زن خانه بودن است. این تحقیر زن هم نیست، خیال نکنید. این احترام زن است، این تجلیل زن

ص: 49

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (81/3/8)

2- . در دیدار جمعی از خواهران متخصص رشته پزشکی و مامایی (72/9/9)

3- . در مصاحبه با سردبیران مجلات وزارت ارشاد (60/12/4)

است. در خانه است، زن خانه است، محیط خانه را، یعنی آن محل رشد گیاه انسان را، گیاه انسان، این مرتب میکند، آماده میکند. مرد هم مخصوص این است که برود بیرون کارهایش را بکند و وسیله ی تغذیه ی این محیط را فراهم بکند، اینجوری است. مثل اینکه يك اتاقی را، دو تا هم اتاقی، شما فرض کنید. یکی اتاق را اداره میکند، یکی هم برای اینکه آنها بالاخره گرسنه میمانند، غذا میخواهند، میرود بیرون غذا برایشان تهیه میکند، به کدام بی احترامی شده؟ آئی که در خانواده کارها با اوست، همه چیز به او نگاه میکند، اوست که این محیط را دارد میسازد، او بیشتر احترام پیدا میکند یعنی زن. مرد هم پادویی اش را میکند. وقتی هم پای مسؤولیتهای اجتماعی رسید، پای مبارزه رسید، پای سیاست رسید، هر دو باید حاضر بشوند. پای مجاهدت در راه خدا رسید، هر دو باید بیایند، باید زن و مرد بیایند. بعضی زنها قویترند از مردان، بعضی مردها قویترند از زنان. وقتی که مبارزه ما میکردیم زنها نبودند، در نماز جمعه الان زنها بیشترند یا مردها؟ خیلی از نماز جمعه ها زنها بیشتر هم هستند. در خیلی از تظاهرات، زنها بیشتر هم هستند. آنجا که پای فعالیت اجتماعی و فعالیت سیاسی و حضور در صحنه ی اجتماع و مبارزه ی با ابرقدرتها و با ایادیشان هست، آنجا زن و مرد ندارد. زن هم باید باشد، مرد هم باید باشد. البته مرد جسمش قویتر است، يك کارهایی از او بر می آید که از زن بر نمی آید و يك کارهایی هم از زن بر می آید که از مرد بر نمی آید. اما از این محیط اجتماعی و فعالیت سیاسی و اینها که گذشتیم، به سراغ خانه که رفتیم، آنجا سوگلی خانه زن است، پادوی خانه مرد است. اینجور است دیگر، حالا زنها میگویند نه ما میخواهیم پادو باشیم خیلی خب بروید شما پادو باشید، کسی نمیگوید نه. البته این کار مهمتر است، این کار اصلیت است. (1)

ص: 50

خواستہ ی اسلام از بانوان؛ حفظ بنیان خانواده

خانواده از همه چیز بالاتر است و در يك نظام اجتماعی اگر بنیان خانواده سست شد و متلاشی شد و به هم ریخت آنچنانی که امروز متأسفانه بر اثر سوءسیاستها و تدبیرها ما در جاهایی که فرهنگ غربی در آنجا رایج است، آن را مشاهده میکنیم. بسیاری از ارزشها از بین خواهد رفت؛ بنابراین روی خانواده، اسلام تکیه ی زیادی کرده و از بانوان خواسته که کوشش کنند بنیان خانواده مستحکم بماند. (1)

تقدّم مسؤلیت خانوادگی بر مسؤلیت اجتماعی

مسأله ی خانه و نقش زن در خانواده شده معضله ای برای خود زنها و مردها و اینها، در حالی که به نظر من هیچ معضله ای نیست، این يك چیز واضحی است. اولاً- که خانواده يك چیز مشترك است بین زن و مرد؛ اینجور نیست که زنها در مورد اداره ی خانواده سهم داشته باشند، نقش داشته باشند، وظیفه داشته باشند، مردها نه. بلکه مرد و زن هر دو مشترکاً مأمورند که خانواده را بنا کنند، بسازند. درست است؟ خوب؛ با توجه به اهمیتی هم که اسلام به خانواده میدهد، پس کاری از کارهای اصلی یا شاید بشود گفت اصلیتین کار يك زن و مرد مسلمان که پایه و قوام زندگیشان بر آن هست چیست؟ اینکه خانواده شان را بسازند دیگر، هم زن و هم مرد. هر دو این وظیفه را مشترکاً بر دوش دارند. منتها در بنای خانواده سهم زن و مرد يك اندازه نیست به صورت طبیعی، اولاً یکسان نیست، ثانیاً يك اندازه نیست، یعنی يك جور سهمی در بنای خانواده ندارند و همانی هم که سهم هر کدامی هست به يك اندازه و میزان و کمیّت مشترکی نیست، هر کدام کمیّت خاصّ خودشان را دارند. مثلاً فرض بفرمایید نقش زن و مرد را شما در تولید فرزند؛ خوب یکی از کارهای اساسی انسان است دیگر تکثیر مثل، اگر این نباشد که خوب جامعه منقطع خواهد شد. شما این دو تا را با همدیگر مقایسه کنید، خواهید دید نقش مرد يك نقش کمتر و

ص: 51

نقش زن يك نقش بیشتر و طولانیتری است.

مسئولیت خانوادگی زن، مسئولیت داخلی خانه ی زن باید انجام بگیرد، اما این به معنای این نیست که مسئولیت اجتماعی از دوش او برداشته است. نه، مسئولیت اجتماعی هم بر دوش اوست و او غیر از این است، منتها این يك تقدّمی دارد، (1)

مطلبیّت حضور زن در اجتماع به شرط حفظ بنیان خانواده

زن میتواند بعنوان يك مبارز، يك سلحشور، يك مجاهد فی سبیل الله در صحنه ی جامعه ظاهر بشود البتّه در حالی که همه ی این تلاشها و فعالیتها برای زن جایز است و مباح است و مطلوب است و تشویق میشود زن به این کارها، بایستی خانواده بعنوان يك عنصر اصلی که قائم به وجود زن هست در جامعه ی متلاشی نشود؛ یعنی تلاشهایی که بانوان در جامعه میکنند بایستی بصورتی باشد که خانواده را و استحکام بنای خانواده را تحت تأثیر قرار ندهد. (2)

مادری و همسری؛ مسئولیت اول و منحصر به فرد زن

بحث در این است که آیا زن حق دارد به خاطر همه ی چیزهای مطلوب و جالب و شیرینی که در بیرون از محیط خانواده برای او ممکن است تصوّر شود، نقش خود را در خانواده از بین ببرد؟ نقش مادری را، نقش همسری را؟ حق دارد یا نه؟ ما روی این نقش تکیه میکنیم. من میگویم مهمترین نقشی که يك زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت میتواند ایفا کند، آن نقشی است که بعنوان يك مادر و بعنوان يك همسر میتواند ایفا کند؛ این از همه ی کارهای دیگر او مهمتر

ص: 52

1- . از مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی (63/12/4)

2- . در کنگره ی جهانی زن (66/11/17)

است؛ این، آن کاری است که غیر از زن، کس دیگری نمیتواند آن را انجام دهد. گیرم این زن مسؤولیت مهم دیگری هم داشته باشد - داشته باشد - اما این مسؤولیت را باید مسؤولیت اول و مسؤولیت اصلی خودش بداند. بقای نوع بشر و رشد و بالندگی استعدادهای درونی انسان به این وابسته است؛ حفظ سلامت روحی جامعه ی به این وابسته است؛ سکن و آرامش و طمأنینه در مقابل بی قراریها و بیتابیها و تلاطمها به این وابسته است؛ این را نباید فراموش کنیم. این هنری نیست که زن، کار مردانه را تقلید کند؛ نه، زن يك کار زنانه دارد که ارزش آن از هر کار مردانه ای بیشتر است. امروز دستهای بشدت مشکوک، موج ضدآرزشی را در دنیا به راه انداخته اند - که در همه جا هست، در کشور ما هم متأسفانه در گوشه و کنار دیده میشود. (1)

تکلیف دائمی زن؛ ساماندهی به خانواده بدون غرق شدن در آن

آنهایی که زن خانه هستید، آنهایی که مادر فرزندان هستید، آنهایی که دختران خانه هستید، هر کدام تو خانه يك تکلیفی دارید. خیال نکنید تکلیف شما از داخل خانه دیگر قطع شده است ابداً، ابداً. خانه محول به شماست، این را بدانید شما به هر جا برسید خانه را هم باید اداره کنید. باید اداره کنید، این يك وظیفه است، از دست غیر از زن هم بر نمی آید. خانه ای که زن اداره کننده و مدیر داخلی آن نباشد این خانه بی سامان است. اگر بناست خانه به سامان برسد، اگر بناست کانون خانواده گرم باشد، گرم کننده ی او دست زن است. این چیزی است که باید فراموشتان نشود. هر کاری، هر حرکتی، هر فعالیتی با توجه به این باید برنامه ریزی بشود. تو خانه غرق نشوید، از خانه جدا هم نشوید، به خانه برسید. به تعبیر یکی از برادران اگر حوزه ای شما دارید که آنها را دارید به صورت حوزه ی حزبی تربیت میکنید، بدانید که يك حوزه ی دیگر شما هم داخل خانه ی شماست. آنجا هم حوزه ی حزبی شماست. آنجا هم مادر شما هست، دختر شما

ص: 53

هست، خواهر شما هست، برادر شما هست، پدر شما هست، فرزند شما هست. آنها را هم در این خطّ صحیح پیش ببرید. (1)

کیفیت بخشی به حضور زن در «خانه»

شما کار هم دارید، بیرون هم هستید، جراحیتان را هم میکنید، مریضتان را هم میبینید، فلان کار علمی را هم میکنید، فلان طرح را هم مینویسید، فلان درس را هم در دانشگاه می‌دهید همه ی اینها به جای خود محفوظ اما بایستی سهم «خانه» را هم در نظر داشته باشید. البته سهم خانه، مثل همه ی چیزهای دیگر، میتواند کمّیش فدای کیفیش بشود؛ یعنی از کمّیت کاستن حضور بیست و چهار ساعته زن در خانه، يك معنا دارد؛ ولی وقتی از آن بیست و چهار ساعت کم کردید، اما کیفیش را بالا بردید، آن وقت يك معنای دیگری خواهد داشت. اگر دیدید آن کارتان به این قضیه ضربه میزند، باید برایش فکری بکنید. این، مهم و اساسی است؛ مگر در موارد اضطراری. در همه ی چیزها ضرورتی وجود دارد که خارج از حدّ قاعده است؛ من قاعده را دارم میگویم؛ به استثناء کاری ندارم. (2)

قدردانی و ارزشگذاری و بیمه ی زنان خانه دار

زن توی خانه که بیکار نیست. يك عدّه ای خیال میکنند زن در خانه بیکار است. نخیر، زن توی خانه، بیشترین و سختترین و ظریفترین کارها را انجام میدهد. (3)

جامعه باید قدردان باشد. حتماً بایستی بر روی کار زنهای خانه دار ارزشگذاری ویژه بشود. بعضی میتوانند بروند کار بگیرند، بعضی میتوانند تحصیلات عالی بکنند، بعضی تحصیلات عالی هم داشتند - من

ص: 54

1- . در دیدار با خواهران واحد حزب جمهوری اسلامی تهران (61/11/14)

2- . در دیدار با شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (70/10/24)

3- . در اجرای صیغه ی عقد (76/12/18)

دیدم زنانی را از این قبیل - گفتند ما میخواهیم این بچه را بزرگ کنیم، خوب تربیت کنیم، نرفتیم کار بگیریم. زن نرفته کار بگیرد، آن کار هم زمین نمانده؛ آن ده نفر دیگر رفتند آن کار را گرفتند. باید از اینجور زنی قدردانی شود. در بیاناتی که حضرات فرمودند، این بود که مثلاً بیمه هایی برای اینها در نظر گرفته شود. بله، تأمین اقتصادی شان، بیمه شان، بقیه ی چیزهایی که لازم است، باید در نظر گرفته شود. (1)

تقوا و بلندنظری زن؛ عامل مؤثر در تربیت اسلامی خانواده

زن شجاع و پاکدامن و باتقوا و بلندنظر، میتواند همه ی افراد خانواده، حتّی شوهر خود را با تربیت اسلامی، تربیت کند. خیلی از زنان موجب شدند که شوهرانشان به مقامات عالی معنوی و انسانی نائل شوند. هنر زن، این است؛ به خصوص شما خانمهای جوان، که همسر این جوانان مؤمن و انقلابی و حزب اللّهی هستید. هم شما مردان و هم شما زنان، کاری کنید که در محیط خانواده، آیه ی شریفه ی «و تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصُوا بِالصَّبْرِ (2)» صدق کند. هم مرد زن را به پیروی از حقیقت و صبر و استقامت در راه خدا سفارش کند، و هم زن مرد را به پیروی از حق و حقیقت و صبر و استقامت در راه خدا توصیه نماید. اگر زنان جوان مؤمن حزب اللّهی انقلابی پاکدامن مثل شما، تصمیم بگیرند که به این آیه ی شریفه عمل کنند، یعنی شوهرانشان را به تقوا و پیروی نکردن از هوای نفس و رعایت رضای الهی توصیه کنند، یقیناً از هر عامل دیگری بر روی مردان مؤثرتر خواهد بود. این نصیحت، از هر نصیحتی کارآمدتر است. البتّه با زبان مهر و محبّت، روی فرزندان هم اثر میگذارد. (3)

ص: 55

1- . در سوّمین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

2- . سوره ی عصر، آیه ی 3

3- . در دیدار خانواده های برادران «حفاظت» (77/7/21)

نشر ارزشهای معنوی در خانواده و اجتماع به محوریت زن

در محیط خانوادگی، زنان بامتانت و تقوا و راستگویی و الگوگرفتن از زنان برجسته ی تاریخ، میتوانند محیط خانواده را تحت تأثیر خود قرار دهند. (1)

همه ی ارزشهای معنوی را میتوان از درون کانون گرم خانواده که محور آن، زن خانواده است؛ کدخدای این مجموعه، آن مجسمه ی عاطفه است بیرون کشید و معنویات را در سطح جامعه گستراند. (2)

نقش محوری زن در عروج معنوی خانواده

ارزش زن به این است که بتواند محیط زندگی خود را برای خود و برای مرد و فرزندان، یک بهشت، یک مدرسه، یک محیط امن، یک جایگاه عروج به معارف معنوی و مقامات معنوی تبدیل کند؛ و آن وقتی که وظیفه ی او ایجاب میکند، بتواند در سرنوشت کشور اثر بگذارد و در سرنوشت جامعه، نقش ایفا کند که در این صورت نقش زن همچنان که گفته شد فقط پنجاه درصد نیست، نقش کمی نیست؛ بلکه نقش کیفی است. هم خود او نقش ایفا میکند، هم با استفاده از جاذبه ای که خدای متعال در وجود زن گذاشته است، فرزند و شوهر خود را در آن راهی که مطلوب است، سوق میدهد و پیش میرود، بنابراین نقش زن در این صورت، نقشی مضاعف است. (3)

نفوذ روحی زن؛ از اسرار و زیبایی های خلقت

زنان هم از نفوذ خاص و غیرقابل توصیفی بر شوهرانشان برخوردارند؛ مگر موارد استثنایی. البته این بدان معنا نیست که اگر زنی بر شوهرش مسلط است، بگوئیم او نفوذ دارد؛ نه. حرف از نفوذ قهری و طبیعی خداداده است.

ص: 56

1- همان

2- در دیدار اقشار مختلف مردم (84/3/25)

3- در دیدار با بانوان هرمزگان (76/11/29)

من گاهی در بعضی از جلسات عقد که عروس و دامادها پیشم می آیند، وقتی نصیحتشان میکنم، در خلال حرفهایم به این نکته هم اشاره دارم، که بعضی حمل بر شوخی میکنند. من در محاسبات نهایی، زن را قویتر از مرد میدانم. اعتقادم این است. مرد، هارت و هورتش زیاد است؛ اما آنکه بالاخره در يك مقابله - اگر این مقابله طول بکشد - پیروز خواهد شد، زن است. یعنی زن بالاخره با روشها و وسایلی که خدای متعال در اختیار و طبیعت او گذاشته، بر مرد غالب میشود. این، یکی از زیبایی های طبیعت و از اسرار خلقت است. به مرد، استخوان درشتتر، قد بلندتر و صدای کلفتتر داده اند؛ اما به زن، در مقابل این امکانات، لطافت های روحی و وسایل نفوذ روی مرد را داده اند تا تعادل برقرار شود. (1)

قویتر بودن زن از لحاظ ظرافت و تدبیر

من همیشه به دوستان و خویشاوندان و زنان میگویم، میگویم برخلاف آنچه که معروف است، در بین این دو جنس، آن جنس قویتر زن است. زنها قویتر از مردهایند. زنها میتوانند با تدبیر و با ظرافت، مرد را در دست خودشان بچرخانند؛ انسان، هم در تجربه این را مشاهده میکند، هم با قیاسهای فکری و عقلی این را میتواند اثبات بکند. این واقعیتی است. بله، زنها هم هستند که بی تدبیری میکنند؛ لذا این کار را نمیتوانند انجام بدهند، اما زنی که اهل تدبیر باشد، مرد را میکند رام خودش. این مثل این است که يك نفری بتواند يك شیر دزنده را افسار بزند، سوارش بشود؛ این معنایش این نیست که او از لحاظ جسمی از این شیر قویتر است، معنایش این است که توانسته این اقتدار معنوی را به کار ببرد؛ زنها این توانایی را دارند، منتها با ظرافت؛ یعنی ظرافتی که میگوییم، تنها ظرافت در ترکیب جسمانی و ساختمان جسمانی نیست، بلکه ظرافت در فکر و اندیشه و تدبیر و دستگاه تصمیم گیری است که خدای متعال در زن قرار داده. (2)

ص: 57

1- . در دیدار اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (71/2/15)

2- . در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته ی حوزوی و دانشگاهی (92/2/21)

تدبیر، مدیریت، ظرافت؛ کار کدبانوی خانواده

وظایف داخل خانه ی زنان، نه اهمیتش کمتر از وظایف بیرونی است و نه اینکه زحمتش کمتر است. شاید زحمتش بیشتر هم باشد. او هم برای اینکه این محیط را اداره کند، به تلاش و کوشش احتیاج دارد. چون مدیر داخل خانه زنان هستند. آن کسی که اداره میکند، کدبانو، یعنی آن کسی که محیط خانواده تحت اشراف اوست. تحت نظارت و تدبیر و مدیریت اوست. خیلی کار پرزحمتی است. خیلی کار ظریفی است. فقط هم ظرافتِ زنانه از عهده ی انجام این کار بر می آید. هیچ مردی امکان ندارد بتواند این ظرافتها را رعایت کند. (1)

شوهرداری نیکو؛ یعنی ساختن با زحمتهای زندگی بخاطر خدا

هر تلاشی که یک مرد در میدانهای مختلف انجام میدهد، به میزان زیادی مرهون همکاری، همراهی، صبر و سازگاری همسر اوست؛ همیشه همینطور بوده است. فرموده اند: «وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ (2)». حُسْنُ التَّبَعْلِ یعنی چه؟ عده ای خیال میکنند جهاد زن این است که فقط وسایل راحتی مرد را فراهم کند. حسن تبعل فقط این نیست؛ این جهاد نیست؛ جهاد این است که زنان مبارز، مؤمن و فداکار وقتی شوهرهایشان مسؤولیتهای سنگینی دارند، بار آن سنگینی به میزان زیادی روی دوش آنها می افتد. شماها مأموریت دارید؛ خدمات شما همینطور است. وقتی مرد خسته میشود، اثر خستگی او در خانه ظاهر میشود. وقتی به خانه می آید، خسته، کوفته و گاهی بداخلاق است و این بداخلاقی و خستگی و بی حوصلگی ناشی از محیط کار، به داخل خانواده منعکس میشود. حالا این خانم اگر بخواهد جهاد بکند، جهاد او این است که با این زحمتهای بسازد و آنها را برای خدا تحمّل کند؛ این میشود «حُسْنُ التَّبَعْلِ». (3)

ص: 58

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (81/6/6)

2- . کافی، ج 5، ص 9

3- . در دیدار سپاه حفاظت ولیّ امر (81/7/18)

نقش برجسته ی زنان در اصلاح جامعه

اگر زن در جامعه و در محیط زنانه اصلاح شود، جامعه بطور کلی اصلاح خواهد شد. اگر محیط خانواده ها به برکت زن، محیط سالمی شود، جامعه بطور کامل اصلاح خواهد شد. نقش زنان در اصلاح جامعه، نقش بسیار برجسته ای است. این، آن چیزی است که دشمنان سعادت انسانها هم به آن توجه دارند و روی آن کار میکنند. (1)

جلوگیری از انحراف شوهر با عقل و تدبیر

به هم کمک کنید. کمک به معنای اینکه در حفظ یکدیگر در صراط مستقیم الهی، یاری برسانید. اگر شوهر قدمی بر میدارد که شما احساس میکنید این قدم ممکن است به گمراهی و کجروی او منتهی شود، شما که نزدیکترین فرد به او و همسرش هستید، با عقل، تدبیر و لطافت، جلو او را بگیرید. (2)

مظلومیت زنان موجب مشکلات فراوان در مسائل خانوادگی

مادرهای مظلوم به وسیله ی فرزندان و زنهای مظلوم به وسیله ی شوهرهایشان، شما در جامعه ی ما کم نمیبینید، خیلی زیاد وجود دارد. البته ممکن است بعضی تصور کنند که این ناشی از حق طلاق است که در اسلام بدون شرط دست مرد است مگر اینکه شرط بشود که حالا شرط میشود؟ نه اینجور نیست. بنده قبول ندارم که مظلومیت زنها در خانه ناشی از بودن حق طلاق به دست مرد باشد. (3)

رفع مظلومیت از زن با تکریم آن در خانواده

در مورد مسائل خانوادگی من اینجا یادداشت کرده ام: احترام در چشم

ص: 59

1- . در دیدار جمعی از پرستاران (74/7/12)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد 25 زوج (81/6/28)

3- . در مصاحبه با مجله ی زن روز (66/12/13)

شوهر، در چشم فرزند، در چشم پدر، در چشم برادر. زن اگر چنانچه در محیط خانواده، محترم و مکرم شمرده بشود، بخش مهمی از مشکلات جامعه حل خواهد شد. باید کاری بکنیم که بچه‌ها دست مادر را حتماً ببوسند؛ اسلام دنبال این است. کماینکه در خانواده‌های مذهبیتر و اخلاقیتر و نزدیکتر به مفاهیم مذهبی، اینها مشاهده میشود. فرزندان خانواده نسبت به مادر تکریم داشته باشند. هیچ منافاتی ندارد این تکریم نسبت به مادر، با آن حالت عاطفی و خودمانی‌گری‌ای که بین فرزند و مادر وجود دارد؛ هیچ منافاتی ندارد؛ این احترام باید باشد؛ محترم باید باشد زن در درون خانواده. رفع مظلومیت به این شکل است. (1)

زن؛ گل زندگی نه مباشر و کارخانه

اگر در تعبیرات اسلامی ملاحظه کنید، درباره‌ی زن، درست همان تعبیرات واقعی وجود دارد. «إِنَّمَا الْمَرْأَةُ رِيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ (2)». زن، گل است ریحان یعنی گل انسان با گل چه کار میکند؟ نوع برخورد با گل چگونه است؟ اگر با گل کشتی بگیرند، گل پریر میشود. اگر گل را گل بشناسند و برخورد گلانه با آن بکنند، مایه‌ی زینت و مؤثر است و وجود خودش شاخص و بارز خواهد بود. و لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ، قهرمانه به معنی قهرمانی که به فارسی میگوییم، نیست؛ یک تعبیر عربی است که از فارسی گرفته شده است. قهرمان بطور خلاصه یعنی مباشر امور، سرکارگر. یعنی در خانه‌ی شما، زن را بعنوان مباشر امور خودتان ندانید، خیال نکنید که شما رئیسی هستید، کارهای خانه، بچه‌ها و امثال آن، به عهده‌ی یک سرکارگر است؛ سرکارگر هم این خانم است، و باید اینگونه عمل کنیم! (3)

ص: 60

- 1- . در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی (92/2/21)
- 2- . بحارالانوار، ج 100، ص 253
- 3- . در دیدار با زنان نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی (76/4/30)

زن؛ گل زندگی، نه کارپرداز خانه

در روایات داریم «الْمَرْأَةُ رَيْحَانَةٌ»، زن گل است. حالا شما ببینید اگر مردی با يك گلی با خشونت و بی‌اعتنایی رفتار کند و پاس گل بودن او را ندارد، چقدر ظالم و بد است. مثل تحمیل کردن، زیاده روی کردن، زیاده خواهی کردن مردها از زنها، توقعات بیجا و زیادی. «إِنَّمَا الْمَرْأَةُ رَيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ(1)» قهرمان، یعنی همین کارپرداز امروز زندگی.

این زن، کارپرداز شما نیست که همه ی کارهای زندگیتان را روی دوش او بگذارید و بعد هم از او مؤاخذه کنید. نه! این يك گلی است در دست شما.

حتی اگر دانشمند یا سیاستمدار باشد، در بحث معاشرت خانوادگی، او گ - مل است.(2)

شراکت همسران در اجر پاسداری از انقلاب

به آقایان عرض میکنیم قدر این خانمها را بدانید که با شماها همکاری میکنند؛ به خانمها هم عرض میکنیم کاری که اینها میکنند، اگر درست و خوب انجام بدهند - که ان شاءالله همینطور هم هست - جزو بهترین کارهاست. پاسداری در راه انقلاب، جزو برترین کارهاست؛ این کار خیلی ثواب دارد. هر چه شما به موفقیت جوانی که همسر شماست و این مسؤولیت را دارد، کمک کنید، ارج و قدر و اجرتان پیش خدا بیشتر است. با آمیختگی این همتها و تلاشهاست که کارهای بزرگ در هر کشوری انجام میگردد. وقتی همّت مردان و زنان و جوانان و پیران و قشرهای مختلف با هم پیوند میخورد، آن فواره ی عظیم همّت بلند يك ملت به جریان می آفتد و آن نیروی کم نظیر ملتها خود را نشان میدهد.(3)

ص: 61

1- . بحار الانوار، ج 100، ص 253

2- . در دیدار با گروه کثیری از بانوان (79/6/30)

3- . در دیدار سپاه حفاظت ولی امر (81/7/18)

اجر زحمات روحی و عاطفی زنان در همراهی با همسر

شما خانمها اگر از ناحیه ی همسران زحمتی را متحمل میشوید که آن همسر این زحمت را بخاطر کار و تلاش و مجاهدت، بر شما تحمیل میکند، این زحمت پیش خدای متعال اجر دارد؛ ولو يك لحظه و يك ساعتش را هیچکس نفهمد. خیلیها از زحمات خانمها آگاهی ندارند. مردم عادت کرده اند که خیال کنند زحمت، چیزی است که انسان با بازو و بدن و جسم خود انجام میدهد؛ نمیدانند زحمات روحی و عاطفی گاهی سنگینتر است. آقایان، خیلی از زحمتهای شما را درست ملتفت نیستند؛ اما خدای متعال که «لا یخفي عليه خافية» است - هیچ چیزی از او پوشیده نمیماند - ناظر کار شماست و شما اجر دارید. (1)

سهم زنان در موفقیت‌های همسران

گاهی هست که مرد در فعالیتهای زندگی سر دوراهی میرسد. انتخاب باید بکند یا دنیا را و یا راه صحیح و امانت و صداقت را، یکی از این دو تا را باید انتخاب کند؛ اینجاست که زن میتواند او را به راه اولیا به راه دوم بکشانند. (2)

زنهای شما - این خانمهای نجیب و مؤمن - در حسن عمل شما نقش فراوانی دارند. اگر شما موفقیتی به دست می آورید، سهم همسرانتان در این موفقیتها چشمگیر است. من همیشه به مسؤلان سطوح بالای کشور گفته ام که اگر شما پیش خدا اجری داشته باشید، حداقل نصفش مال همسرانتان است. چرا میگوییم حداقل نصفش؟ چون آن کاری که شما میکنید، مورد توجه و در مقابل چشمهاست؛ همه میبینند، همه میفهمند و همه قدردانی و ستایش و تعریف میکنند؛ اما این خانم با همراهی و محبت و رفاقت

ص: 62

1- . همان

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (79/12/21)

صمیمانه ای که با شما میکند، سهمی دارد که جلوی چشم کسی نیست؛ و به همان اندازه که از چشمها پوشیده است، از اجرهای دنیوی و ظاهری هم بی بهره است؛ اما به همان اندازه اجر او پیش خدا بیشتر است؛ بنابراین من از شما همسران پاسداران عزیز هم تشکر میکنم. (1)

زندگی زناشویی؛ میدان خدمت در راه خدا

شما خانمها باید به نکته ای توجه داشته باشید و آن این است: پاسدارانی که همسران شما هستند، یکی از مهمترین و شریفترین شغلای این روزگار را بر عهده دارند؛ شغلی شرافتمندانه، همراه با مسؤولیت، همراه با خطر و زحمت و بدون پاداش چندان قابل توجه. کار اینها پیش خدا عزیز است؛ بنابراین همراهی و کمک به اینها افتخار است؛ این را با همین نیت دریابید و عمل کنید؛ با این نیت که به این جوان پاسدار - که همسر شماست و دارد دوره ی جوانی خود را در راه خدا میگذارد - هر چه خدمت کنید، در راه خدا خدمت کرده اید، فقط یک زندگی زناشویی نیست، بلکه زندگی زناشویی شما میدان خدمت شما هم هست، بنابراین هم به اجر الهی امیدوار باشید و هم این فرصت را قدر بدانید. (2)

تأثیرات محسوس و تعیین کننده ی زن صالح در شوهر و فرزندان

اگر در کشوری زنان آن کشور بتوانند به آن صفا و معنویت و رقاء و تعالی فکری برسند، هیچ مشکلی در آن مملکت باقی نمیماند. یعنی زن بطور محسوسی در مرد تأثیر دارد. هم بر روی شوهرش و هم بر روی فرزندانش تأثیرات تعیین کننده ای میتواند بگذارد؛ لذا در واقع، اصلاح جامعه با اصلاح زنان است که آن هم با همین مسائلی که گفته شد، حاصل خواهد شد. (3)

ص: 63

1- . در دیدار خانواده های پرسنل سپاه ولیّ امر (80/7/27)

2- . پیشین

3- . در گفت و شنود به مناسبت میلاد حضرت فاطمه ی زهرا (س) (77/7/18)

تربیت فرزند و تقویت روحی شوهر؛ مهمترین کار زن

مادران در دوران انقلاب و در جنگ تحمیلی، فرزندان خود را به سربازان جانباز و شجاع در راه اسلام و مسلمین تبدیل کردند و همسران در دوران انقلاب و دوران جنگ تحمیلی، شوهران خود را به انسانهای مقاوم و مستحکم مبدل ساختند. این است نقش و تأثیر زن بر روی فرزند و شوهر. این نقشی است که زن میتواند در داخل خانواده ایفا کند و جزو بزرگترین نقشهاست و به نظر من از همه ی کارهای زن مهمتر، همین کار است. از همه ی کارهای زن مهمتر، تربیت فرزندان و تقویت روحی شوهران برای ورود در میدانهای بزرگ است. و خدا را شکر میکنیم که زن ایرانی و مسلمان، در این میدان هم بیشترین هنر را نشان داده است. (1)

نقش بی بدیل مادر در توجه به عواطف فرزند

شما اگر بچه ی خودتان را در خانه تربیت نکردید، یا اگر بچه نیاوردید، یا اگر تارهای فوق العاده ظریف عواطف او را - که از نخهای ابریشم ظریفتر است - با سرانگشتان خودتان باز نکردید تا دچار عقده نشود، هیچکس دیگر نمیتواند این کار را بکند؛ نه پدرش، و نه به طریق اولی دیگران؛ فقط کار مادر است. این کارها، کار مادر است؛ اما آن شغلی که شما بیرون دارید، اگر شما نکردید، ده نفر دیگر آنجا ایستاده اند و آن کار را انجام خواهند داد؛ بنابراین اولویت با این کاری است که بدیل ندارد؛ تعیین با این است. (2)

سرانگشت ظریف مادر؛ جداکننده ی رشته های رقیق و نازک اعصاب کودک

این رشته های بشدت رقیق و نازک اعصاب کودک را فقط سرانگشت ظریف و لطیف مادر است که میتواند از هم جدا کند که عقده به وجود نیاید،

ص: 64

1- . در اجتماع زنان خوزستان (75/12/20)

2- . در سومین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

گره به وجود نیاید؛ هیچکس دیگر نمیتواند، یعنی هیچ انسان دیگری که از جنس زن نباشد نمیتواند؛ این کار، کار زنانه است. یعنی برخی از کارکردها بقدری همراه با ظرافت است که انسان استعجاب میکند از قدرت الهی که چطور این توانایی بالا را همراه با ظرافت به زنان عنایت کرده(1).

رسالت عظیم مادری

زن بایستی به رسالت عظیم زن و مادربودن خویش، رسالتی که مرد در آن رسالت با او شریک نیست و اختصاص به خود او دارد، آشنا و واقف شود.(2)

لزوم توجه به نقش خاص مادران در تربیت فرزند

مادر میتواند فرزندان را به بهترین وجهی تربیت کند. تربیت فرزند به وسیله ی مادر، مثل تربیت در کلاس درس نیست؛ با رفتار است، با گفتار است، با عاطفه است، با نوازش است، با لالایی خواندن است؛ با زندگی کردن است. مادران با زندگی کردن، فرزند تربیت میکنند. هرچه زن صالحتر، عاقلتر و هوشمندتر باشد، این تربیت بهتر خواهد شد. بنابراین برای بالا رفتن سطح ایمان، سطح سواد، سطح هوش بانوان، در کشور باید برنامه ریزی شود.(3)

نقش اساسی مادران در بالندگی نسل آینده

زن، رکن اساسی و عنصر اصلی خانواده است و اسلام برای نقش زن در داخل خانواده اهمیت فراوانی قائل است؛ زیرا با پابندی زن به خانواده و تربیت فرزندان در آغوش پرمهر مادر، نسلها در آن جامعه بالنده و رشید خواهد شد. مادرانی که تربیت فرزند در آغوش پرمهر و عطوفت خود را

ص: 65

1- . در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته ی حوزوی و دانشگاهی (92/2/21)

2- . در مصاحبه با ویژه نامه ی روز زن (60/2/5)

3- . در دیدار جمعی از مداحان (92/2/11)

به بهانه‌ی انجام کارهای دیگر رها میکنند، مرتکب اشتباه میشوند. بهترین روش تربیت انسان آن است که در آغوش پرمهر و محبت مادر پرورش پیدا کند و زنانی که فرزند خود را از این موهبت الهی محروم میکنند، در واقع به زیان خود و فرزند خویش و جامعه اقدام کرده اند. (1)

تربیت فرزند؛ کاری سخت و هنری بزرگ

بعضی از کارهای خانه خیلی سخت است. بچه داری از آن کارهای سخت است. شما هر کاری را در نظر بگیرید که خیلی دشوار باشد، در مقابل بچه داری در واقع آسان است. بچه داری هنر خیلی بزرگی است. مردها يك روز هم نمیتوانند این کار را انجام دهند. زنها با دقت، باحوصله و باظرافت این کار بزرگ را انجام میدهند. خدای متعال، در غریزه‌ی آنها این توان را قرار داده است. ولی همین بچه داری کار سختی است که انسان را فرسوده میکند و واقعاً از پا می اندازد. (2)

مادر؛ انتقال دهنده‌ی فرهنگ و تمدن در سراسر زندگی

نقش مادر از دوران حمل و بارداری شروع میشود و تا آخر زندگی انسان ادامه دارد. مردی که به دوران جوانی رسیده یا از دوران جوانی هم عبور کرده، باز تحت تأثیر عطف و محبت و شیوه‌های خاص مادرانه‌ی مادر است. اگر زنان ما از لحاظ رتبه‌ی معرفتی و بینش و معلومات، سطح خود را ارتقا دهند، این نقش با هیچ نقش دیگری، با هیچ مؤثر دیگری از مؤثرات فرهنگی و اخلاقی تا آخر قابل مقایسه نیست. يك وقت مادری از لحاظ معرفت سطحش پایین است؛ البته این نمیتواند در دوران بزرگی اثرگذاری کند؛ این گناه کم بودن معلومات يك انسان است؛ این نقص تأثیر مادری نیست. مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگی‌های

ص: 66

1- . در اجتماع بانوان خوزستان (75/12/20)

2- . در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (74/8/22)

اخلاقی يك قوم و جامعه را با جسم خود، با روح خود، با خُلق خود و با رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل میکند. همه تحت تأثیر مادران هستند. آنکه بهشتی میشود، پایه ی بهشتی شدنش از مادر است؛ که «الْحَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ (1)». (2)

نقش مادران در پرورش یاران حسین (ع) و زینب (س)

اکنون مادران ما میدانند که اگر بخواهند پیروان صادق فاطمه (سلام الله علیها) باشند، باید در دامان خویش یاران حسین (علیه السلام) و زینب (سلام الله علیها) را پروراند تا پرچم خونین ایمان و عزّت را در کربلای زمان برافرازند. (3)

مردان بی نظیر؛ تربیت شده ی مادران کم نظیر

این بزرگوار (4) هم بحقّ چهره و شخصیت بی نظیر و استثنایی زمان ماست و در تکوین شخصیت این مردان بزرگ این چهره های کم نظیر و شاید بی نظیر بایستی به سراغ تربیتهای مادران رفت و از مادرهای آنها تشکر کرد و شخصیت زنانی را که آنها را با اخلاقیات والا و با روحيات عظیمشان ساختند و تحویل جامعه دادند بایستی تقدیر کرد و تشکر کرد. (5)

فعالیتهای اجتماعی با حفظ جنبه ی مادری

شغل اصلی زن، شغل همسری و مادری است؛ ولی بعضی خیال میکنند این اهانت به زن است. مهمترین کاری که زن میتواند بکند، کار مادری است. البته در مواردی شاید کارهای اجتماعی زنان واجب عینی و یا کفایی نیز باشد؛ اما در همه حال خانمها باید فعالیت اجتماعی شان را با حفظ جنبه ی

ص: 67

1- . نهج الفصاحه، ص 434

2- . در سالروز ولادت حضرت فاطمه ی زهرا (س) (84/5/5)

3- . در پیام به سمینار کوثر در شیراز (65/11/30)

4- . امام خمینی (ره)

5- . در کنگره ی جهانی زن (66/11/17)

نفوذ خاص مادر بر فرزند

این، يك امر قهری است. به موارد استثنایی کار نداریم که پسری عاق والدین یا بی اعتنا و تحقیرکننده ی والدین باشد؛ اما عموماً يك مادر بیسواد که معلومات و تجربه ای هم ندارد، از نفوذ خاصی برخوردار است که از نوع نفوذ معلم در شاگرد و یا از نوع نفوذ رئیس در مرئوس نیست. نفوذ خاصی است از طرف مادر بر فرزند، که تا هنگام پیری مادر استمرار دارد. یعنی مادر وقتی که بخواهد از روحیه ی مادری و نفوذ خودش استفاده کند، میتواند؛ مگر بعضی از مادران، که سست روحیه و سست عنصر باشند و نخواهند یا نتوانند آن نفوذ را به کار ببرند. علی ایحال بطور غالب اینطور است که مادران روی فرزندانیشان تأثیر میگذارند و حرفشان، اظهار محبتشان و سخنی که در خلال آن اظهار محبت بیان میکنند، به مغز مخاطب فرو میرود. (2)

تربیت صحیح و عاطفی فرزند

یکی از وظایف مهم زن، عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت و دقت، آنچنان بار بیاورد که این موجود انسانی چه دختر و چه پسر وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، يك انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختیها و فلاکتها و بلایایی که امروز نسلهای جوان و نوجوانان غربی در اروپا و امریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد. (3)

ص: 68

1- . در دیدار با گروهی از خواهران (63/12/21)

2- . در دیدار اعضای شورای مرکزی «جمعیت زنان» (71/2/15)

3- . در اجتماع زنان خوزستان (75/12/20)

هنر زن؛ تربیت نسل بالنده با تأمین آذوقه های فرهنگی

علت اینکه اسلام اینقدر به نقش زن در داخل خانواده اهمیت میدهد، همین است که زن اگر به خانواده پایبند شد، علاقه نشان داد، به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه های خود رسید، آنها را شیر داد، آنها را در آغوش خود بزرگ کرد، برای آنها آذوقه های فرهنگی - قصص، احکام، حکایتهای قرآنی، ماجراهای آموزنده - فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای جسمانی چشاند، نسلها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد. این، هنر زن است و منافاتی هم با درس خواندن و درس گفتن و کارکردن و ورود در سیاست و امثال اینها ندارد. (1)

انس زنان با قرآن و نقش آن در تربیت نسلهای آینده

من از همه ی خانمهای محترم، بانوان گرامی که در بخشهای مختلف کشور در کار قرآنی فعالند، صمیمانه تشکر میکنم و حضور شماها در عرصه ی کار قرآنی، به جامعه ی زن کشور الهام خواهد داد و زنان کشور ما - یعنی نیمی از جمعیت - را ان شاءالله به قرآن متمایل خواهد کرد و اگر زنها با قرآن مأنوس بشوند، بسیاری از مشکلات جامعه حل خواهد شد؛ چون انسانهای نسل بعد در دامن زن پرورش پیدا میکند و زن آشنای با قرآن و مأنوس با قرآن و متفاهم با مفاهیم قرآن، خیلی میتواند در تربیت فرزند تأثیراتی داشته باشد و امیدواریم ان شاءالله به برکت این حرکت عظیم شماها، فردای جامعه ی ما بر مراتب از امروز قرآنیتر باشد. (2)

پرهیز از فرزند آوری؛ عملی خلاف رضایت الهی

از جمله وظایفی که بر عهده ی زنان در داخل خانه و خانواده است، مسأله ی تربیت فرزند است. زنانی که بخاطر فعالیتهای خارج از خانواده، از

ص: 69

1- . همان

2- . در دیدار جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور (88/7/28)

آوردن فرزند استنکاف میکنند، برخلاف طبیعت بشری و زنانه خود اقدام میکنند. خداوند به این راضی نیست. (1)

رعایت موازین بهداشتی در بچه دار شدن

ان شاء الله بچه دار بشوید، مبدا که خیال کنند که نخیر بچه دار نشوند، خوب نیست. نه بچه دار بشوید اشکالی هم ندارد البته نمیگویم حالا خیلی شلوغ، پلوغ کنید. اشکالی ندارد زنها و دخترها و پسرهای جوان بچه دار بشوند، فرزند داشته باشند، اشکال ندارد البته با موازین بهداشتی و همانجور که درست است و مرتب است و منظم است. (2)

تولیدمثل و تربیت کودک

تولیدمثل و تربیت کودک در زمره ی کارهای اساسی آفرینش محسوب میشود که بطور طبیعی زنان عهده دار آن هستند و قوام زندگی انسانها در جهان به زنان به همان میزانی است که به مردان وابسته است. (3)

پرورش فرزند؛ مجاهدت بزرگ زنان

فرزندآوری يك مجاهدت بزرگ است. ما با خطاهایی که داشتیم، با عدم دقتهایی که از ماها سر زده، يك برهه ای در کشور ما متأسفانه این مسأله مورد غفلت قرار گرفت و ما امروز خطراتش را داریم میبینیم؛ که من بارها این را به مردم عرض کرده ام: پیرشدن کشور، کم شدن نسل جوان در چندین سال بعد، از همان چیزهایی است که اثرش بعداً ظاهر خواهد شد؛ وقتی هم اثرش ظاهر شد، آن روز دیگر قابل علاج نیست؛ اما امروز چرا، امروز قابل علاج است.

فرزندآوری یکی از مهمترین مجاهدتهای زنان و وظایف زنان است؛ چون فرزندآوری در حقیقت هنر زن است؛ اوست که زحماتش را تحمل میکند،

ص: 70

1- . در دیدار و سخنرانی در جمع زنان خوزستان (75/12/20)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (64/7/2)

3- . در دیدار با خواهران پرستار و کارکنان نهادهای فرهنگی (73/7/21)

اوست که رنجهایش را میبرد، اوست که خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به او داده است. خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به مردها نداده، در اختیار بانوان قرار داده؛ صبرش را به آنها داده، عاطفه اش را به آنها داده، احساساتش را به آنها داده، اندامهای جسمانی اش را به آنها داده؛ در واقع این هنر زنها است. اگر چنانچه ما اینها را در جامعه به دست فراموشی نسپریم، آن وقت پیشرفت خواهیم کرد. (1)

نقش متفاوت زن و مرد در بنیانگذاری نهاد خانواده

در بنای خانواده سهم زن و مرد يك اندازه نیست بصورت طبیعی، اولاً یکسان نیست، ثانیاً يك اندازه نیست؛ یعنی آنها سهم مشابهی در بنای خانواده ندارند و نیز سهم هر يك هم به يك اندازه و میزان نیست و هر کدام کمیت خاص خودشان را دارند. پس در اداره ی خانواده زن و مرد هر دو سهیم هستند؛ ولی هر يك سهم خاص با کمیت خاصی دارند. مثلاً اگر زن و مرد را در تولید و «تکثیر نوع» که یکی از کارهای اساسی انسان است در نظر بگیریم، میبینیم در این زمینه نقش مرد يك نقش کمتر و نقش زن يك نقش بیشتر و طولانیتر است. مثلاً برای زن دوران بارداری و شیرخوارگی فرزند هست و اصلاً امکان حضانت زن نسبت به فرزند بیش از آنکه مرد چنین امکانی را داشته باشد هست و از این قبیل. یا مثلاً فرض بفرمایید که مسأله ی تأمین معیشت خانواده. این از نظر اسلام مربوط به مرد است، یعنی داده شده به مرد، که آن هم یکی از اجزاء اداره ی خانواده است دیگر، یعنی شما نمیتوانید بگویید که اداره ی خانواده یعنی اداره ی داخلی خانواده فقط، که از خانه آدم بیرون نیاید. نه، اداره ی خانواده شامل اداره ی همه ی شؤون خانواده است از جمله تأمین معیشت. خوب این مثلاً در شرع اسلام به عهده ی مرد است، زن هیچگونه مسؤولیت و تکلیفی در این مورد ندارد، ولو پولدار هم باشد، ثروتمند هم باشد، توان کار هم داشته باشد، پول هم در بیاورد، آن

ص: 71

پولی که در آورده مال خودش است؛ یعنی میتواند صرف معیشت خانواده اصلا نکند و یک چنین تکلیفی ندارد. پس در اداره ی خانواده زن و مرد هر دو سهیم اند، هر کدام سهمی خاص و با کمیّتی خاص از این را دارند.⁽¹⁾

تداوم نسل؛ مهمترین وظیفه ی انسان و نقش زنان در این میدان

خصوصیات جسمی ای خدای متعال در دو جنس قرار داده است که هرکدام نقشی در ادامه ی آفرینش، در رشد و تعالی انسان، در حرکت تاریخ بر عهده دارند؛ و نقش زن مهمتر است. مهمترین کار انسان، تداوم بخشیدن به نسل بشری است؛ یعنی تولیدمثل؛ نقش زن در این کار قابل مقایسه با نقش مرد نیست. خانه از این جهت مهم است، خانواده از این جهت مهم است، محدودیتهای اعمال غرائز جنسی از این جهت مهم است؛ با این دید باید به مسائل اسلام و به احکام شریعت اسلامی نگاه کرد. غرب گمراه، اسم اینها را میگذارد محدودیت. اسم آن اسارت گمراه کننده را میگذارد آزادی! این جزو فریبهای غربی است.⁽²⁾

وظیفه ی دولت در برابر نقش مادری زنان شاغل

باید به آن خانمهایی که حالا به هر دلیلی، به هر جهتی، با هر ضرورتی، کار تمام وقت یا نیمه وقت را قبول کرده اند، کمک بشود تا بتوانند به مسأله ی مادری برسند، به مسأله ی خانه داری برسند. با مرخصیها، با زمان بازنشستگی، با مدّت کار روزانه، به نحوی بایستی دولت کمک کند تا این خانمی که حالا به هر دلیلی آمده اینجا شاغل شده، بتواند به آن قضیه هم برسد.⁽³⁾

صداقت مادر و تواضع فرزند

در اطلاعاتی که به من داده شد، خواندم که در بین همین شهدای

ص: 72

1- . در مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی (63/12/4)

2- . در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» (2/4/191)

3- . در سوّمین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

همدان شما، يك سردار سپاهی - که دارای شأن و موقعیتی هم بوده است - وجود داشته که وقتی مادرش از او میپرسد تو در سپاه چه کاره ای، جواب میدهد: من در سپاه جاروکشی میکنم. مادرش خیال میکرده واقعاً این جوان در سپاه يك مستخدم معمولی است. حتی وقتی برای این جوان به خواستگاری هم میروند و خانواده ی دختر سؤال میکنند پسر شما چه کاره است، مادرش میگوید در سپاه مستخدم است! بعد در اجتماعی که مراسمی بوده، يك نفر داشته سخنرانی میکرده، این مادر می بیند آن شخص خیلی شبیه پسرش است. میپرسد این شخص کیست. میگویند این فلانی است؛ یکی از سرداران سپاه. آن مادر، آن وقت پسرش را میشناسد!⁽¹⁾

حق بیشتر مادر بر گردن فرزند

اسلام در برخی جاها حتی زن را بر مرد ترجیح داده است. مثلاً آنجا که مرد و زن، پدر و مادری هستند که فرزندی دارند، این فرزند اگرچه فرزند هر دو نفر است، اما خدمتگزاری فرزند در مقابل مادر، لازماً است. حق مادر بر گردن فرزند، بیشتر و وظیفه ی فرزند نسبت به مادر سنگینتر است.

روایات فراوانی در این زمینه هست: پیغمبر اکرم در جواب کسی که سؤال کرد: «مَنْ أَبْرُّ؟»⁽²⁾ (به چه کسی نیکی کنم؟) فرمود: «أُمَّكَ.» یعنی «به مادرت.» دفعه ی دوّم هم همین را فرمود؛ دفعه ی سوّم هم همین را فرمود. دفعه ی چهارم که سؤال کرد، فرمود: «أَبَاكَ.» یعنی «به پدرت.» پس، زن در مقیاس خانواده و در رابطه ی با فرزندان، حق سنگینتری دارد. البته این هم نه از باب این است که خدای متعال خواسته است جمعی را بر جمع دیگر ترجیح دهد بلکه به این جهت است که زنان زحمت بیشتری تحمّل میکنند.

اسلام، زن را در جایگاه حقیقی خود قرار داده است. زن در مقیاس

ص: 73

1- . در دیدار خانواده ی معظّم شهدا، جانبازان و آزادگان استان همدان (83/4/16)

2- . بحار الأنوار، ج 71، ص 49

خانواده و در ارتباط با فرزندان از حقّ بیشتری بهره مند است؛ زیرا زحمت بیشتری را تحمل میکند و بر اساس عدل الهی ارزش حقّ بالاتری نیز به او تعلق میگیرد. (1)

ص: 74

1- . در دیدار گروهی از خواهران پرستار، به مناسبت ولادت حضرت زینب (س) (73/7/20)

زن و خانواده جزو مسائل درجه ی يك کشور

مسئله ی زن و خانواده برای کشور، جزو مسائل درجه ی يك است. دوستان، خانمها و آقایانی که آمدند صحبت کردند، این معنا را ثابت کردند. هیچ لزومی ندارد که ما بیش از آنچه شما گفتید و خیلی وسیع و خوب بیان کردید، چیزی بگوییم. خود این بیانات نشان داد که مسأله بسیار مهم است. (1)

خانه و خانواده؛ از مسائل اصلی زنان کشور

در مسائل فعلی زنان کشور ما، به اعتقاد من دو مسئله از همه مهم تر یا بگویید فوری تر و لازم الاهتمام تر از بقیه ی مسائل است. يك مسئله، مسئله ی اهمیّت و اعتبار خانه و خانواده است. برای خانه باید شأن قائل شد؛ انسان بدون خانه - که مسکن و مأوایی ندارد - قابل تصوّر نیست. هر انسان احتیاج دارد به خانه و محیط خانه. روح محیط خانه عبارت است از خانواده؛ باید به این اهمیّت داد، باید در این تأمل و تدبّر کرد. (2)

تضمین آینده ی کشور با تصمیم و فکر درست

روز زن و روز مادر که خوشبختانه در نظام جمهوری اسلامی

ص: 77

1- . در سوّمین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

2- . در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته ی حوزوی و دانشگاهی (92/2/21)

انطباق پیدا کرده است با روز ولادت برگزیده ی خلقت، حضرت فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها)، باید همه را توجّه دهد به این نکات. اگر ما توانستیم در زمینه ی زن و خانواده و مادر و همسر، درست فکر کنیم، درست تصمیم بگیریم و درست عمل کنیم، بدانید که آینده ی این کشور تضمین شده است. 2

خانواده؛ پایه ی اصلی در جامعه

مسئله ی خانواده، مسأله ی بسیار مهمّی است؛ پایه ی اصلی در جامعه است، سلول اصلی در جامعه است. نه اینکه اگر این سلول سالم شد، سلامت به دیگرها سرایت میکند؛ یا اگر ناسالم شد، عدم سلامت به دیگرها سرایت میکند؛ بلکه به این معناست که اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که غیر از سلولها چیز دیگری نیست. هر جهازی، مجموعه ی سلولهاست. اگر ما توانستیم سلولها را سالم کنیم، پس سلامت آن جهاز را داریم. مسأله اینقدر اهمّیت دارد. (1)

خانواده؛ واحد بنیادین اجتماع

همچنانکه بدن انسان از سلولها تشکیل شده که نابودی و فساد و بیماری سلولها بطور قهری و طبیعی، معنایش بیماری بدن است و اگر توسعه پیدا کند به جاهای خطرناکی برای کلّ بدن انسان منتهی میشود، همینطور جامعه هم از سلولهایی تشکیل شده، که این سلولها خانواده اند. هر خانواده ای یکی از سلولهای پیکره ی اجتماع و بدنه ی اجتماع است. وقتی اینها سالم بودند، وقتی اینها رفتار درست داشتند، بدنه ی جامعه، یعنی آن پیکره ی جامعه سالم خواهد بود. (2)

ص: 78

1- . در سوّمین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (79/12/15)

هدف اسلام؛ تشکیل و حفظ خانواده

اسلام میخواهد این را حفظ کند، این خانواده را نگه دارد؛ زیرا در اسلام یکی از کارها برای رسیدن به این اهداف، تشکیل خانواده و سپس حفظ بنیان خانواده است. (1)

حاکمیت دین؛ عامل عفت و حافظ کانون خانواده

اگر انسانها رها بودند که غریزه ی جنسی را هرطور میخواهند اشباع کنند، یا خانواده تشکیل نمیشد یا يك چیز سُست و پوچ و تهدیدپذیر و ویرانی پذیری میشد و هر نسیمی آن را به هم میزد؛ لذا در هر جای دنیا که مبینید آزادیهای جنسی هست؛ به همان نسبت خانواده ضعیف است؛ چون مرد و زن برای اشباع این غریزه، احتیاجی به این کانون ندارند. اما در آنجاهایی که دین حاکم است و آزادی جنسی نیست، همه چیز برای مرد و زن هست، لذا این کانون خانواده حفظ و نگه داشته میشود. (2)

رواج روشهای اسلامی؛ راه پرورش محیط امنتر خانواده

اگر روشهای اسلامی رواج پیدا کند، خانواده ها مستحکم خواهد شد. همچنانکه در گذشته های ما آن وقتهایی که هنوز ایمان مردم سالمتر و کاملتر و دست نخورده تر بود، در زمان قدیم، خانواده مستحکمتر بود. زن و شوهر به هم علاقه مندتر بودند، فرزندان در محیطهای امن و امان بیشتری پرورش پیدا میکردند. حالا هم راه همین است. آن خانواده هایی که جهات اسلام را رعایت میکنند، اینها غالباً خانواده ای محکمتر، بهتر، قویتر و محیط امنتری برای فرزندان و کودکان خواهند بود. (3)

ص: 79

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (70/4/20)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (76/4/31)

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (178/15)

محیط خانواده برای زن؛ محیط امن، عزت و آرامش

از لحاظ نظر اسلام و متون اسلامی هم در این بخش از مسئله (1) هیچ کمبودی وجود ندارد. ما میبینیم گاهی اوقات کسانی که منتقد تفکرات اسلامی هستند، سر قضیه ی ارث و دیه و این چیزها اشکال میکنند، درحالیکه اشکالها وارد نیست؛ آنها پاسخهای منطقی و قوی دارد. اما در زمینه ی رفتارهای داخل خانواده، متأسفانه غالباً به غفلت گذرانده میشود؛ در حالی که نظر اسلام، نظر کاملاً روشنی است. محیط خانواده برای زن باید محیط امن، محیط عزت و محیط آرامش خاطر باشد تا زن بتواند آن وظیفه ی اساسی خودش را - که همین حفظ خانواده است - به بهترین وجهی انجام دهد. (2)

خانواده؛ سلول حقیقی پیکره ی جامعه

آدم تنها، مرد تنها و زن تنها که همه ی عمر را به تنهایی میگذرانند، از دید اسلام يك چیز مطلوبی نیست، مثل يك موجود بیگانه است در مجموعه ی پیکره ی انسانی. اسلام اینطور خواسته که خانواده، سلول حقیقی مجموعه ی پیکره ی جامعه باشد، نه فرد تنها. (3)

کلمه ی طَّيْبَه یعنی خانواده ی نیک و پر برکت

خانواده، کلمه ای طَّيْبَه (4) است. کلمه ی طَّيْبَه هم خاصیتش این است که وقتی يك جایی به وجود آمده، مرتب از خود برکت و نیکی میتراود و به پیرامون خودش نفوذ میدهد. کلمه ی طَّيْبَه همان چیزهایی است که خدای متعال آن را با همان اساس صحیح به بشر اهدا کرده. اینها همه کلمه ی طَّيْبَه

ص: 80

- 1- . جایگاه زن در زندگی و در جامعه
- 2- . در دیدار جمعی از بانوان نخبه (90/3/1)
- 3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (75/10/5)
- 4- . اشاره به آیه ی کریمه: ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَّيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَّيِّبَةٍ... سوره ی ابراهیم، آیه ی 24

است؛ چه معنویات و چه مادّیات. (1)

خانواده؛ پایه ی مهمّ زندگی

نفس ایجاد کانون خانوادگی و يك کانون جدید، از همه چیز مهمتر است. اساس خلقت بشر، چه زن و چه مرد، اینطوری است که باید يك زن و مرد مجتمعاً يك واحدی را تشکیل بدهند تا زندگی راحت، بی دغدغه و آماده برای جوابگویی به نیازهای بشر پیش برود. اگر این نشد، يك پایه ی مهمّ از زندگی لنگ است. (2)

خانواده ی سالم؛ شرط لازم پیشرفت جامعه

جامعه ی اسلامی، بدون بهره مندی کشور از نهاد خانواده ی سالم، سرزنده و بانشاط، اصلاً امکان ندارد پیشرفت کند. بالخصوص در زمینه های فرهنگی و البتّه در زمینه های غیرفرهنگی، بدون خانواده های خوب، امکان پیشرفت نیست. پس خانواده لازم است. حالا نقض نشود که شما میگویید در غرب خانواده نیست، پیشرفت هم هست. آنچه که امروز در ویرانی بنیاد خانواده در غرب روزه روز بیشتر دارد نمودارهایش ظاهر میشود، اینها اثرش را خواهد بخشید؛ هیچ عجله ای نباید داشت. حوادث جهانی و حوادث تاریخی اینجور نیست که زودبازده و زوداثر باشد؛ اینها بتدریج اثر خواهد گذاشت؛ کماینکه تا حالا هم اثر گذاشته. آن روزی که غرب به این پیشرفتهای دست پیدا کرد، در آنجا هنوز خانواده سر جای خودش بود؛ حتّی مسأله ی جنسیت با همان رعایتهای اخلاقی جنسی - البتّه نه به شکل اسلامی، بلکه به شکل خاصّ خودش - وجود داشت. اگر کسی با معارف غربی آشنا باشد، هم در اروپا و هم بعداً در امریکا این را میبیند و مشاهده میکند. این مسأله ی رعایتهای اخلاقی دو جنس نسبت به یکدیگر،

ص: 81

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (79/12/15)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (79/5/16)

مسأله‌ی حیا، پرهیز از تهمت، اینها چیزهایی بود که آن روز وجود داشت. این بی‌بندوباریها و اباحیگریها بتدریج در آنجا به وجود آمده. آن روز يك زمینه‌هایی فراهم شد و به اینجا رسید. وضع امروز هم فردای بسیار تلخ و سختی را برای آنها رقم میزند. (1)

خانواده؛ اساس همه‌ی تربیتها

ازدواج، درحقیقت دروازه‌ی ورود به تشکیل خانواده است و تشکیل خانواده، اساس همه تربیت‌های اجتماعی و انسانی است. (2)

محیط امن برای تربیت و کمال بشر

انسان برای تربیت است؛ انسان برای هدایت و تعالی و کمال است. این نمیشود مگر در يك محیط امن؛ محیطی که در آن عقده به وجود نیاید، انسان اشباع بشود، در آن تعلیمات هر نسلی به نسل بعد منعکس بشود و از کودکی يك انسان تحت تعلیم صحیح، روان، طبیعی و فطری دو معلّم که نسبت به او از همه‌ی انسانهای عالم مهربانترند؛ یعنی پدر و مادر قرار بگیرد. (3)

اصلاح جامعه با خانواده‌های سازگار و مستحکم

اگر در جامعه‌ی خانواده مستحکم شد و زن و شوهر حقوق یکدیگر را رعایت کردند و با هم اخلاق خوش داشته و سازگاری نمودند و با همکاری هم مشکلات را برطرف نموده و فرزندان را تربیت کردند، جامعه‌ی که اینطور خانواده‌ها را داشته باشد، به صلاح خواهد رسید و نجات پیدا خواهد کرد و اگر مصلحی در جامعه باشد میتواند اینطور جوامع را اصلاح نماید.

ص: 82

1- . در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

2- . در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (74/5/18)

3- . در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (76/5/20)

اگر خانواده ای نبود، بزرگترین مصلحین هم بیایند نمیتوانند جامعه را اصلاح کنند. (1)

خانواده؛ بنیاد تربیت معنوی، فکری و روانی بشر

خانواده بنیاد بسیار مهم و حائز اهمیت است. فایده ی خانواده در تربیت نسل بشر و ایجاد انسانهای سالم از لحاظ معنوی و فکری و روانی، يك فایده ی منحصر بفردی است. هیچ چیز جای خانواده را نمیگیرد. (2)

وقتی نظام خانواده وجود داشته باشد، این میلیاردها انسان، هر کدامشان دو موگُل و دو پرستار ویژه دارند که هیچ چیز جای این پرستار را نمیگیرد. (3)

خانواده؛ کانون رشد و بالندگی عواطف

کانون خانواده، جایی است که عواطف و احساسات باید در آنجا رشد و بالندگی پیدا کند، بچه ها محبت و نوازش ببینند، شوهر که مرد است و طبیعت مرد، طبیعت خامتری نسبت به زن است و در میدان خاصی، شکننده تر است و مرهم زخم او، فقط و فقط نوازش همسرش است حتی نه نوازش مادر باید نوازش ببیند، برای يك مرد بزرگ، این همسر کاری را میکند که مادر برای يك بچه كوچك آن کار را میکند؛ و زنان دقیق و ظریف، به این نکته آشنا هستند. اگر این احساسات و این عواطف محتاج وجود يك محور اصلی در خانه که آن، خانم و کدبانوی خانه است نباشد، خانواده يك شکل بدون معنا خواهد بود. (4)

ص: 83

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (79/12/15)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (81/10/4)

3- . همان

4- . در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (70/10/4)

خانواده؛ محیط امن برای سلامت روح و فکر افراد

خانواده يك محیط امنی است که در آن، چه فرزندان و چه خود پدر و مادر، میتوانند روح و فکر و ذهن خود را در این محیط امن و قابل اعتماد، سالم نگه دارند و رشد بدهند. وقتی خانواده سست شد، نسلهایی که همینطور پشت سر هم می آیند، بی حفاظند. (1)

امکان حل مشکلات اخلاقی و معنوی با تحکیم بنیان خانواده

هر کشوری که در آن بنیان خانواده مستحکم باشد، بسیاری از مشکلات آن کشور، به خصوص مشکلات اخلاقی و معنوی آن به برکت خانواده ی سالم و مستحکم بر طرف میشود یا اصلاً به وجود نمی آید. (2)

تشکیل خانواده ی سالم؛ پایه ی سعادت افراد جامعه

تشکیل خانواده اگر به شکل سالمی صورت بگیرد و اخلاق حاکم بر زوجین، صحیح و منطقی و منطبق با اصول شرع، با آنچه که خداوند معین فرموده باشد، این پایه ی اصلاح جامعه است و پایه ی سعادت همه افراد جامعه است. (3)

اصلاح خانواده؛ عامل سلامت روحی و رشد فکری افراد جامعه

تشکیل بنای خانواده، يك نیاز اجتماعی است، اگر چنانچه در يك جامعه ای خانواده ها درست بودند، سالم بودند، بخوبی اصلاح بشود، افرادش میتوانند رشد فکری پیدا کنند و از لحاظ روحی کاملاً سالم باشند، میتوانند انسانهایی بدون عقده باشند. (4)

ص: 84

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (76/12/18)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (76/9/2)

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (81/3/8)

4- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (74/5/11)

خانواده؛ شرط تربیت کامل و سالم

اگر خانواده ای در جامعه نباشد همه ی تربیتهای بشری و همه ی نیازهای روحی انسان ناکام خواهد ماند؛ زیرا طبیعت و ساخت بشری اینگونه است که جز در آغوش خانواده و در محیط خانواده و در آغوش پدر و مادر آن تربیت سالم و کامل و بی عیب و بی عقده، آن بالندگی لازم روحی پیدا نخواهد شد. انسان زمانی از لحاظ روحی و عاطفی، صحیح و سالم و کامل بار خواهد آمد که در خانواده بار بیاید و در خانواده تربیت شود. اگر محیط زندگی آرام و مناسبی در خانواده حکمفرما باشد، میتوان خاطر جمع شد که فرزندان از لحاظ ساختار عاطفی و روانی سالم هستند. (1)

خانواده؛ محیط آرامش و التذاذات معنوی و عاطفی

محیط خانه را اسلام بعنوان يك کانونی برای آسایش زن و مرد و زوجین قرار داده؛ البته فرزندان هم در این کانون، استفاده خودشان را میبرند. آنها هم التذاذات معنوی و عاطفی و روحی را دارند، منتها برای آنها محیط اصلی خانواده آن وقتی است که خودشان تشکیل خانواده خواهند داد. خانواده برای کودک محیط پرورش است که بعد به آن هم اشاره ای خواهیم کرد. دو سه آیه در قرآن هست، به این آیات توجه بکنید، یکی این آیه ی سوره ی روم است که میفرماید: یکی از نشانه های خدا و آیات الهی همین است که از جنس شما زن و مرد و افراد بنی آدم يك زوج و جفتی آفرید که مایه ی سکون و آرامش شماست. این مخصوص مردها نیست که کسی خیال کند خدا زن را برای آرامش مرد آفریده، نه! مرد را هم برای آرامش زن آفریده. این محیط خانواده است. محیط درونی خانواده یعنی محیط آرامش روحی زن و مرد که در آن زندگی میکنند. در يك آیه ی دیگری میفرماید: خانه ی شما را محلّ آرامش و آسایش قرار داد، که ظاهراً اشاره به محیط خانواده است. محیط خانواده، کانون آرامش انسان است. هم زن و هم مرد که هر

ص: 85

کدام به نوبه ی خود تلاش دارند، فعالیت دارند، تحصیل دارند، مبارزه دارند، کار اجتماعی دارند، کمک به محرومان دارند، تلاش برای جهاد در راه خدا دارند، کار سیاسی دارند، فعالیت‌هایی درباره ی وظایف اجتماعی دارند، در محیط بزرگ اجتماع يك لانه ای و آسایشگاهی لازم دارند که در آن علاوه بر آسایش جسمانی، از لحاظ معنوی و روحی و عاطفی هم بیاسایند و آن محیط خانواده است؛ لذاست که اسلام روی خانواده و تشکیل آن و حفظ آن و کیفیت دادن به آن تأکید زیادی دارد که بحث‌های مفصلی در باب خانواده هست و هم زن و مرد موظفند که به نوبه ی خود در کیفیت دادن به محیط خانواده و شیرین کردن زندگی خانوادگی و صمیمیت دادن به این محیط کوشا باشند که این وظایف زن و شوهر است. (1)

خانواده ی آرامتر با بهره وری بیشتر

هر انسانی - هم زن و هم مرد - در طول زندگی، در شبانه روز مشکلاتی دارد و با پیشامدها و حوادثی مواجه است. این حوادث اعصاب را میکوبد و خسته میکند. انسانها را دچار ناآرامی و سراسیمگی میکند. وقتی وارد محیط خانواده شد، این محیط امن و امان به او تجدید قوا میبخشد. او را آماده ی يك روز دیگر و يك شبانه روز دیگر میکند. خانواده برای تنظیم زندگی انسان خیلی مهم است. البته خانواده باید خوب اداره بشود، باید سالم اداره بشود. (2)

ارزش و کیفیت بالاتر در خانواده ی آرام

این بهره ای که مرد و زن از این خانواده ی آرام میبرند، بهره ی کاری آنها را در بیرون خانواده بالا میبرد، به آن اهمیت و ارزش میدهد، آن را با ارزش و با کیفیت میکند. (3)

ص: 86

1- . در خطبه های نماز جمعه (65/7/19)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (81/6/6)

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (79/11/16)

انسان که ماشین نیست، انسان روح است، انسان معنویت است، انسان عواطف و احساسات است. حالا میخواهد آرامش پیدا کند. این آرامش کجاست؟ محیط خانواده است. (1)

خانواده؛ محل سکونت، آرامش و تکامل

خانواده در اسلام؛ یعنی محلّ سکونت دو انسان، محلّ آرامش روانی دو انسان، محلّ انس دو انسان با یکدیگر، محلّ تکامل يك نفر به وسیله ی يك نفر دیگر، آنجایی که انسان در آن صفا می یابد، راحتی روانی می یابد، این محیط خانواده است. کانون خانواده در اسلام این قدر اهمیت دارد. (2)

خانواده؛ آرامش در مقابل تلاطم، نه در مقابل حرکت

محیط خانواده، محیط آرامش است. باید محیط آرامش باشد. این عاطفه ای که در زن و مرد نسبت به هم وجود دارد، به این آرامش درونی کمک میکند. این سکونت، این آرامش، به معنای آرامش در مقابل حرکت نیست، حرکت خوب است؛ این به معنای آرامش در مقابل تلاطم است. انسان گاهی در زندگی اش دچار تلاطم میشود. يك آرامشی به انسان میدهد که متلاطم نباشد. این در صورتی است که فضای خانه، فضای متلاطمی نباشد. (3)

خانواده ی آرام؛ نجات از انواع اضطراب و ایجاد زمینه ی خوشبختی برای همه ی افراد

میدان زندگی، میدان مبارزه است و انسان در او دائماً در معرض نوعی اضطراب است، این بسیار چیز مهمی است. اگر این آرامش و سکونت

ص: 87

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (74/3/31)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (74/10/4)

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (81/3/8)

به نحو صحیحی تحقق پیدا کند، زندگی سعادت‌مندانه میشود، زن خوشبخت میشود، مرد خوشبخت میشود، بچه‌هایی که در این خانه متولد میشوند و پرورش می‌یابند، بدون عقده رشد خواهند یافت و خوشبخت خواهند شد؛ یعنی از این جهت، زمینه برای خوشبختی همه‌ی اینها فراهم است. (1)

محیط خانوادگی؛ آغوش مهر و محبت و آسایش

شوهر وقتی شب می‌آید خانه، خسته است یا ظهر می‌آید خسته است، دیگر شما خستگی‌ات را به رخ او نکش. آن آسایش توی خانه است، میدان مبارزه‌ی اجتماعی که همه جور تلاش و زحمت برای شوهر برای مرد، یعنی توی میدان مبارزه هست وقتی که تو این میدان انسان خسته میشود آسایش او کجاست؟ تو خانه، پهلوی زنش، تو محیط خانوادگی، در آغوش مهر و محبت آنها این روی خوش را، این تبسم همیشگی را از همسران دریغ نکنید ملاحظه کنید، رعایت کنید. مبدا بگویید چرا کم است، چرا نداریم، چرا نمی‌خریم، چرا بی‌عرضه‌ای؟ این حرفها را نزنید، هر چی میتوانید سعی کنید که با قناعت، با ملاحظه، با رعایت یکدیگر زندگی را خوش بگذرانید. (2)

نهاد خانواده؛ اصلاحگر پدر، مادر و فرزند

در خانواده، سه دسته انسان اصلاح میشوند، یکی مردها که پدران این خانواده هستند، یکی زنها که مادران این خانواده‌اند و دیگر کودکان که نسل بعدی این جامعه هستند. (3)

مختصات خانوادگی خوب؛ اساس اصلاحات واقعی

خانواده‌ی خوب؛ یعنی زن و شوهری که با هم مهربان باشند، باوفا و صمیمی باشند و به یکدیگر محبت و عشق بورزند، رعایت همدیگر را

ص: 88

1- . در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (76/1/3)

2- . در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (64/7/2)

3- . در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (74/2/19)

بکنند، مصالح همدیگر را گرامی و مهم بدانند، این در درجه ی اول.

بعد، اولادی که در آن خانواده به وجود می آید، نسبت به او احساس مسؤولیت کنند، بخواهند او را از لحاظ مادی و معنوی سالم بزرگ کنند. بخواهند از لحاظ مادی و معنوی او را به سلامت برسانند، چیزهایی به او یاد بدهند؛ به چیزهایی او را وادار کنند، از چیزهایی او را باز دارند و صفات خوبی را در او تزریق کنند. یک چنین خانواده ای اساس همه ی اصلاحات واقعی در یک کشور است؛ چون انسانها در چنین خانواده ای خوب تربیت میشوند، با صفات خوب بزرگ میشوند. با شجاعت، با استقلال عقل، با فکر، با احساس مسؤولیت، با احساس محبت، با جرأت، جرأت تصمیمگیری، با خیرخواهی - نه بدخواهی - با نجابت، خب وقتی مردم جامعه ای این خصوصیات را داشته باشند، یعنی خیرخواه و نجیب و شجاع و عاقل و متفکر باشند، این جامعه دیگر روی بدبختی را نخواهد دید. (1)

خانواده؛ فرصتی برای تجدید قوا

در داخل خانواده است که مرد و زن - که زوجین هستند - میتوانند تجدید قوا کنند، میتوانند همّت خودشان را برای ادامه ی راه آماده کنند. میدانید که زندگی یک مبارزه است، کل زندگی عبارت است از یک مبارزه ی بلندمدت، مبارزه با عوامل طبیعی، مبارزه با موانع اجتماعی، مبارزه با درون خود انسان که مبارزه ی با نفس است. دائم انسان در حال مبارزه است. بدن انسان هم در حال مبارزه است. جسم انسان هم دائم دارد با عوامل مضرّ مبارزه میکند، قدرت این مبارزه وقتی در جسم باشد، جسم سالم است. در انسان، این مبارزه باید صحیح، منطقی، در جهت درست، با رفتارهای صحیح و با ابزارهای درست باشد. این مبارزه گاهی یک استراحت، یک بار اندازی لازم دارد. این یک سفر و یک حرکت است. این نقطه ی استراحت،

ص: 89

خانه؛ استخر نشاط و رفع غبار اجتماعی

آن آدمی که در محیط جامعه دارد کار میکند، زحمت میکشد، تلاش میکند، مبارزه میکند، بدی ها، خوبی ها، ناخوشایندی ها، ناجوری ها، اینها را ببیند، این احتیاج دارد به يك محلی که انسان وارد آن محل که شد، یکسره برایش آسایش و ملایمت باشد. از آن فشار کار خارج بشود و آن محیط خانه است. لذاست که محیط خانه را بایستی جوری بکنند که با صمیمیت همراه باشد، اینجاست که نقش زنها معلوم میشود. آن کسی که میتواند محیط خانه را با صمیمیت، با محبت، با لطافت بسازد، بطوری که مثل يك استخر آبی باشد که انسان وقتی خسته شد، وقتی تنش کثیف شد، وارد آن استخر آب که شد خستگی اش برطرف میشود، به نشاط می آید، سرحال میشود، چرك بدنش پاک میشود، همین جور محیط خانه برای انسانی که از گرد و غبار فعالیت های اجتماعی دارد می آید تو، مثل همان محیط استخر، خنک کننده، راحت کننده، آرامش بخش باشد، این کار را زن میتواند بکند. اگر چنانچه زن در محیط خانه، دل به خانه بدهد، اینجوری خواهد شد؛ لذاست در قرآن میگوید: «وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا(2)» همسر آدمی را خدا از جنس خود او آفرید تا بتواند در کنار او آرامش پیدا کند، سکونت پیدا کند. آن آرامشی را که شوهر پهلوی زن، پهلوی خانواده، در محیط امن و امان و با صفای زندگی پیدا میکند در هیچ جا پیدا نمیکند. این را بدانید. این است که وقتی شما در خانواده های قدیمی نگاه میکنید، ببینید زن و شوهر چه محبت هایی به هم دارند. شصت سال، هفتاد سال، پنجاه سال با هم زندگی میکردند، با محبت، با صمیمیت، با صفا. (3)

ص: 90

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (79/12/15)

2- . سوره ی اعراف، آیه ی 189

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (62/12/5)

بقای خانواده در گرو احترام به قرارداد زناشویی

خانواده يك قرارداد است، يك امر طبیعی نیست که دو چیز را به هم وصل کرده باشند. نه! يك قرارداد است؛ يك امر اعتباری است. ماندن او بسته به این است که طرفین قضیه و جامعه و قانون آن را محترم بشمارند. اگر به آن بی اعتنایی کردند، باقی نمیماند. (1)

تزلزل بنیان خانواده به دلیل ورود فرهنگ غرب

در این دو سه دهه ی قبل از انقلاب، به خاطر ورود فرهنگهای اروپایی، بنیان خانواده متزلزل شده بود؛ یعنی حقیقتاً خانواده، آن اصالت و ارزش و عظمتی را که در اسلام و فرهنگ سنتی ما دارد، دیگر نداشت. وقتی خانواده هست، همسر و مادر عضو اصلی است. زن در این مجموعه، جای بسیار اساسی و رفیعی دارد. به همین خاطر، وقتی اصل خانواده یعنی زن زیر سؤال و متزلزل است، در آنجا هیچ چیزی در جای خودش قرار ندارد. اینها بحثهایی است که واقعاً باید روی آنها خیلی تأمل و تدقیق بشود. اسلام، چه تأملات صحیح و چه راهنمایی های ارزشمندی در مورد این مسائل دارد! این چیزی است که انقلاب به زنان جامعه ما اعطا کرد و آنها را در صحنه ی جهاد، سیاست و تأثیر در سازندگی اساسی کشور که همان سازندگی انقلاب است وارد نمود. این، چیز خیلی مهمی است و جز با صدر اسلام، با هیچ وقت دیگر قابل مقایسه نیست. (2)

پرهیز از بیگانه شدن از محیط خانواده

از دیگر آفتهای محیط خانواده، چشم و همچشمی، دنبال تجملات رفتن و رقابت و مسابقه برای زیاده روی در مادیات گذاشتن است. مثلاً زنی میگوید فلان وسیله را که خواهر و برادر من، زن برادر من و شوهر خواهر من دارند، ما هم باید داشته باشیم. یکی از کارها و روشهای بسیار بد همین

ص: 91

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (77/1/1)

2- . در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (69/10/16)

است. سادگی را در زندگی رعایت کنید. مسابقه ی مادّیات را از زندگی خودتان دور کنید. رعایت سادگی و اجتناب از مسابقه ی مادّیات، خوشبختی می آورد. اینکه میگویند خوشبخت باشید؛ یکی از عواملش همینهاست. (1)

عشق تصنّعی در خانواده بخاطر دلمشغله های بیرونی

در بعضی از کشورهای دنیا که پیشرفت علم و تمدّن هم خیلی سریع است، زندگی بر آنها اینطور تحمیل کرده که اعضای خانواده به هم چندان کاری ندارند. پدر يك جا مشغول، مادر يك جا مشغول؛ نه همدیگر را میبینند، نه برای هم غذایی میپزند، نه برای هم محبّتی و عاطفه ای نثار میکنند، نه از هم دلجویی میکنند، نه با هم کار واقعی دارند. آن وقت برای اینکه به سفارش روانشناسان امور کودکان عمل کرده باشند، با هم قرار میگذارند يك ساعت معینی را، پدر و مادر بیایند خانه و يك محفل خانوادگی داشته باشند. برای اینکه بتوانند این اجتماع خانوادگی را که در يك خانواده ی سالم بطور طبیعی وجود دارد، اینها بصورت تصنّعی برای خود به وجود بیاورند. آن وقت این خانم یا آقا مرتب ساعتش را نگاه میکنند که ببیند این ساعت کی تمام میشود، چون مثلاً ساعت 6 يك جای دیگر قرار دارد. اینطوری محفل خانوادگی درست نمیشود و بچه ها هم احساس انس نمیکند. (2)

جامعه ی بی خانواده؛ خاستگاه مشکلات روانی

جامعه ی بی خانواده، جامعه ی آشفته ای است؛ جامعه ی نامطمئنی است. جامعه ای است که در آن موارث فرهنگی و فکری و عقاید نسلیها به یکدیگر آسان منتقل نمیشود. جامعه ای که در آن تربیت انسان به راحتی و روانی صورت نمیگیرد. (3)

ص: 92

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (82/2/28)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (74/12/1)

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (77/10/29)

پیامدهای تزلزل بنیان خانواده

خانواده که نبود، نوجوان نیست، کودک نیست، مرد وزن صالح نیست، اخلاق نیست، انتقال تجربیات مثبت و خوب و با ارزش نسل گذشته به نسل بعد نیست. (1)

تسخیر فرهنگ جامعه با متزلزل کردن بنیان خانواده

آن کسانی که میخواهند در یک کشور یا جامعه ای نفوذ پیدا کنند، فرهنگ آن جامعه را در مشت خود بگیرند و فرهنگ خود را به آنها تحمیل نمایند، یکی از کارهایشان، معمولاً متزلزل کردن بنیان خانواده است. کما اینکه در خیلی از کشورها این کار را متأسفانه انجام داده اند. مردها را بی مسؤولیت و زنها را بداخلاق کرده اند. (2)

اختلال در خانواده؛ عامل اختلافات فرهنگی - اخلاقی جامعه

اساس ازدواج و مهمترین مصلحت ازدواج عبارت است از تشکیل خانواده. علت هم این است که اگر خانواده ی سالمی در یک جامعه ای وجود داشته باشد، آن جامعه سالم خواهد شد و موارث فرهنگی خودش را بصورت صحیح منتقل خواهد کرد. در آن جامعه تربیت کودکان به بهترین وجه صورت میپذیرد؛ لذاست که در آن کشورها و جوامعی که خانواده دچار اختلال میشود معمولاً اختلافات فرهنگی - اخلاقی به وجود می آید. (3)

انتقال فرهنگها و تمدنها به برکت خانواده

انتقال فرهنگها و تمدنها و حفظ اصول و عناصر اصلی یک تمدن و یک فرهنگ در جامعه و انتقالش به نسلهای بعد، به برکت خانواده انجام میپذیرد.

ص: 93

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (79/3/30)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (80/12/9)

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (78/1/16)

خانواده که نبود، همه چیز متلاشی میشود. اینکه میبینید غربیها در داخل کشورهای شرقی و اسلامی و آسیایی، این همه سعی میکنند شهوترانی و فساد را رواج دهند، برای چیست؟ یکی از علل آن همین است که میخواهند با این کار خانواده ها را متلاشی کنند تا فرهنگ این جوامع تضعیف شود؛ تا بتوانند سوار اینها شوند. چون تا فرهنگ يك ملّتی تضعیف نشود، کسی نمیتواند او را مهار کند، به دهان او دهنه بزند و سوار دوش او بشوند. آن چیزی که ملّتها را بی دفاع کرده است و در دست اجانب اسیر میکند، از دست دادن هویت فرهنگی است. این کار هم با برهم خوردن بنیان خانواده ها در جامعه آسان میشود. اسلام میخواهد این را حفظ کند، این خانواده را نگه دارد؛ زیرا در اسلام یکی از مهمترین کارها برای رسیدن به این اهداف، تشکیل خانواده و سپس حفظ بنیان خانواده است. (1)

خانواده؛ بهترین منتقل کننده ی فرآورده های فکری به نسلهای بعدی

اگر نسلها بخواهند فرآورده های ذهنی و فکری خود را به نسلهای بعدی منتقل کنند و جامعه از گذشته ی خودش بخواهد سود ببرد، این فقط با خانواده ممکن است. در محیط خانواده است که اول بار، همه ی هویت و شخصیت يك انسان بر اساس فرهنگ آن جامعه شکل میگیرد و این پدر و مادرند که بطور غیرمستقیم و بدون اینکه تحمیلی باشد، بدون اینکه خود آنها تصنّعی به کار ببرند، بطور طبیعی محتوای ذهن و فکر و عمل و معلومات و اعتقادات و مقدّسات و اینها را به نسل بعدی منتقل میکنند. (2)

ص: 94

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (76/1/26)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (78/1/16)

فصل چهارم حقوق و وظایف زن و شوهر در خانواده

اشاره

ص: 95

شما همسر را انتخاب کردید، هم دخترها و هم پسرها، از حالا به بعد آنچه مهم است عبارت است از حفظ شوون یکدیگر و حقوق یکدیگر. حقّ مرد بر گردن زن این است که زن حفظ امانت او را بکند. هم امانت مال، هم امانت ناموس و نگذارد که مرد از ناحیه ی او زبانی و صدمه ای ببیند. این یکی از حقوق مهمّ مرد است بر گردن زن. یکی از حقوق مرد بر گردن زن این است که زن بدون اجازه ی شوهر از خانه خارج نشود - این بچه مال کیه؟ صاحب بچه کیه؟ - خب این یکی از رازهای قوانین اسلامی هست. به زن نگفتند شما مجبورید اطاعت کنید از شوهرتان در همه ی امور زندگی، نه. مرد يك دستوری بده به زن، زن مجبور است اطاعت کند، نه. کتاب بخوان، کتاب نخوان، نمیدانم فلان چیز را بپز. خانه را تمیز کن، لباس را بشور، از مهمانهای من پذیرایی کن. بر زن واجب است اطاعت کند، نه. اما اگر مرد گفت از خانه نباید بروی بیرون، واجب است اطاعت کند. این يك وسیله ای است برای حفظ بنای خانواده. در مورد پدر چنین حرفی نیست ها! پدر بگوید که راضی نیستم، البتّه پدر را نباید رنجاند، مادر را نباید رنجاند، اما برای انسانی که عاقل و بالغ هست واجب نیست که اگر او گفت بیرون نرو، نمیدانم معاشرت نکن یا چه، اطاعت کند. اما برای شوهر هست، واجب است. اگر شوهر دستور داد باید زن اطاعت کند.

علاوه ی بر اینها زن محیط خانواده را باید يك محیط مهربانی و آرامش و آسایش کند که وقتی مرد می آید تو خانه، در محیط خانه احساس کند که اینجا برای او محیط آسایش و آرامش است. خستگی هایی که دارد اینجا گرفته میشود. علاوه بر اینها حقوق دیگری هم هست که حالا - مشترك است که میگوییم. در مورد زن، حقّ زن بر گردن مرد این است که مرد به او ظلم نکند، فشار بر زندگی او وارد نیآورد، بد اخلاقی با او نکند، احترام او را حفظ کند، حیثیت و شأن يك انسان بعنوان يك انسان مسلمان را در او کاملاً حفظ کند. خیال نکند مرد که زن مطیع اوست هر چی که او گفت باید زن از او اطاعت بکند. خودکامگی و خودرأیی در داخل خانه نداشته باشد. بداند که زن و او دو نفر شریکند که زندگی را باید با همدیگر اداره کنند و چرخ زندگی را با هم بچرخانند. (1)

هدف اسلام در دفاع از حقوق زنان همانطور که گفته شد - این است که زن تحت ستم نباشد و مرد، خود را حاکم بر زن نداند. در خانواده، حدود و حقوقی هست. مرد حقوقی دارد، زن هم حقوقی دارد و این حقوق بشدت عادلانه و متوازن ترتیب داده شده است. آنچه به نام اسلام است و غلط است، آنها را نمیگوییم و از آنها دفاع نمیکنیم. آنچه متعلق به اسلام است، بیّنات اسلام و مسلمّات اسلام است. اینها چیزهایی است که میان حقوق زن و مرد در داخل خانواده توازن قائل است. (2)

احکام دقیق و ظریف اسلام، در مصلحت روابط زن و شوهر

چون بعضی از مردان، نسبت به زنان زورگویی و ظلم و تعدی میکردند، اسلام در مقابل این ظلم و تعدی ایستاده است. وقتی که عائله تشکیل میشود، در داخل عائله، از نظر اسلام، زن و شوهر دو شریک زندگی هستند

ص: 98

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (63/1/24)

2- . در اجتماع بزرگ بانوان (76/7/30)

و باید نسبت به یکدیگر با محبت رفتار کنند. مرد حق ندارد به زن زور بگوید؛ زن هم حق ندارد به مرد زور بگوید. احکام و مقررات اسلامی، در مورد ارتباطات زن و مرد در داخل عائله و خانواده، بسیار دقیق و ظریف است. خدای متعال، با توجه به طبیعت زن و مرد، با توجه به مصالح جامعه اسلامی، با توجه به مصالح زن و مرد، این احکام را معین کرده است. مرد فقط در چند مورد - که من یک مورد را تصریح میکنم و یکی، دو مورد دیگر را تصریح نمیکنم - حق دارد به زن دستور بدهد و زن موظف است که دستور را عمل کند. آن موردی که تصریح میکنم، این است که مرد میتواند از خروج زن از خانه بدون اجازه ی خود جلوگیری کند؛ به شرط اینکه در هنگام عقد ازدواج، شرطی در این مورد انجام نگرفته باشد. اگر شرطی در بین نباشد، مرد میتواند مانع بشود. این، یکی از آن رازهای دقیق احکام الهی است و این حق فقط به شوهر داده شده و حتی به پدر هم داده نشده است. پدر نمیتواند دختر خود را موظف کند که اگر خواست بیرون برود، از او اجازه بگیرد. نه، پدر چنین حقی ندارد، یا برادر چنین حقی نسبت به خواهر ندارد؛ اما شوهر این حق را نسبت به زن دارد. البته در هنگام صیغه ی عقد، زنان میتوانند شروطی را بعنوان شرط عقد ازدواج ذکر بکنند. این شروط را هم زن و هم مرد موظفند که عمل کنند؛ بنابراین اگر شرط کردند، آن بحث دیگری است؛ اما در درجه ی اول، اینطور است. یکی، دو مورد دیگر هم هست که زن موظف است در آن موارد، از مرد اطاعت کند. اینها همه بخاطر طبیعت زن و مرد است. (1)

وظیفه ی مشترك زن و مرد در ساختن خانواده

در حال حاضر خانه و نقش زن در خانواده يك معضله ای برای خود زن و مردها شده است، در حالی که به نظر من هیچ معضله ای نیست و این يك چیز واضحی است که اولاً اداره ی خانواده بین زن و مرد مشترك

ص: 99

است. اینطور نیست که زنها در اداره ی خانواده سهم و نقش و وظیفه داشته باشند، ولی مردها نداشته باشند. بلکه مرد و زن هر دو مشترکاً مأمورند که در ساختن و بنای خانواده کار کنند و با توجه به اهمیتی که اسلام به خانواده میدهد، اصلیتین کار يك زن و مرد مسلمان که پایه و قوام زندگی شان بر آن استوار است، ساختن خانواده میباشد و زن و مرد این وظیفه را مشترکاً بر دوش دارند. (1)

تربیت همسران در زندگی مشترك

در بسیاری از کشورهای اسلامی خانمها میتوانند نقش عمده ای را ایفا کنند تا آگاهی و درك مبارزه برای اسلام در آنجا زنده بشود. کما اینکه در کشور ما همینجور بود خیلی از مردها را زنهایشان ساختند، خیلی از مردها را زنهایشان به راه انداختند در راه مبارزه، این در دنیا میتواند تکرار بشود. (2)

همکاری روحی همسران با درك ضرورتهاى یکدیگر

زن ضرورتهاى مرد را درك کند، فشار اخلاقی روی او وارد نیاورد، کاری نکند که او در امر زندگی مستأصل شود و خدای نکرده به راه های نادرست متوسل بشود. او را به ایستادگی و مقاومت در میدانهای زندگی تشویق کند و تحریض نماید. اگر چنانچه کار او مستلزم این است که يك مقداری به وضع خانوادگی مثلاً رسیدگی کافی نداشته باشد، این را به رخ او نکشد، اینها مهم است. اینها وظیفه هایی است از طرف زن، از طرف مرد هم وظیفه است که ضرورتهاى زن را درك کند، احساسات او را بفهمد و نسبت به حال او غافل نباشد. (3)

ص: 100

1- . در مصاحبه با مجله ی زن روز (63/12/13)

2- . در کنگره ی جهانی زن (68/11/17)

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (75/2/10)

مسئولیت زن و مرد؛ همپای هم بودن در زندگی

شغل اصلی و اولی زن، زن خانه بودن است. این تحقیر زن هم نیست، خیال نکنید. این احترام زن است، این تجلیل زن است. در خانه است، زن خانه است، محیط خانه را، یعنی آن محل رشد گیاه انسان را، گیاه انسان، این مرتب میکند، آماده میکند. مرد هم مخصوص این است که برود بیرون کارهایش را بکند و وسیله ی تغذیه ی این محیط را فراهم بکند، اینجوری است. مثل اینکه يك اتاقی را، دو تا هم اتاقی، شما فرض کنید. یکی اتاق را اداره میکند، یکی هم برای اینکه اینها بالاخره گرسنه میمانند، غذا میخواهند، میروند بیرون غذا برایشان تهیه میکنند، به کدام بی احترامی شده؟ آنی که در خانواده کارها با اوست، همه چیز به او نگاه میکنند، اوست که این محیط را دارد میسازد، او بیشتر احترام پیدا میکند یعنی زن. مرد هم پادویی اش را میکند. وقتی هم پای مسئولیتهای اجتماعی رسید، پای مبارزه رسید، پای سیاست رسید، هر دو باید حاضر بشوند. پای مجاهدت در راه خدا رسید، هر دو باید بیایند، باید زن و مرد بیایند. (1)

زن و شوهر؛ هردو رفیق و شریک زندگی مشترک

زن و شوهر، مثل دو همسنگر و مثل دو شریکند. باید با هم همکاری کنند و بدانند که از نظر اسلام، زن و مرد هردو پیش خدای متعال حقوقی دارند. خداوند مرد را برای کاری آفریده، زن را هم برای کاری. از نظر تقوا و معنویت، نه مرد بر زن ترجیح دارد، نه زن بر مرد. هرکدام تقوایشان بیشتر بود، پیش خدا عزیزتر است. اینگونه نباشد که مثل بعضی از محیطهای جاهلی، مرد به زن زور بگوید و او را به کلی از حوزه ی زندگی و تصمیمگیری خارج کند؛ یا مثل بعضی از دستگاه های جاهلی دیگر، که از اروپا یاد گرفته اند، زنها مرد را تحقیر و ذلیل کنند و بر او سوار شوند. اینطور هم نباید باشد؛ بلکه باید مثل دو رفیق، دو همسنگر، دو شریک و دو

ص: 101

همکار باشند. منتها هرکدام همانطور که خدای متعال قرار داده - برای يك کار مناسبند. هر کدام مخصوص يك کار هستند. نه کار این از عهده ی او برمی آید، نه کار او از عهده ی این برمی آید. (1)

در محیط اسلامی، زن و شوهر با همنند، متعلق به همنند، در مقابل هم مسؤولند، در مقابل فرزندان مسؤولند، در مقابل محیط خانواده مسؤولند. ببینید از نظر اسلام خانواده اینقدر مهم است. (2)

زن و مرد دارای وظایف و مسؤولیتهای مشترك و نیز اختصاصی هستند که باید بدقت شناخته و تبلیغ شود. زن، باری بر دوش همسر خود نیست و زن نباید مطابق الگوهای غربی و غیراسلامی معرفی شود. (3)

زن و شوهر؛ بهترین حافظان یکدیگر در صراط مستقیم

به یکدیگر در انجام وظایف الهی کمک کنید. وظایف الهی هم فقط نماز و روزه نیست. همه ی کارهایی که وظیفه ی يك انسان در يك جامعه ی اسلامی است، جزو وظایف الهی است. اگر شوهر تلاش و فعالیت دارد و مشغول خدمتی است - بزرگ یا کوچک فرق نمیکند - طبعاً زحماتی را بر زن و خانواده تحمیل میکند. کمک به شوهر این است که زن و سایر اعضای خانواده این زحمات را تحمّل کنند. همچنین زن، شوهر خود را به راست کرداری و دوری از تخلفهای گوناگونی که بعضی از افراد دچارش میشوند، سفارش کند. این کمک است. مرد هم زن خود را از تحمّل پرستی و پیروی از هوا و هوس مانع شود. این هم خدمت و کمک است. کمک زن و شوهر به هم این است که یکدیگر را در صراط مستقیم الهی حفظ کنند. البته حفظ یکدیگر با دعوا و تشر و اوقات تلخی نمیشود؛ بلکه با محبت و

ص: 102

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (71/10/17)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (79/5/16)

3- . در جمع مدیران و برنامه سازان صداوسیما (75/5/9)

عقل و تدبیر شدنی است. ان شاءالله توصیه ی ما به شما کمکتان خواهد کرد که زندگی مبارکی داشته باشید. (1)

مسئولیت همسران در کمک به همدیگر و پیمودن صراط مستقیم

اینکه زن و شوهر به هم کمک کنند، نه فقط کمک در امور زندگی که اینها هم يك نوع کمک است؛ بلکه منظور ما کمک در پیمودن صراط مستقیم، راه راست، پاکدامنی و پاکدستی است. در این زمینه ها به هم کمک کنند. اگر زن احساس کرد که مردش در محیط کار و محیط بیرون خانواده دچار گرفتاری ای شده - که زنها خیلی اوقات گرفتاری های مردها را ممکن است مالی، سیاسی و یا چیزهای دیگر باشد، بخوبی میفهمند - بایستی کمک کند که او را از آن گرفتاری نجات دهد. این کار با اخلاق خوب، با نصیحت و با بیان مناسب، ممکن میشود. خیلی از زنها را ما میشناسیم که به شوهرهایشان در این زمینه ها کمک کرده اند و از لبه ی پرتگاه جهنم آنها را به سوی بهشت کشانده اند. در دوره ی مبارزه زنهایی را هم داشتیم که شوهرهایشان را به پرتگاه جهنم کشانده اند. مردها هم میتوانند این کار را انجام دهند؛ یعنی هم میتوانند زنها را به سوی بهشت بکشانند و هم آنها را در لبه ی پرتگاه جهنم قرار دهند. نکته ی بعد اینکه اگر محیط زندگی را، محیط دین و تقوا و پارسایی و پاکدامنی و ذکر و توجه و تضرع قرار دهید؛ بچه ها هم همینطور بار می آیند و آثارش نه فقط به خودتان، بلکه به همه ی جامعه خواهد رسید. (2)

کمک به یکدیگر در راه تحصیل و تبلیغ دین و فعالیتهای اجتماعی

در دورانهای سخت مبارزه، بعضی از مردان در میدان مبارزه، تا میخواستند قدمی بردارند، فوری صدای فریاد زشان در گوششان میپیچید؛

ص: 103

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (81/12/12)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (81/3/29)

پایشان سست میشد و نمیتوانستند بروند. عکس آن هم بود؛ بعضیها بودند که زنانشان، نه فقط مانع آنها نبودند؛ بلکه مشوق آنها میشدند و کمک هم میکردند. بسیاری از زنان، شوهرانشان را اهل بهشت کردند و بسیاری از مردان، زنانشان را اهل بهشت کردند. عکس آن هم بود؛ بعضی زنان، شوهرانشان را اهل جهنم کردند و بعضی مردان، زنانشان را اهل جهنم کردند. اینکه میگوییم به یکدیگر کمک کنید، بعضی خیال میکنند مردان حتماً باید پیشبند بپوشند و به آشپزخانه بروند. خب؛ آن هم یکی از کمکهاست؛ اما کوچکترینش است. بهترین کمک این است که در راه تحصیل، تبلیغ، فهم دین، خدمات اجتماعی، فعالیت‌های مفید سیاسی و... کمک کنید. (1)

همسران؛ بهترین نصیحت کنندگان به خیر و تقوا

اگر چنانچه شما میبینید که همسرتان نمازش را خوب نمیخواند، شما وظیفه دارید که هدایت کنید او نمازش را خوب بخواند. اگر شما میبینید که همسرتان به واجبات و مثلاً فرایض و اینها اعتنایی ندارد، باید کاری کنید که اعتنا داشته باشد. اگر میبینید که این زن یا این شوهر اهل تجملات و زیادهای زندگی و اسراف و اینهاست، بایستی شما نصیحت کنید، به او بگویید که او اصلاح کند خودش را. اینجوری است. هر کدامی یکدیگر را توصیه کنید به خیر، به تقوا، به نیکی، عیب همدیگر را سعی کنید که از بین ببرید. نقایصی را که قابل از بین رفتن هست اینها را اصلاح کنید. توقعاتتان را هم از هم کم کنید. (2)

لزوم عمل به اخلاق اسلامی در خانواده

تصویر کیفیت برخورد زن و مرد در اخلاق اسلامی و قانون اسلامی هم به نظر ما بایستی بیشتر رویش کار شود. بعضی متدین هم هستند، اما

ص: 104

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد 25 زوج (81/6/28)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (63/1/24)

چون با مفاهیم اسلامی درست آشنا نیستند و اخلاقیات مرتبط با روابط زن و مرد را در اسلام درست نمیدانند، تدبیرشان موجب نمیشود که از غلطشان کم شود، از تحکم و زورگویی شان بکاهد؛ نه، هم متدینند، هم آن تحکّمها و زورگوییها را دارند؛ این هم باید اصلاح شود. اخلاق اسلامی در روابط زن و مرد - به خصوص در داخل خانواده - باید مورد توجه قرار بگیرد. (1)

وجه مشترك زوجین در زندگی باید عبارت باشد از توجه به خدا و اطاعت دستورات الهی و عمل به فرامین خدا. زن و شوهر باید همدیگر را در این جهت حفظ کنند. اگر زن میبیند که شوهر او بی اعتنا به مسائل دینی است، او را با حکمت و اخلاق خوش و ظرافت و زیرکی زنانه، وادار به آمدن در راه خدا کند. مرد هم اگر میبیند زنش بی اعتناست، او هم باید همین تکلیف را انجام دهد. این از کارهای اساسی در زندگی است. (2)

زندگی کامل در مطرح کردن عملی دین و اخلاق

خیلی از زن‌ها هستند که شوهر خودشان را بهشتی میکنند. خیلی از مردها هستند که همسر خود را حقیقتاً سعادتمند میکنند. موارد عکس این هم هست. ممکن است مردهای خوبی باشند، زنهایشان آنها را اهل جهنّم کنند و زنهای خوبی باشند که مردهایشان آنها را اهل جهنّم کنند. اگر چنانچه زن و مرد هر

دو توجه داشته باشند، با توصیه های خوب، با همکاری های خوب، با مطرح کردن دین و اخلاق در محیط خانه - آن هم بیشتر از مطرح کردن زبانی، مطرح کردن عملی - اینطور یکدیگر را کمک کنند؛ آنوقت زندگی کامل و حقیقتاً وافى و شافى خواهد شد. (3)

ص: 105

1- . در دیدار گروه کثیری از زنان نخبه (86/4/13)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (72/2/13)

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (77/12/11)

دستورات شرعی در زمینه ی اخلاق و رفتار زوج

در شرع آمده که پیوند ازدواج را محکم نگه دارید. بعد هم شرایط زیادی برای ازدواج در همه ی زمینه ها معین کرده است. در زمینه ی اخلاق و رفتار گفته: وقتی زن گرفتید، وقتی شوهر کردید، باید اخلاقتان را خوب کنید، باید همکاری کنید، باید گذشت کنید، باید محبت کنید، باید او را دوست بدارید و باید به او وفاداری کنید، اینها همه اش احکام شرع است، اینها همه اش دستورات است. (1)

تشویق در خیرات و اصلاح در انحرافات؛ از وظایف همسری

زن و شوهر باید همدیگر را در راه صحیح و صراط مستقیم الهی حمایت کنند. اگر هر کدام از اینها مشاهده میکنند یک عمل خیر و یک کار شایسته ای از همسرشان سر میزند، آن را تشویق کنند و اگر برعکس، احساس کردند که خطایی، یک انحرافی خدای نخواستہ وجود دارد، سعی در اصلاح آن بکنند. یکدیگر را در راه خدا کمک و تشویق کنند. (2)

درس دینداری؛ عدم پابندی به تجملات

اگر ببینید که همسرتان به چیزهای تجملاتی و آرایش های گوناگون و اینها خیلی اهمّیت میدهد یادش بدهید که اینجوری نباشد.

لباسهای گوناگون، انواع و اقسام لباس، انواع و اقسام زینت آلات چه لزومی دارد؟ طلا چه لزومی دارد؟ اینها را ما لازم نمیدانیم، اگر ببینید همسرتان به این چیزهای بیخودی پابند است، یادش بدهید که پابند نباشد. شما هم به شوهرتان یاد بدهید، شما هم به زنهایتان یاد بدهید، این اولین وظیفه ی شماست که همدیگر را درست کنید، همدیگر را حفظ کنید،

ص: 106

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (72/10/6)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (79/6/4)

یکی از موجبات سعادت خانواده ها و اشخاص، این است که تقیدات زائد و تجملات زیادی و پرداختن بیش از اندازه لازم به امور مادی، از زندگیها دور شود. لاقلاً بخش اصلی زندگی محسوب نشود. یک چیز حاشیه ای یک کنار باشد. زندگی را از اول باید ساده برداشت و محیط زندگی را باید محیط قابل تحملی کرد. (2)

زن و شوهر؛ مهارکننده ی وسوسه های شیطانی

در جنگ نهایی بین زن و شوهر، طرف قویتر خانم است. یعنی نگاه به صدای کلفت و قد بلندشان نکنید، آنکه بالاخره با تدبیر و نقشه بر شوهر فائق می آید و غالب میشود، خانم است که شوهر بیچاره را وادار میکند او هم به فکر بیفتد و سراغ پول، ماشین و عنوان و چیزهای دیگر برود تا از دیگران عقب نماند. حالا بیایند پیش ما گله کنند که بله زنهایمان اینطور میگویند که ما هم یک فصل نصیحت کنیم که آقا بیاید مثلاً اخلاص داشته باشید، خدا را در نظر داشته باشید و امثالهم؛ اما این حرفها کجا، آن وسوسه ی بیخ گوش که دائم تکرار میکند، کجا؟ بعضی زنها اینطور هستند. بعضی زنها نقطه ی مقابل آن هستند. اگر دیدند شوهر چند فرش ماشینی خرید آورد خانه، در حالی که اتاقها فرش است، بیخ خر شوهرشان را میگیرند که این را برای چه آوردی؟ شوهر میگوید خوب؛ حالا آورده ام دیگر. میگوید نه از کجا آوردی، چی شده، کی داده، چطوری شده؟ به هر حال قبول نمیکند و نمیگذارند این مال و این جنس در داخل خانه مصرف شود. ممکن است هدیه باشد و شوهر آن را به خانه بیاورد. خانم میگوید اینها را چرا آوردی؟ اینها را ما نمیخواهیم؛ چون اگر این به خانه مان بیاید، با بقیه ی اشیای خانه

ص: 107

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (64/7/2)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (72/3/8)

نمیسازد؛ نه با فرشمان، نه با رختخوابمان، نه با لباسهایمان؛ با هیچ چیزی نمیسازد. اگر این بیاید، باید آنها هم عوض شوند. حضری آنها را عوض کنی؟ شوهر بیچاره هم میگوید نه. بعد خانم میگوید اگر حاضر نیستی، پس این را بردار ببر بیرون؛ این هم نباشد. ببینید؛ بعضی از زنها، شوهرهایشان را بهشتی میکنند، بعضی هم جهنمی. مقابلهش هم وجود دارد. (1)

برطرف کردن خطاهای شرعی با شیوه ی بسیار لطیف و عاقلانه

مهمترین کمک به همسر، این است که سعی کنید همدیگر را دیندار نگه دارید. مراقب باشید همسرتان خطای دینی نکنند. این مواظبت هم به معنای پاسبانی و دیده بانی نیست. این مراقبت، مراقبت اخلاقی است. مراقبت مهربانانه و مراقبت پرستارانه است. اگر چنانچه خطایی از همسرتان دیدید، آن را باید با شیوه ی بسیار لطیف و عاقلانه ای در او از بین ببرید، برطرف کنید. یا با تذکر و یا با بعضی از مراعاتها نسبت به هم مسؤولیت دارید. زن اگر میبیند شوهرش در معاملات بد افتاده، در رفیق بازی های بد و معاشرتهای بد افتاده، یا مرد میبیند زنش افتاده در بعضی تجمل پرستی های غلط یا ولنگاریهای غلط، نباید بگوید: حالا او خودش است. نه، شما هر کدام نسبت به هم وظیفه دارید. باید همّت خود را متمرکز کنید. زن و مرد میتوانند بر روی هم اثر بگذارند. (2)

محافظة از انحرافات با ابراز محبت؛ تدبیر و زبان خوش

همدلی و همکاری کردن، معنایش این است که همدیگر را در راه خدا حفظ کنید. توأصی به صبر و توأصی به حق کنید. اگر خانم خانه میبیند شوهرش دارد دچار يك انحرافی میشود، فرضاً در يك معامله ی نامشروعی دارد قرار میگیرد، توی يك جریان غلطی دارد می افتد، توی پول درآوردنهای

ص: 108

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (79/9/3)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (79/8/3)

نادرست دارد می افتد، توی رفیق بازی های ناسالم دارد می آفتد، اول کسی که باید او را حفظ کند، اوست، اگر متقابلاً مرد این احساسها را به نوع دیگری از زنش کرد، اولین کسی که باید زن را حفظ کند شوهر اوست. البته حفظ کردن هم، با محبت کردن و با زبان خوش و با منطق صحیح و با برخورد مدبرانه و حکیمانه حاصل میشود، نه با بداخلاقی و قهر و این چیزها. یعنی هر دو مراقب باشند تا آن دیگری را در راه خدا حفظ کنند. (1)

زن و مرد، لباس همدیگر؛ یعنی حفظ و حراست از تمامی آسیبها

در قرآن وقتی که راجع به زن و مرد صحبت میشود میفرماید: که «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ (2)» مثل هم، هیچ فرقی ندارد. زن لباس مرد است، مرد لباس زن است. یعنی چه لباس است؟ یعنی او را میپوشاند، او را حراست میکند، او را از آسیبها در امان میدارد، حفظکننده ی یکدیگر هستند. خب، حقوق متقابل و مشترکی که شبیه هم است بر گردن همدیگر زن و مرد دارند، این است که هر کدامی خودشان را وظیفه دار در مقابل آن دیگری بدانند. (3)

تفاوت روحیات زن و مرد در خانواده

طبیعت مرد و زن، هر کدام ویژگی ای دارند. در داخل خانواده، کار و روحیات مرد را نباید از زنان توقع کرد؛ روحیات زن را هم در خانواده نباید کسی از مرد توقع کند. هر کدام يك خصوصیات طبیعی و روحی دارند که مصلحت بشر، مصلحت جامعه، مصلحت نظام اجتماعی زن و مرد این است که روحیات و خصوصیات مرد و زن در تعامل اینها در داخل خانواده دقیقاً رعایت شود که اگر رعایت بشود؛ هم این خوشبخت است و هم آن. (4)

ص: 109

1- . در مراسم عقد ازدواج (79/8/21)

2- . سوره ی بقره، آیه ی 187

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (64/7/2)

4- . در اجتماع زنان خوزستان (75/12/20)

نوع نگاه زن به مرد با نگاه مرد به زن بطور طبیعی مختلف است، باید هم مختلف باشد، ایرادی هم ندارد. مرد به زن به صورت يك الگوی زیبایی، الگوی ظرافت، الگوی حساسیت نگاه میکند، او را لطیف میبیند. اسلام هم همین را تأکید کرده: «الْمَرْأَةُ رَيْحَانَةٌ⁽¹⁾» یعنی زن گل است. در این نگرش، زن، يك موجودی است رقیق، مظهر زیبایی و لطافت و رقت و مرد به این چشم به او مینگرد. محبت او را در این قالب ترسیم و مجسم میکند. مرد در چشم زن، مظهر اعتماد، نقطه ی اتکا و اعتماد است و محبت خودش را به او در این قالب ترسیم میکند. این دو تا، دو نقش جداگانه است از یکدیگر و هر دو نقش لازم است. زن وقتی به مرد نگاه میکند، با همان چشم محبت و عشق، او را در نقش يك تکیه گاه میبیند که میتواند از نیروهای جسمی و فکری او برای پیشبرد کار زندگی استفاده کند؛ مثل يك موتور. مرد وقتی به زن نگاه میکند، به چشم مظهر انس و آرامش مینگرد که میتواند به انسان آرامش بدهد. اگر مرد نقطه ی اتکا در زمینه ی مسائل ظاهر زندگی است، زن هم به نوبه ی خود نقطه ی اتکا است برای مسائل روحی و معنوی زندگی. دریایی است از انس و محبت. میتواند مرد را در این فضای سرشار از محبت، از همه ی غصه ها و غمهای خودش خارج کند. اینها توانایی های مرد و زن است. توانایی های روحی آنهاست.⁽²⁾

احترام واقعی متقابل

احترام به این معنا نیست که مثلاً همدیگر را با القاب و آداب صدا کنند. بلکه قلباً مرد نسبت به زن خود و زن نسبت به مرد خود، احساس احترام داشته باشند. احترام را در قلب خود نگه دارید، برای هم حرمت قائل باشید. این در اداره ی زندگی مهم است. بین زن و شوهر، اهانت و تحقیر و تذلیل نباشد.⁽³⁾

ص: 110

1- . بحارالانوار، ج 100، ص 253

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (81/6/6)

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (71/9/19)

روز زن؛ فرصتی برای رعایت حرمت و کرامت و حقّ زن

میلاّد حضرت صدیقه ی کبری (سلام الله علیها) را در جمهوری اسلامی بعنوان «روز زن» معین کرده اند. در چنین روزی باید فرصتی باشد که هم مردان طوری رفتار کنند که حرمت و کرامت و حقّ زن بطور کامل رعایت شود اگر نقصی در رفتار مرد با زن - همسر خودش یا هر زنی که در زندگی خانوادگی با او مرتبط است؛ مثل مادر و خواهر و غیره - وجود دارد، مرد آن نقص را برطرف و جبران کند و هم خود زنان و بانوان، موجبات تکریم بیشتر زن را فراهم کنند. چون این به خود زن هم وابسته است. (1)

مراعات و تنظیم وقت برای بیشتر بودن زن و مرد با هم

وظیفه این است که با هم، مراعات هم را بکنید. مردها رعایت کنند زنهایشان را، اینجور نباشد که بیندازند زنها را تو خانه بروند تا آخر شب مهمانی و روضه و سینه زنی و - نمیدانم - گردش و سینما و جاهای دیگر، بعد آخر شب بروند تو خانه، زن هم بیچاره از سر شب هم همانطور نشسته حالا می آید، حالا می آید، حالا می آید، تا ساعت 10 شب، 9 شب، منتظر است خوابش برده مثلاً یا نشسته چشمهای خواب آلوده، این درست نیست، این غلط است، مگر يك کار واجب، يك وظیفه باشد، آن بحث دیگر است. انسان وظیفه که داشته باشد يك ماه هم تو خانه اش سر نمیزند. اما نه، کار عادی و معمولی و روزانه را جوری تنظیم کنید که اول شب بتوانید بروید منزلتان، البته عیبی ندارد روضه بروید، مسجد بروید، نماز جماعت بروید، اگر سینمای خوب هست بروید اشکالی ندارد، اما با زنتان، با همدیگر بروید چه اشکالی دارد؟ پای تفسیر، پای روضه - نمیدانم - پای درس بله، اگر میشود اگر جوری است که میشود، نمیگوییم حالا حتماً هر جا میروید از هم جدا نشوید نه خب گاهی ممکن نیست اما خب تنظیم کنید، جوری که بیشتر اوقات با هم باشید. (2)

ص: 111

1- . در دیدار خانواده های برادران «حفاظت» (77/7/21)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (64/7/2)

رازداری؛ عامل شیرینی و استحکام زندگی مشترک

زن و شوهر باید راز هم را حفظ کنند، زن نباید راز شوهرش را پیش کسی بازگو کند. مرد هم مثلاً نرود پیش رفقاییش در باشگاه یا مثلاً فلان مهمانی و... راز همسرش را بازگو کند، حواستان جمع باشد، اسرار هم را محکم نگه دارید تا زندگی ان شاء الله شیرین و مستحکم شود. (1)

تحمل عیوب یکدیگر

اگر دیدید که همسرتان يك نقطه ی عیبی دارد - هیچ انسانی بی عیب نیست - مجبورید او را تحمل کنید، تحمل کنید، که او هم همزمان، دارد يك عیبی را از شما تحمل میکند. آدم عیب خودش را که نمیفهمد، عیب دیگری را میفهمد. پس بنا را بگذارید بر تحمل. اگر چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید. اگر دیدید کاری نمیشود کرد، با او بسازید. (2)

سازگاری با عیوب همسر؛ مسابقه ای برای پیدا کردن تقوای بیشتر

مبادا دخترها و پسرهای جوان که حالا با هم ازدواج میکنند خیال کنند که همسرشان باید يك فرشته باشد، نه اخلاق بدی، نه نقصی، نه عیبی، هیچی نداشته باشد، نه این اشتباه است، شما پسرها بدانید این همسری که شما حالا امروز عقدش را میخوانیم و همسر شما میشود، این مثل زنهای دیگر دنیاست، همه ی زنهای دنیا يك نقصی دارند. این زن شما هم مثل زنهای دیگر است، شما زنها هم بدانید این مردی که با او ازدواج میکنید حالا این مثل بقیه ی مردهاست، همه ی مردهای دنیا يك نقصی دارند، هیچ مردی و هیچ زنی را شما پیدا نمیکند که يك عیبی، نقصی، ایرادی نداشته باشد. حالا این یکی که نصیب شما شده يك ایرادی دارد، دیگری ممکن است این ایراد را نداشته باشد، اما يك ایراد دیگر دارد. مبادا بگویید که آره!

ص: 112

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (78/1/24)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (78/4/9)

ای کاش که مثلاً شوهر ما يك کسی بود که این عیب را نداشت! بدانید که آن کسی که این عیب را ندارد، او يك عیب دیگری دارد، يك اشکال دیگری دارد، با هم بسازید، با اخلاق هم بسازید، با عیبهای هم بسازید. البته يك عیبهایی هست که قابل برطرف شدن است، آنها را سعی کنید برطرف کنید. يك عیبهایی هم هست که نه عیب جسمی است، عیب روحی است، قابل برطرف شدن نیست، خب آنها [را] هم باید بسازید، اشکالی هم ندارد و بدانید که ارزش به تقواست. هر دو سعی کنید تقوایتان را زیاد کنید و برتری به تقوا پیدا کنید، اگر چنانچه بتوانید برتری پیدا کنید بواسطه ی تقوا این البته يك امتیازی است و باید مسابقه بگذارند زن و شوهر برای پیدا کردن تقوای بیشتر. (1)

سازگاری دو طرفه در میان همسران

در قدیم بیشتر میگفتند دختر باید سازگار باشد. برای پسر کانه وظیفه ی سازگاری را قائل نبودند. نه! اسلام این را نمیگوید. اسلام میگوید که دختر و پسر هر دو باید سازگار باشند، هر دو باید بسازند. باید بنا را بر این بگذارند که زندگی خانوادگی را سالم و کامل و آرام و همراه با محبت و عشق متقابل اداره کنند و این را ادامه بدهند و حفظ کنند. اگر چنانچه ان شاءالله این فراهم شد، که فراهم کردنش هم با تربیتهای اسلامی مشکل نیست. این خانواده، همان خانواده ی اسلامی خواهد بود که اسلام معتقد به اوست. (2)

گذشت و اغماض؛ زمینه ی سازشکاری در خانواده

وظیفه این است که در مقابل هم يك مقدار گذشت و اغماض داشته باشید. سختگیری نکنید به شوهرتان، سختگیری نکنید به زنتان، خیال نکنید

ص: 113

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (64/7/2)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (74/5/11)

که این همسر شما يك فرشته ی کاملی باید باشد که هیچ نقصی نداشته باشد، مگر میشود؟ همچنین کسی شما تو این دنیا پیدا نخواهید کرد، شما زنها هم پیدا نخواهید کرد، بالاخره همه ی مردها و همه ی زنهای عالم، جز معصومین، نقص دارند، هر کسی شما فکر کنید که این دیگر خیلی خوب است بدانید يك نقصی دارد، منتها نقص افراد را که آدم در چهره شان، در قیافه شان، در معاشرت اول که نمیفهمد، تدریجاً که معاشرت کرد نقایص همدیگر را مردم میفهمند. تحمل کنید، نقصهای همسران را، با هم بسازید. (1)

سازشکاری در محیط خانواده جزو واجبات است. نبایستی زن و شوهر تصمیم بگیرند که خودشان هر چه گفتند همان شود. آنچه خودشان می پسندند و آنچه راحتی آنها را تأمین میکند همان بشود. نه، اینطور نباید باشد. باید بنا داشته باشند که باهم سازگاری کنند. این سازگاری لازم است. اگر دیدید مقصود شما تأمین نمیشود مگر با کوتاه آمدن، کوتاه بیایید. (2)

معنای سازگاری چیست؟ معنایش این است که زن ببیند این مرد، درست ایده آل اوست تا با او سازگار باشد؟ یا مرد ببیند که این زن، کاملاً ایده آل اوست و همان فرد مطلوب عالی است، تا با او سازگاری داشته باشد؟ اگر يك ذره این گوشه یا آن گوشه اش کج بود، قبول نیست. معنای سازگاری این است؟ نه! اگر سازگاری این باشد که این خودش بطور طبیعی انجام میگیرد و اراده شما را نمیخواهد. اینکه میگویند شما سازگار باشید؛ یعنی شما با هر وضعیتی که هست و پیش آمده بسازید. معنای سازگاری این است: یعنی چیزهایی در زندگی پیش می آید. خب دو نفرند با هم تا حالا آشنایی نداشتند، زندگی نکردند، ممکن است فرهنگشان دو تا باشد. ممکن است عاداتشان دو تا باشد. اول ممکن است يك ناسازگاری هایی

ص: 114

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (64/7/2)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (78/4/9)

بینند، حالا اول ازدواج که نه آدم هیچ متوجه نیست. بعد از يك خرده که گذشت، ممکن است يك ناسازگاریهایی حس کند، آیا باید اینجا از هم سرد شوند و بگویند: این مرد یا این زن دیگر به درد من نمیخورد؟! نه! شما باید خودتان را با این مسأله تطبیق دهید. اگر چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید و اگر دیدید نه، کاری اش نمیشود کرد، خب با او بسازید. (1)

سازش و اجتناب از تشنج در خانواده

از هر چیزی که محیط خانواده را متشنج و دچار افسردگی و هیجانهای بی مورد نماید، اجتناب کنید. هم زن و هم مرد بنا بر سازش و همزیستی و همراهی بگذارند. آنچه در خانواده خیرات وجود دارد، مال زن و شوهر است و در نهایت مال فرزندان است، مال يك طرف نیست. رنجش مال هر دو طرف است. (2)

انصاف و عدم اسراف

زندگیتان را بر پایه ی اسراف قرار ندهید، زندگی را ساده قرار دهید. زندگی را آنطوری که خدای متعال میپسندد قرار دهید و از طیبیات الهی بهره مند شوید بر حسب اعتدال و عدالت. هم اعتدال و میانه روی و هم عدالت؛ یعنی ملاحظه انصاف را بکنید، ببینید دیگران چطوری اند. خیلی بین خودتان و دیگران فاصله درست نکنید. (3)

زن و مرد؛ هر دو مأمور به عدالت و انصاف

دخترها و پسرها با هم بسازید. اینجا جای سازگاری است. ما با سازش در خیلی جاها مخالفیم، اما در اینجا معتقدیم باید بسازید، کوتاه بیایید. البته دو طرف باید کوتاه بیایند؛ اما زن برای آن طبیعت منعطف و نرم و ظریفی

ص: 115

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (76/9/6)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (76/7/30)

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (72/3/8)

که دارد، راحتتر میتواند سازگاری نشان دهد. این معنایش این نیست که حالا مردها اگر هر هارت و هورتی کردند و جایی کردند، آدم بگوید که زن باید بسازد؛ نخیر، مردها هم مأمور به عدالت و انصاف هستند. با هم بسازید. آن چهره ی ایده آل همسر که در ذهن جوانان غالباً نقش میندد، در دنیا وجود ندارد. (1)

وظیفه ی زن و مرد؛ دقت در حلال و حرام کسب مال

بعضی از مردها، پولهای حرام به دست می آورند. زنها به مجرد اینکه فهمیدند پولی از راه نامشروع پیدا شده، با روشها و سیاستهای بسیار ظریف و زیرکانه ی زنانه، مردها را وادار کنند که از مال حرام دست بردارند. البته گاهی هم به عکس است؛ یعنی زن، مرد را که اهل ارتکاب کار حرام برای کسب مال نیست، وسوسه، تشویق و حتی مجبور به این کار میکند؛ بنابراین زنهایی هستند که مردها را اهل بهشت میکنند؛ زنهایی هم هستند که مردها را اهل جهنم میکنند. همینطور مردهایی هستند که زنها را خودشان را بهشتی میکنند؛ مردهایی هم هستند که زنها را جهنمی میکنند. اینکه میگوییم یکدیگر را حفظ و به هم کمک کنید؛ یعنی اینکه یکدیگر را بهشتی کنید. این مهم در محیط کوچک خانواده، جزو وظایف زن و شوهر است. (2)

چگونگی شکر نعمت ازدواج؛ رفتاری خداپسندانه

شکر، فقط گفتن «الهی شکر» و سجده ی شکرکردن نیست؛ شکر نعمت این است که انسان نعمت را بشناسد. بداند که این نعمت را خدا به او داده و استفاده از آن نعمت و رفتار با آن نعمت را که خدا میپسندد، انجام دهد. این معنای شکر نعمت است. اگر چنانچه «شکراً لله» بگویند اما دلتان با مفاهیمی که گفتم آشنا نباشد، این شکر نیست.

ص: 116

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (81/7/11)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (82/2/28)

ازدواج هم يك نعمت خدادادی است، خدای متعال این همسر خوب را برای شما فراهم کرده است، پس باید به شایستگی شکر این نعمت را بجا آورید. (1)

اهتمام همسران به تفاهم و درك متقابل

اصل مسأله ی ازدواج، عبارت است از تفاهم و انس و ات - سجاد دو موجود در زندگی با یکدیگر که این البته در اصل يك امر طبیعی است، لکن اسلام با پیرایه ها و تشریفات و آئینهایی که قرار داده و با احکامی که گذاشته برای ازدواج، يك استمرار و برکتی به آن داده است. زن و شوهر باید یکدیگر را درك کنند و بفهمند. این يك تعبیر اروپایی است ولی تعبیر خوبی است.

زندگی مشترك؛ یعنی آرامش، اطمینان و اعتماد

در زندگی مشترك، مرد باید به گونه ای رفتار کند که وقتی وارد خانه شد، همسرش احساس آرامش و اطمینان و اعتماد کند. اصلاً رفتارش طوری باشد که وقتی همسرش در خانه به ذهنش رسید که الان شوهرم از در وارد میشود، احساس آرامش به او دست دهد. زن هم باید بگونه ای رفتار کند که وقتی مرد میخواهد وارد محیط خانواده شود، از تصور اینکه همسرش منتظر اوست، احساس خرسندی و آرامش کند. زن و مردی که با هم ازدواج میکنند، باید اینگونه زندگی کنند. اتخاذ چنین روشهایی در زندگی مشترك، بسیار آسان است و اینطور نیست که نشدنی باشد. (2)

وظایف مرد نسبت به همسر

از طرف مرد وظیفه اینطور است که ضرورتهای زن را درك کند، احساسات او را بفهمد، نسبت به حال او غافل نباشد و خود را صاحب

ص: 117

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (79/1/16)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (82/2/28)

اختیار مطلق العنان او در خانه نداند. زن و شوهر دو نفرند، دو شریکند، دو رفیقند، هر کدام يك وسعی از لحاظ فکری و روحی دارند. مرد باید به زن کمک کند تا عقب ماندگی هایی را که در جامعه ی ما دارند، جبران کند. البته مراد از این عقب ماندگی ها، آن چیزهایی نیست که امروز به تقلید از فرنگیها در جامعه ی ما مطرح میشود، بلکه مراد معرفت است، مراد تحصیلات است، مراد پیدا شدن روح اندیشه و تأمل و فکر در زن است، مراد اینهاست که هر چه مرد بتواند باید در این زمینه به همسرش کمک کند. اگر زن میخواهد کاری انجام بدهد یا در فعالیتهای اجتماعی سهیم باشد، در حد اقتضای وضع زندگی خانوادگی، مانع او نشود. (1)

در خانواده هی گفته میشود نقش زن. دلیلش هم واضح است؛ چون زن در خانواده عنصر محوری است. اما اینچور نیست که مرد در خانواده وظیفه و مسؤولیت و نقشی نداشته باشد. مردهای بیخیال، مردهای بی عاطفه، مردهای عیاش، مردهای قدرشناس زحمات زن خانه، اینها به محیط خانه لطمه میزنند. مرد باید قدر دان باشد. (2)

مراقبت از زن مانند گل

در داخل خانواده هم از نظر اسلام مرد موظف است که زن را مانند گلی مراقبت کند. میفرماید: «الْمَرْأَةُ رَيْحَانَةٌ (3)»؛ زن گل است. این مربوط به میدانهای سیاسی و اجتماعی و تحصیل علم و مبارزات گوناگون اجتماعی و سیاسی نیست. این مربوط به داخل خانواده است. «الْمَرْأَةُ رَيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ (4)»؛ این چشم خطابینی که گمان میکرد زن در داخل خانه موظف به انجام خدمات است، این دید را پیغمبر با این بیان تخطئه کرده است. زن مانند

ص: 118

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (75/2/10)

2- . در سومین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

3- . بحار الانوار، ج 100، ص 253

4- . همان

گلی است که باید او را مراقبت کرد، با این چشم باید به این موجود دارای لطافت‌های روحی و جسمی نگاه کرد. (1)

مرد؛ تأمین کننده ی معیشت خانواده

قرآن میفرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ (2)»؛ یعنی سرپرستی امور خانواده به عهده ی مرد است. مرد باید برود کار کند. معیشت خانواده به عهده ی اوست. زن هر چه ثروت دارد مال خودش است. اما معیشت خانواده بر دوش او نیست. (3)

وظیفه ی مرد در برابر عواطف و احساسات زن

توصیه ی اول من در مورد خانواده هاست. این خواهران عزیز، که همسران و فرزندان شما هستند، در اجر و ثواب معنوی شما شریک و سهیمند؛ چون رنج دوری و نگرانی شما و رنج غربت را میکشند و این رنجها همه نزد خدای متعال اجر دارد. هیچ سختی و دشواری ای نیست که در مقابل آن، در خزانه عطا و رحمت الهی، یک چیز ارزشمندی وجود نداشته باشد؛ خب، از این بالاتر نمیشود.

شما از خانه که بیرون میروید، این خانم در داخل خانه نگران شماست. این نگرانی و دغدغه، رنج بزرگی است. چنانچه از استانهای دیگر به اینجا آمده باشید، تحمل محیط ناآشنا و غریب، این نگرانی و دغدغه را مضاعف میکند؛ این سختی هم نزد خدای متعال اجر دارد. خب، حالا که نزد خدای متعال، زحمت این خانمها، همسران، فرزندان و مادران شما - چنانچه همراهتان هستند - اجر دارد، آیا شما در قبال این دغدغه ها، وظیفه ای ندارید؟ اینکه بگوییم اجرش با خداست، تمام میشود؟ نه، شما وظیفه ی سنگینی دارید. من میخواهم به یکایک شما عزیزانی که در این بخشهای

ص: 119

1- . در دیدار با گروه کثیری از زنان (79/6/30)

2- . سوره ی نساء، آیه ی 34

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (79/6/28)

دشوار خدمت میکنید، به خصوص توصیه کنم اگر دیگران هر قدر نسبت به خانواده های خود رسیدگی، خوش رفتاری و حُسن معاشرت دارند، شما باید دو برابر آنها خود را مقید به این اعمال کنید. من شنیده ام گاهی بعضی از برادران خوب ما که مشغول چنین فعالیت‌های دشواری هستند و اعصابشان خسته است، در داخل خانه، با همسرشان معاشرت مطلوبی ندارند؛ نه، این را ما نمی‌پسندیم. ببینید چقدر اهمیت دارد که خدای متعال به صورت مطلق می‌فرماید: «وَعَاشِرُ رُوْهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ (1)». وقتی این زحمتی که آن خانم متحمل میشود، سنگین است، وظیفه ی شما هم سنگینتر میشود. آنها مرکز عواطف و احساساتند. زن مجموعه ای از عواطف و احساسات حساس در وجودش هست. شما حق ندارید به این عواطف و احساسات، بی اعتنا باشید یا خدای نکرده متعرض شوید. (2)

رعایت نظر و نیازهای روحی خانم

مرد نباید خیال کند چون میرود توی کوچه و بازار و با این و آن سروکله میزند و یک شاهی صَنّار پول می آورد خانه، همه چیز دیگر مال اوست؛ نه! آنچه او می آورد نصف موجودی همه ی این خانواده است. نصف دیگر این خانم است. اختیارات خانم، کدبانویی خانم، رأی و نظر و نیازهای روحی خانم، اینها را باید رعایت کند. اینطور نباشد که مرد چون در دوران مجردی ساعت 10 شب می آمده خانه ی پدر و مادرش، حالا هم که زن گرفته، اینطور ادامه بدهد! حالا باید ملاحظه ی همسرش را بکند. (3)

زن؛ سوگلی خانه، نه پادوی مرد

به سراغ خانه که رفتیم، آنجا سوگلی خانه زن است، پادوی خانه مرد است. اینجور است دیگر، حالا زن‌ها میگویند نه ما میخواهیم پادو باشیم،

ص: 120

1- . سوره ی نساء، آیه ی 19

2- . در دیدار پرسنل استان سیستان و بلوچستان (81/12/7)

3- .. در مراسم اجرای صیغه ی عقد (73/9/2)

خیلی خب بروید شما پادو باشید، کسی نمیگوید نه. البته این کار مهمتر است، این کار اصلیتراست. (1)

عدم زورگیری و حتی مالکیت

همانقدری که شما در محیط خانواده ذیحق هستید او هم ذیحق است. نباید به زن زور بگویید و تحمیل کنید؛ چون به حسب جسم، او ضعیفتر است، بعضیها خیال میکنند که بله، حالا باید زور بگویند، صدایشان را کلفت کنند، دعوا کنند و تحمیل کنند. (2)

عدم تحقیر همسر

ظلم، تبعیض و اهانت، در هر حالی غلط است. اگر شما عالیتترین مرد دنیا باشید و زن شما مثلاً از لحاظ سواد و معلومات و... یک خانم کم سواد باشد، یا از یک خانواده ی پایینی باشد، شما حق کمترین ظلم و اهانت را به او ندارید. این البته فقط مخصوص ما نیست. این اروپایی های اُدکلن زده ی اتوکشیده، گاهی خیلی بدتر از جوامع ما به این موجودات ظلم میکنند. مرد حق ندارد ولو بالاتر از زن باشد - به زنش جفا کند. زن هم همینطور. گاهی زن، یک خانم باسواد تحصیلکرده است که مثلاً حالا با یک مرد کارگری ازدواج کرده است. او هم حق ندارد مرد را تحقیر کند. مرد، باز هم برای او نقطه ی اتگایی است. باید به او تکیه کند. باید او را از لحاظ روحی چنان حفظ کند که بشود به او تکیه کرد. این، خانواده ی سالم است. اگر خانواده را اینطوری تشکیل دادید، بدانید که یک رکن اساسی سعادت خودتان را تأمین کرده اید. (3)

ص: 121

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (62/12/5)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (73/12/11)

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (78/12/22)

شوهر؛ تکیه گاه مطمئن و آرامش بخش زن

زن هم در کشاکش زندگی زنانه ی خود، با بحرانیها و با تلاطمهایی مواجه میشود. چه در محیط بیرون از خانه مشغول تلاش و فعالیت و کارهای گوناگون سیاسی، اجتماعی و... باشد یا در داخل خانه مشغول باشد که زحمت و اهمیتش کمتر از کار بیرون نیست. حالا زن در این کشاکش به تلاطمهایی برخورد میکند و چون روح او ظریفتر است، بیشتر به آرامش، به آسایش، به تکیه کردن به یک شخص مطمئن احتیاج دارد. او کیست؟ او شوهر است. (1)

قیومت مرد؛ سر الهی برای کنترل و عفاف خانواده

حفظ عصمت و عفت دختر، زن جوان توی منزل شوهرش، جزو مهمترین چیزهاست. البته اینجور نیست که حالا- ما که گفتیم شما به شوهرتان خدمت کنید به زنها معنایش این باشد که شوهرها خیال کنند که آره این زن آمده که توی خانه، برای او محیط خانه را مثلاً درست کند. جارو کند، پارو کند، مرتب کند - نمیدانم - اتو بکشد، فلان کند تا این آقا بیاید اینجا نه، نخیر. چنین وظایفی به گردن شماها نیست این را بدانید، بر شماها واجب نیست. نه غذاپختن واجب است، نه لباس شستن واجب است، نه جاروکردن واجب است، البته خوب یک زن خوب، توی خانه این کارها را خودش میکند، نمیماند که بیاید شوهر خودش لباس خودش را اتو بزند، خوب باید بکند دیگر. یک رابطه ی دوستانه است، اما یک تکلیف شرعی نیست. تکلیف شرعی فقط این است که حرف این را گوش کنید، وقتی گفت از خانه بیرون نرو، نباید بروی بیرون، این تکلیف است. در همین مورد هم هست، یعنی عمده ترینش این است. اگر شما پول داشته باشید شوهر بگوید که پولت را بده من خرج کنم، وظیفه تان این نیست. پولت را به فلانی نده وظیفه تان نیست که گوش کنید حرفش را. نه، پولت

ص: 122

مال خودت است، اموالت مال خودت است، مهریه ای که به شما می‌دهد مال خودت است، اینها. اما اگر گفت شما از خانه بیرون نرو، خانه ی پدرت نرو، باید نروی. از خانه بیرون رفتن با اجازه ی شوهر؛ این است. البته شما شوهرها هم بدانید که این حقی که خدای متعال داده برای کنترل بر عفاف و عصمت و نظم شرعی و خانوادگی صحیح است، برای این است، برای سختگیری و زیر فشار گذاشتن نیست، برای این است که زن يك نظارت و کنترلی از طرف شوهر داشته باشد؛ این به درد هر دویشان می‌خورد - هم به درد شوهر می‌خورد، هم به درد زن می‌خورد - و این سرّی از آن اسرار الهی است که این را که به آن خیلی توجه کنید، خیلی ارزش دارد و اهمّیت هم دارد. (1)

عدم افراط و تفریط در تبعیت زن از مرد

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (2) معنایش این نیست که زن بایستی در همه ی امور تابع شوهر باشد. نه! یا مثل برخی از این اروپا ندیده های بدتر از اروپا و مقلد اروپا، بگوئیم که زن بایستی همه کاره باشد و مرد باید تابع باشد. نه این هم غلط است. بالاخره دو تا شریک و دو تارقیق هستید. يك جا مرد کوتاه بیاید، يك جا زن کوتاه بیاید. یکی اینجا از سلیقه و خواست خود بگذرد، دیگری در جای دیگر، تا بتوانید با یکدیگر زندگی کنید. (3)

ترازوی برابر در قوامیت مرد و ریحانه بودن زن

اسلام مرد را قوام (4) و زن را ریحان (5) میدانند. این نه جسارت به زن است و نه جسارت به مرد. نه نادیده گرفتن حق زن است و نه نادیده گرفتن حق مرد؛

ص: 123

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (63/2/14)

2- . سوره ی نساء آیه ی 34

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (77/1/19)

4- . الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ. سوره ی نساء، آیه ی 34

5- . الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ، بحار الانوار، ج 100، ص 253

بلکه، درست دیدن طبیعت آنهاست. ترازوی آنها هم اتفاقاً برابر است؛ یعنی وقتی جنس لطیف و زیبا و عامل آرامش و آرایش معنوی محیط زندگی را در يك کفه میگذاریم، و این جنس مدیریت و کارکرد و محلّ اعتماد و اتکا بودن و تکیه گاه بودن برای زن را هم در کفه ی دیگر ترازو میگذاریم، این دو کفه با هم برابر میشود. نه آن بر این ترجیح دارد و نه این بر آن. (1)

نه زن سالاری و نه مردسالاری

يك مدّتی در غرب خیال میکردند مردها اربابند، زنهایشان را فحش میدادند، يك كتك هم میزدند، بی احترامی میکردند، از او اصلاً نظرش را نمیپرسیدند، رأیش را نمیخواستند. خب، این غلط بود، خطا بود. بعد يك مدّتی اروپاییها و فرهنگ اروپایی و غربی آمد. دستپاچه، دستپاچه زنها را اسیر به عکس کردند. بعضی از مردها مینشستند در خانه هاشان، در محیطهای البتّه خیلی فرهنگی مآب خراب شده ی باطل شده، مینشستند شبها بچه را نگه میداشتند، از اداره که برگشته بودند که خانمها بروند شب مهمانی، اینجوری. مبل خانه را بایستی خانم بخرد، انتخاب کند. فرش خانه را باید خانم بخرد. اگر هم پول ندارد، دندش نرم، چشمش چهار تا مرد باید فراهم بکند. این هم از آن طرف شد، قبلاً مردسالاری بود، بعد شد زن سالاری. زنها شدند سوار، نه هر دویش غلط است. (2)

حقّ زن بر مرد

در مورد زن، حقّ زن بر گردن مرد این است که مرد به او ظلم نکند، فشار بر زندگی او وارد نیاورد، بداخلاقی با او نکند، احترام او را حفظ کند، حیثیت و شأن يك انسان بعنوان يك انسان مسلمان را در او کاملاً حفظ کند. خیال نکند مرد که زن مطیع اوست، هر چه که او گفت باید زن از او اطاعت کند. خودکامگی و خودرأیی در داخل خانه نداشته باشد. بداند که

ص: 124

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (79/12/22)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (62/12/5)

زن و او دو نفر شریکند که زندگی را باید با همدیگر اداره کنند و چرخ زندگی را با هم بچرخانند. (1)

اهتمام به حفظ محیط خانواده بر عهده ی کدبانوی خانه

در چند مسأله ی اختصاصی شخصی، امتیازاتی به زن داده شده است، در چند مسأله، امتیازاتی به مرد داده شده؛ آن هم بر اساس اقتضای طبیعت زن و مرد؛ این اسلام است؛ متینترین، منطقیترین، عملیترین قوانین و حدود و مرزهایی که ممکن است انسان در زمینه ی مسأله ی جنسیت فرض کند. باید دنبال این راه رفت؛ یکی از اساسیترینش تشکیل خانواده است، یکی از اساسیترینش اهتمام به حفظ محیط خانواده و انس خانوادگی است؛ که این به عهده ی کدبانوی خانه است. (2)

نقش مثبت و منفی زن در همسر داری

زن باید ضرورت‌های مرد را درک کند و بر او فشار روحی و اخلاقی وارد نسازد. کاری نکند که او در امر زندگی مستأصل شود و خدای ناکرده متوسل به راه‌های خلاف و نادرست شود. باید او را به ایستادگی و مقاومت در میادین زندگی تشویق کند و اگر چنانچه کار او مستلزم این است که مثلاً نمیتواند يك مقداری به وضع خانواده رسیدگی کند، این را مرتب به رخ او نکشد. (3)

مفید بودن مرد در جامعه؛ مستلزم وجود همسر خوب در خانه

مسأله ی همسری، مسأله ی مادری، اینها همه اش باید تفکیک شود. زن در خانواده يك نقش همسری دارد؛ این نقش همسری، فوق العاده است؛ ولو

ص: 125

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (64/7/2)

2- . در دیدار جمعی از مداحان (92/2/11)

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (75/2/10)

اصلاً مادری ای وجود نداشته باشد. فرض کنید زنی است؛ یا مایل نیست به زایمان، یا به هر دلیلی امکان زایمان برایش وجود ندارد؛ اما همسر است. نقش همسری را نباید دست کم گرفت. ما اگر می‌خواهیم این مرد در داخل جامعه یک موجود مفیدی باشد، باید این زن در داخل خانه همسر خوبی باشد؛ والا نمیشود. (1)

اگر مرد خانه، فعالیت‌های چه عملی و چه جهادی و سازندگی و چه برای کسب روزی و چه برای کارهای عمومی دارد، زن سعی کند فضای خانه را برای او مساعد کند که او بتواند با روحیه‌ی خوب سر کار برود و با شوق به خانه برگردد. (2)

همه‌ی مردها دوست دارند وقتی وارد خانه شدند، خانه به آنها آرامش و امنیت بدهد و احساس راحتی و آسودگی کنند. این وظیفه‌ی زن است. (3)

همدلی با شوهر در همه‌ی سختیها، حرکت در مسیر تقرب الی الله

در راه تعالی و کمال حقیقی بشر که تقرب الی الله و تخلّق به اخلاق الله و تهذیب نفس و تبدیل شدن به نور در نشئه‌ی مادی است: «فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ»؛ انسان باید برای اینها کار کند و در این راه به کمک دیگران هم بشتابد. این راه طولانی است و پیچ و خم هم زیاد دارد؛ اگرچه صراط مستقیم است و شیوه‌های گوناگون دارد. با دل خواستن هم درست نمیشود؛ باید دل همراه با همت و تلاش و اقدام وارد میدان شود. در این زمینه‌ها شما دختر خانم به شوهر جواتان کمک کنید. مثلاً اگر درس می‌خواند تا معلوماتی پیدا کند و از آن معلومات مردم استفاده کنند، به او در این راه کمک کنید؛ اگر کار خیری میکنند کمک کنید؛ اگر در یک مبارزه‌ی سیاسی عادلانه و نجیبانه و بحق

ص: 126

1- . در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

2- . در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (73/9/2)

3- . در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (78/1/24)

فَعَالِيَّتْ ميکنند، به کمکش بشتابید. اگر در جهت تقویت دین تلاش میکنید، به او کمک کنید؛ اگر میخواهد در اعتکاف شرکت کند، با او همراهی کنید؛ اگر يك مسافرت لازم و یا مأموریت سختی برایش پیش آمد، به او کمک کنید. در دوره ی رژیم طاغوت، بعضی زنها به ملاقات زندانیا که می آمدند، بنا میکردند به آه و ناله تو که نیستی، ما پول که نداریم، نان که نداریم، کسی که به ما محلّ نمیگذارد، بچه ها بابایشان را میخواهند، مدرسه اینطور گفته... آن بیچاره خودش هزار تا مشکل داخل زندان داشت، دلش را از قضایای بیرون پر از خون میکردند و طبعاً اراده اش سست میشد. اگر همانجا هم تصمیم نمیگرفت که بگونه ای خودش را با نوشتن توبه نامه از گیر زندان خلاص کند، مطمئناً برای نوبت بعد که میخواست اقدام مهمّی بکند، دست و پایش میلرزید. بعضی زنها اینطور نبودند. به ملاقات که می آمدند، شوهر زندانی از آنها میپرسید: خب، چطوری؟ میگفت: خیلی خوب. مشکل مالی نداری؟ میگفت: نه خیلی هم خوب است. بچه ها کسالتی چیزی ندارند؟ چرا نیاوردیشان؟ میگفت: داشتند بازی میکردند، خوش بودند، گفتم اذیتشان نکنم. بعد معلوم میشد که بچه يك ماه ناخوش بوده است. این زن نمیگذاشت شوهر داخل زندان حتی ناخوشی بچه را بفهمد که مبادا نگران شود. شوهر میپرسید: خودت چطوری؟ و زن جواب میداد: خیلی خوب و سرحالم. در حالی که خود زن احتیاج به مراقبت داشت. ما اینطوری هم داشتیم. اینها همه کمک است. بعد از انقلاب طور دیگری پیش آمد. بعضی زنها چسبیدند به شوهرها که چی به دست آوردی؟ فلان کس خانه دار شد، ماشین دار شد، صندلی قرمز مجلس گیرش آمد، فلان مسؤولیت را به او دادند، آنجا احترامش میکنند، سفر خارجی مرتّب دارند. تو چی؟ يك بی عرضه ی به تمام معنی! بعضی از خانمها متأسّفانه، شوهرهایشان را اینطور خطاب میکنند. شوهر هم یکی دو بار دعوا میکند، اوقات تلخی میکند، از خودش دفاع میکند، آخرش خلع سلاح میشود! (1)

ما در دوران مبارزه و بعد از دوران مبارزه، دوران پیروزی انقلاب،

ص: 127

آزمایش کردیم؛ مردانی که همسران همراه داشتند، هم در مبارزه توانستند پایدار بمانند، هم بعد از انقلاب توانستند خطّ درست را ادامه بدهند. البته عکسش هم بود. من گاهی به این دخترها و پسرهایی که می آمدند خطبه ی عقدشان را میخواندم - آن وقتهایی که میخواندم؛ حالا که توفیق ندارم - میگفتم خیلی از خانمها هستند که شوهرهایشان را اهل بهشت میکنند؛ خیلی خانمها هم هستند که شوهرانشان را اهل جهنّم میکنند؛ دست آنهاست. البته مردها هم عیناً همین نقش را دارند. در باب خانواده، نقش مردها را هم بایستی نادیده نگرفت. بنابراین نقش همسری، يك نقش بسیار مهمی است. بعد هم نقش مادری است. (1)

در همه ی شخصیت‌های مبارز و کسانی که در راه‌های دشوار حرکت کردند بایستی نقش همسران آنها مورد توجه قرار بگیرد که نقشی بسیار بسیار بزرگ و با عظمت است. (2)

وظیفه ی خطیر شوهرداری؛ شعبه ای از جهاد اکبر

«جهاد المرأة حسن التبعل (3)»؛ یعنی ثواب مجاهدت آن جوانی را که رفته توی میدان جنگ و جان خودش را کف دستش گرفته، به خاطر این کار، به این زن میدهند؛ چون این کار هم زحمتش کمتر از آن نیست. البته شوهرداری خیلی سخت است. با توقعاتشان، با انتظاراتشان، با بداخلاقیهایشان، با صدای کلفتشان، با قد بلندترشان؛ خب، زنی بتواند با این شرایط، محیط خانه را گرم و گیرا و صمیمی و دارای سکینه و آرامش - ساکن - قرار بدهد، خیلی هنر بزرگی است؛ این واقعاً جهاد است؛ این شعبه ای از همان جهاد اکبری است که فرموده اند؛ جهاد با نفس است. (4)

ص: 128

1- . در سوّمین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

2- . در کنگره ی جهانی زن (66/11/17)

3- . کافی، ج 5، ص 9

4- . در سوّمین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

نفوذ هوشمندانه ی زن با ملایمت، تحمل و خوشرویی

زن يك وظایفی دارد که عاقلانه باید آن وظایف را تشخیص دهد. زنها بدانند که اگر زنی، عقل و هوشمندی به خرج دهد، مرد را اداره خواهد کرد. درست است که مرد از لحاظ هیكل قویتر است، اما خدای متعال طبیعت زن را طوری آفریده که اگر زن و مرد، طبیعی و سالم باشند و زن عاقل باشد، کسی که در دیگری بیشتر نفوذ دارد، زن است که البته با زرنگی به خرج دادن و رندی کردن و تحکم و زورگویی نمیتوان به آن رسید. بلکه با ملایمت، استقبال خوب، خوشرویی، يك مقدار تحمل کردن - البته اندکی؛ خیلی هم لازم نیست تحمل کند - که خدای متعال در طبیعت زن، این تحمل را قرار داده است، زن باید با شوهر خود اینطور برخورد کند. (1)

سختگیری زن، مایه ی اذیت شوهر

بعضی از زنها نسبت به مردها سختگیری میکنند، مثلاً باید این را حتماً بخری! باید اینجور خانه ای حتماً فراهم کنی! فلان کس اینطور خریده، من اگر نخرم مایه ی سرشکستگی میشود. با این حرفها شوهر خود را اذیت میکنند که این درست نیست. (2)

ص: 129

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (72/3/19)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (74/5/18)

رابطه ی دوستی و مهربانی

مهمترین چیزی که بشر به آن احتیاج دارد، آرامش است. سعادت انسان در این است که از تلاطم و اضطراب روحی در امان و آرامش روحی داشته باشد. این را خانواده به انسان میدهد؛ هم به زن و هم به مرد.

رابطه ی درست زن و مرد این است: مودت و رحمت، رابطه ی دوستی، رابطه ی مهربانی؛ هم یکدیگر را دوست بدانند و به هم عشق بورزند و هم با یکدیگر مهربان باشند. عشق ورزیدن همراه با خشونت مورد قبول نیست؛ مهربانی بدون محبت هم مورد قبول نیست. (1)

زن و شوهر عاشق؛ پناه یکدیگر

انسان در تلاطمهای زندگی که ناشی از برخوردهای ناگزیر است، به دنبال يك فرصت میگردد تا به آن پناه برد. اگر يك زوج باشند، در این تلاطمها به یکدیگر پناه میبرند، زن به شوهرش پناه میبرد و شوهر هم به زنش پناه میبرد. مرد در کشاکش زندگی مردانه ی خود، احتیاج به يك لحظه ی آرامشی دارد تا بتواند راه را ادامه بدهد. آن لحظه ی آرامش کی است؟ همان وقتی است که او در محیط سرشار از محبت و عطف خانوادگی خودش قرار میگیرد. با همسر خودش که به او عشق میورزد، با

ص: 133

اوست، در کنار اوست و با او احساس یگانگی میکنند. وقتی با همسر خود مواجه میشود، این همان لحظه‌ی آسایش و آرامش است. (1)

عشق؛ بالاتر از واقعیات زندگی

بالاتر از واقعیات زندگی، آرزوها و عشقها و احساسات انسانی در زندگی نقش دارند. نقششان هم نقش تبعی و درجه‌ی دوم نیست، بلکه نقش اصلی است و میتواند مناط (2) این بنای فخیم و بسیار مستحکم قرار بگیرد. این را چگونه باید تنظیم کرد؟ زن و مرد باید هر کدام جایگاه خودشان را بشناسند. مرد نسبت به زن و زن نسبت به مرد، نگاهی محبت‌آمیز و همراه با يك عشق پاك داشته باشند و این عشق را حفظ کنند؛ چرا که زائل شدنی است، مثل همه‌ی چیزهای دیگر. باید نگهش دارند و حفظ کند که زائل نشود. (3)

محبت؛ اساس خوشبختی

اگر در زندگی محبت وجود داشت، سختی‌های بیرون خانه آسان خواهد شد. برای زن هم سختی‌های داخل خانه آسان خواهد شد. (4) زن و شوهر باید به هم محبت بورزند. این اساس خوشبختی است. خوشبختی در این است که زن و شوهر همدیگر را دوست داشته باشند. (5)

در ازدواج، اصل قضیه محبت است. دخترها و پسرها این را بدانند. این محبتی را که خدا در دل شما قرار داده، حفظ کنید. (6)

ص: 134

1- . در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (81/6/6)

2- . مینا

3- . در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (78/12/22)

4- . در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (77/8/11)

5- . در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (77/1/19)

6- . در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (74/10/17)

شما اگر بخواهید به راه مستقیم بروید، باید موازین شرعی را رعایت کنید و اخلاق خانواده را که در شرع مقدس معین شده است، مهم بشمارید. اولش همین است که قدر این کانون جدید را بدانید. بعضیها وقتی ازدواج میکنند، نمیفهمند چه اتفاقی افتاده؛ انگار که مثلاً به مجلس دیگران رفته اند! جشن و میهمانی، حکم هوای تازه و یک شادی زودگذر را دارد. بعضی عروسی خودشان را مثل یک میهمانی میدانند؛ درحالیکه اینطور نیست. با ازدواج تعهداتی به وجود می آید. البته در کنار این تعهدات، نعمتها و برکاتی هم برای زندگی انسان ردیف میشود که این تعهدات را شیرین میکند. اولش این است که زن و شوهر بر اساس ساخت طبیعی خدایی شان، یعنی آن قواره ای که خدا برای زن و مرد به وجود آورده، وقتی که با هم محرم شدند و یک زوج را تشکیل دادند، همدیگر را تکمیل میکنند. اولین اثرش هم سکونت و آرامش است. «وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا(1)»، «یسکن» یعنی چه؟ یعنی ما در زندگی تلاطمها و اضطرابهایی داریم که گاهی انسان را از جا میکند. وقتی که زن احساس میکند شوهرش همراهش است و به او تکیه دارد؛ و وقتی شوهر احساس میکند که زنش همراهش است و در هاله ی محبت او قرار گرفته، این تلاطمها تبدیل به آرامش میشود. این همان «سکن» است. اگر با هم مهربان باشید و اگر با هم به شرایط درست عمل کنید، این حالت سکن از همین اول عمر ازدواج تا ان شاءالله هشتاد، نود سالگی که عمر خواهید کرد، ادامه خواهد داشت. گاهی هم ممکن است اختلاف سلیقه ای پیش آید؛ اینها اهمیتی ندارد؛ اینها مانع از آن حالت آرامش نیست. زن وقتی در خانه را به روی شوهر میگذارد، شوهر احساس دلگرمی میکند و خستگی را از یاد میبرد. مرد وقتی که از محیط پرغوغای کار - کار اداری، تجاری و یا هر کار دیگری - خودش را جدا کرد و به خانه رساند و همسر مهربانش را با لبخند و شوق در مقابل خودش دید، خستگی از تنش بیرون

ص: 135

می‌رود. این را شما خانمها بدانید؛ وجود شما آن تحوّل را در روحيّات مرد بوجود می‌آورد که گاهی هیچ عاملی نمیتواند آن تحوّل را ایجاد کند. شما میتوانید دل مرد را گرم کنید و به او امیدواری به زندگی و شوق ادامه ی کار بدهید. اصلاً این توان در شما هست که در وجود مرد نیرو بدمید. وجود شما اینقدر مهم است. مرد هم نسبت به زن همین است. حالا مرد گاهی ممکن است مثلاً اخم آلود وارد خانه شود. اگر زن قدری عقل و پختگی اش بیشتر باشد و از اخم او جا نخورد و لبخند نشان دهد و در مقابل محبّت بورزد، یواش یواش با افسون محبّت، میتواند گره اوقات تلخی و بداخلاقی مرد را باز کند، و ببیند که او چه احتیاج داشت. من این حرفی که می‌گوییم، خواهش میکنم مردها نشنوند؛ چون ممکن است بدشان بیاید! شما خانمها این را بدانید: آقایان تا آن آخر هم مثل يك بچه پسر هستند و باید

شما اداره شان کنید! البته اگر این حرف از زبان ما به گوش مردها برسد، لابد از ما گله خواهند کرد. واقعاً خانمها باید این بچه پسری را که حالا ریشش هم بعد از پنجاه، شصت سال زندگی سفید شده، اداره کنند! (1)

محبّت؛ عامل ماندگاری و سازگاری خانواده

در استحکام بنیان خانواده، خود زن و شوهر بیشترین نقش را دارند. با گذشت خودشان، با همکاری خود، با مهربانی و محبّت و اخلاق خوب خودشان - که از همه مهمتر هم محبّت است - میتوانند این بنا را ماندگار و این سازگاری را همیشگی بکنند. (2)

ماندگاری خانواده در گرو تدبّین و محبّت

در بنا و تشکیل خانواده و در حفظ خانواده، باید این احکام اسلامی را رعایت کرد تا خانواده باقی بماند؛ لذا شما در خانواده های متدبّین که زن

ص: 136

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (81/7/11)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (79/11/17)

و شوهر به این حدود اهمیت میدهند، میبینید که سالهای متمادی با هم زندگی میکنند. محبت زن و شوهر به یکدیگر باقی میماند و جدایی شان از هم سخت است و دل در گرو محبت یکدیگر دارند. این حسن و این محبت‌هاست که بنای خانواده را ماندگار میکند و لذا اسلام به این چیزها اهمیت داده است. (1)

صمیمیت و محبت؛ کمر بند حفاظ خانواده در جوامع شرقی و اسلامی

در کشور ما و در بسیاری از جوامع شرقی، به خصوص جوامع اسلامی، هنوز کمر بند خانواده محفوظ است. آن پیوند خانوادگی، بحمدالله هست. آن صمیمیت و صفا و محبت هست. زن دلش برای مرد خود میتپد، مرد هم دلش برای زن خودش میتپد، یکدیگر را از اعماق دل دوست دارند و زندگی صمیمی دارند. در جاهای دیگر این چیزها خیلی کم است. در کشورهای ما به خصوص در ایران، زیاد است. این را تأمین کنید. (2)

محبت؛ عامل انس و وفاداری

دختر و پسر، عروس و داماد به هم محبت بورزند؛ چون محبت آن ملاطی است که اینها را برای هم حفظ میکند، در کنار هم نگه میدارد و نمیگذارد از هم جدا شوند. محبت خیلی چیز خوبی است. محبت که بود، وفاداری هم هست. بی وفایی و بی صفایی و خیانت به یکدیگر، دیگر نخواهد بود. محبت که بود، فضا، فضای انس میشود. فضای قابل تحمل و مورد استفاده و شیرین ایجاد میگردد. (3)

محبت؛ عامل پایداری و آبادی خانواده

محبت، خانواده را پایدار میکند. محبت مایه ی آبادی زندگی است.

ص: 137

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (79/12/23)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (80/1/2)

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (76/9/24)

کارهای سخت به برکت محبت برای انسان آسان میشود. در راه خدا هم اگر انسان با محبت وارد شود، همه ی کارها آسان خواهد شد. مشکلات آسان خواهد شد. محبت دستوری و فرمایشی و سفارشی نیست؛ دست خود شماست. شما میتوانید محبت خودتان را روز به روز به همسران زیاد کنید. چطوری؟ با اخلاق خوب، با رفتار مناسب، با محبت ورزیدن به او، با وفاداری. (1)

محبت؛ آسان کننده ی همزیستی

این رابطه ی انسانی، بر اساس محبت و رابطه ی عاطفی استوار است. یعنی زن و شوهر باید به هم محبت داشته باشند و همین محبت، همزیستی آنها را آسان خواهد کرد. محبت هم به پول و تشریفات و این چیزها بستگی ندارد. (2)

وقتی محبت باشد، از محبت خارها گل میشود. اگر چیز ناخوشایندی هم در همسر وجود داشته باشد، وقتی محبت بود، آن چیزهای ناخوشایند، بکلی رنگ میبازد و محبت همه ی چاله ها را صاف میکند. (3)

رابطه ی عادلانه و محبت آمیز؛ جبران کننده ی دخالتها

اگر روابط زن و مرد با هم، کاملاً عادلانه و اسلامی و صحیح و محبت آمیز باشد، رفتار این و آن تأثیری نمیگذارد؛ یعنی تحصیلات این و آن، اصلاً جرأت و مجال وجود و حضور پیدا نمیکند. اشکال برمیگردد به رابطه ی زن و مرد و تعلقات گوناگونی که وجود دارد؛ که به ستم، به زن منتهی میشود. (4)

ص: 138

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (76/7/30)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (75/9/4)

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (78/1/15)

4- . در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (75/8/14)

عامل پایداری محبت و انس

نگه داشتن محبت به این است که زن و شوهر اعتماد یکدیگر را جلب کنند. اطمینان که پیدا شد، محبت، پایدار میشود و انس به وجود می آید. (1)

ابراز محبت بیشتر؛ عامل دریافت مکرر محبت

اگر بخواهید این محبت باقی بماند، به جای اینکه از طرف مقابلتان توقع کنید که او مرتب به شما محبت کند، از خودتان بخواهید که تراوش محبت او روز به روز بیشتر شود. محبت بطور طبیعی، محبت می آفریند. (2)

رعایت حقوق یکدیگر؛ عامل نفوذ معنوی و بقای محبت

محبت در صورتی خواهد ماند که طرفین حقوق یکدیگر و حدود خود را رعایت کنند و از آن تخطی و تجاوز نکنند؛ یعنی در واقع هرکدام از این دو طرف که دو شریک هستند و با هم زندگی را بنا میکنند، سعی کنند که جایگاه خود را در دل و ذهن و فکر طرف مقابل، جایگاه راسخ و نافذی قرار دهند؛ یعنی همان نفوذ معنوی، همان ارتباط و پیوند قلبی زن و شوهر. حقوق اسلامی برای این است. (3)

نتیجه ی کار زن در خانه؛ محبت و صفا بین زن و شوهر

زن و شوهرهای ما بحمدالله با همدیگر صفا هستند؛ یعنی اگر چنانچه مرد با اخلاق و با محبت و اینها رفتار میکند زن هم از خدا هم میخواهد، مینشینند زنها برای شوهرهایشان با چه زحمتی در طول شبانه روزهای متمادی، بافتنی میبافند میدهند شوهر تشش کند، خیلی هم خوب بسیار هم خوب است، دلیل محبت و دلیل صفای بین زن و شوهر است. این کارها، خیلی کارهای خوبی است، اشکالی هم ندارد. پس اینکه ما گفتیم تکلیف

ص: 139

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (74/9/28)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (79/7/19)

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (77/12/11)

زنها نیست که کار بکنند، معنایش این نیست که حالا- که کار نکنند. زنها بروند توی خانه اعتصاب کنند، بگویند ما دیگر نمی‌زیم، نمی‌شویم، نه، خب بالاخره خانه باید اداره بشود، شما نکردید، باید شوهر نرود کار کند، بنشیند توی خانه کار بکند دیگر، بالاخره باید با همدیگر کنار بیایند. (1)

بی توجهی به احساسات؛ عامل تضعیف محبت

اگر زن و شوهرها نسبت به احساسات یکدیگر بی‌اعتنایی و بی‌توجهی کنند و بتدریج حالت بی‌محبتی از یک طرف به وجود بیاید، چون بی‌محبتی مرضی مسری است، حتماً به آن طرف دیگر هم سرایت میکند. اینطوری است. نباید بگذارید، هر دو باید تلاش و کوشش کنید. این پایه‌ی اصلی است. (2)

غمخواری و راهنمایی

کمک واقعی این است که دو نفر غمها را از دل هم برطرف کنند. هر کسی در دوره زندگی اش، گرفتاری و مشکل و غمی پیدا میکند و ممکن است دچار ابهام و تردید بشود. آن دیگری در چنین موقعیتی، باید به کمک همسرش بشتابد و به او کمک کند. غم را از دل او بردارد. او را راهنمایی کند و اشتباه و خطای او را برطرف نماید. اگر میبیند از او خطایی سر میزند جلوی او را بگیرد. (3)

آراستن زن و شوهر برای همدیگر؛ سفارش معصومین (ع)

بعضیها هستند کج سلیقگی میکنند، برای شوهرهایشان آرایش نمیکنند، وقتی مهمانی میروند، آرایش میکنند، نه به عکس بکنید، برای شوهرش زن آرایش بکند، مرد هم برای زنش آرایش بکند، روایت دارد این یعنی

ص: 140

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (62/12/12)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (79/5/16)

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (78/9/2)

حدیث دارد، روایت دارد. امام فرمودند، به مرد فرمودند: که همچنانی که تو دوست میداری که همسرت برای تو آرایش کند تو هم برای همسرت آرایش کن، موهای ژولیده، نمیدانم ریش اصلاً اصلاح نکرده، سر و وضع کثیف، اینجوری نروند پهلوی زنهایشان. خب ممکن است سر کار انسان يك خرده ای نامنظم بشود، بعد خودش را منظم بکند، برود پهلوی زنش هم همینطور است. آرایش که من میگویم اینجور آرایشها را نمیگویم اینها خوب است، پیغمبر فرمود: که سرهایتان را شانه بزنید، به زن و مرد هر دو، حالا بعضی از زنها اصلاً سرشان را شانه نمیزنند، بعضی از مردها اصلاً سرشان را شانه نمیزنند خیلی هم بد است. فرمود: موی خوب از چیزهایی است که خدا لطف کرده به يك کسی موی خوب داده، يك موی خوشرنگ، يك موی پرپشتی، این مورا عزیز بدارید، گرامی بدارید، یعنی چه گرامی بدارید؟ یعنی معطرش کنید، مرتبش کنید، شانه کنید، مرتبش کنید، اینها دیگر اشکالی ندارد. ما با این چیزها مخالف نیستیم، خیلی هم موافقیم. (1)

غریزه ی جنسی؛ وسیله ی استحکام زندگی

اسلام همین غریزه ی جنسی را پشتوانه ی بنای خانواده قرار داده است؛ یعنی وسیله ی استحکام خانواده قرار داده است. یعنی چه؟ یعنی وقتی زن و مرد عقیقند و متدین و خداترسند و طبق دستور اسلام از گناه در باب غریزه ی جنسی اجتناب میکنند، طبعاً نیاز زن و مرد به یکدیگر در این مورد بیشتر خواهد شد. وقتی به هم زیاده تر احتیاج داشتند، این بنای خانواده که پایه ی اصلی اش زن و مرد است، مستحکمتر خواهد شد. (2)

ص: 141

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (64/7/2)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (80/12/9)

زن و مرد؛ محتاج نیازهای عاطفی و جنسی در خانواده

آن چیزی که در ازدواج مهم است، آن نیاز زن و مرد است. زن و مرد به یکدیگر احتیاج دارند، یکی از احتیاجهایشان همان احتیاج جنسی است، اما همه اش آن نیست، احتیاج عاطفی هست، احتیاج روحی هست. انسان مجبور است تو یک محیط انس و صفا و محبتی زندگی کند، آن کجاست؟ آن خانواده است. (1)

مجازات سنگین مرد برای چهار ماه رهاکردن زن

بعضی از قدما فتوا داده اند که اگر مرد، چهار ماه زندگی را رها کند - نه حاضر باشد زن را طلاق بدهد، نه حاضر باشد به معنای حقیقی کلمه با او زناشویی داشته باشد - حاکم شرع او را به قتل میرساند؛ یعنی یک مجازات به این سنگینی برای کاری که چندان هم به چشم نمی آید؛ اما بعضی مردان 10 سال است که زن و زندگی شان را رها کرده اند؛ گویی هیچ اتفاقی نیفتاده است! به نظر من گره های ریزی را که به وسیله ی قوانین اسلام باز میشود، باید دنبال کرد. این همانجایی است که حوزه های علمیّه باید نگاهی نو و نگرشی کاملاً منطبق با مسائل داشته باشند. (2)

شناسایی حساسیتهای اخلاق متقابل در زندگی زناشویی

زن و شوهر باید به هم محبت داشته باشند، همین! کارهایی که محبت را کم میکند، انجام ندهید. مواظب باشید چیزهایی که شما را از هم گله مند و بیزار میکند، از شما سرزنزند. درست نگاه کنید ببینید شوهر شما یا زن شما روی چه چیزهایی خیلی حساس است، از آنها اجتناب کنید. بعضیها بی اعتنایی میکنند. مثلاً فرض بفرمایید که زن از یک عادت که مرد دارد بدش می آید، این مرد هم بی اعتناست و آن عادت را باز تکرار میکند. این

ص: 142

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (64/7/2)

2- . در دیدار نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی (80/7/14)

بد است. همینطور زنها. فرض بفرمایید زنهایی هستند که هوسهای شخصی خود را بر راحتی و آسایش شوهر ترجیح میدهند. چه لزومی دارد؟ اصل کار، شما دو نفر هستید. همه ی دنیا فرع شمایند. همدیگر را داشته باشید، با همدیگر مهربان باشید. (1)

لازمه ی اعتماد در خانواده؛ حفظ حریمهای زن و مرد

مسأله ی محرم و نامحرم و اینکه زن آرایش کرده بیرون نیاید و خودش را به نامحرم نشان ندهد، حریمهایی است که در اسلام برای زن و مرد گذاشته شده است و اینجا (2) فایده ی خودش را میبخشد. عده ای خیال میکنند که این رو بگير و رو نگیر، نگاه کن و نگاه نکن و هی امرونی به زن و مرد که چرا مثلاً مراعات حدود را نمیکنید، کار بیخودی است که اسلام همینطور افراد را محدود کرده است. نخیر؛ اینطور نیست، این به زندگی خانوادگی شما، به دل شما و به آن اعتمادی که در محیط خانواده لازم دارید، ارتباط نزدیک و مستقیم دارد. این حجاب و حریمی که بین زن و مرد در اسلام قائل شده اند، به همین قضیه مربوط میشود. زن و مرد باید احساس کنند آن رابطه ی عاطفی و غریزی و کششی که بینشان وجود دارد، فقط و فقط بین این دو تاست؛ یعنی بین هیچکدام با يك طرف سوّم نیست. آنوقت این اعتماد به وجود می آید؛ این اعتماد به نحو کامل حاصل میشود. هر جا که پای شهوات و بی بندوباریها و گسیختگی اخلاقی باز شد، گسیختگی خانوادگی هم دنبالش است؛ برو برگرد ندارد. وقتی ادامه پیدا کرد؛ آنوقت همان چیزی میشود که امروز در کشورهای غربی بخوبی دیده میشود. به خصوص در بعضی جاها که بی بندوباری رواج بیشتری دارد، بیشتر محسوس است. خانواده در آنجاها معنای واقعی خودش را ندارد. (3)

ص: 143

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (70/4/20)

2- . در نظام خانواده

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (81/3/29)

معاشرت‌های نادرست؛ زمینه ساز حسادت و سوءظن

طوری رفتار کنید که همسرتان را وادار به حسادت نکنید. دختران در رفتارشان، در محیط بیرون خانه - اگر اهل اشتغال یا اهل تحصیلند در محیط کار و تحصیل - یا در محیط‌های معاشرت‌های خانوادگی، طوری نباشد که شوهرشان دچار حسادت یا سوءظن شود. (1)

تأثیر مخرب سوءظن بر خانواده

در مقالات دوستان خواندم که همین بیرون رفتنها و همین اشتغالات و اینها موجب میشود که گاهی سوءظن‌های بیجا به وجود بیاید. لیکن فرقی نمیکند؛ بالاخره اگر سوءظن پیدا شد، چه سوءظن مستند درستی داشته باشد، چه نداشته باشد، اثر خودش را میبخشد؛ مثل گلوله ای است که از این لوله بیرون می آید؛ اگر توی سینه ی کسی خورد، میکشد؛ چه این شخص عامد باشد، چه اشتباهاً دستش رفته باشد روی ماشه. گلوله فرقی نمیگذارد. گلوله نخواهد گفت چون کسی که من را شلیک کرد، عامد نبود، پس من سینه ی این طرف مقابل را ندرم؛ نه، گلوله میدرد. این سوءظن کار خودش را میکند؛ چه منشأ درستی داشته باشد، چه ناشی از وسواس و مثلاً تصوّرات و توهمات بیجا باشد. (2)

عدم جلوه گری و حفظ نگاه؛ عامل استحکام زندگی نه تحجر

هوشمندان بفهمند اینکه در شرع مقدّس راجع به محرم و نامحرم گفته اند، یا مثلاً زن آرایش کرده بیرون نیاید و در مقابل مرد با جلوه گری حرف نزنند و یا مرد با نگاه هیز به زن نگاه نکند؛ اینها برای چیست؟ اینها همه اش برای این است که این خانواده ی کوچکی که شما تشکیل داده اید، بنیانش مستحکم باشد؛ نه آن خانم چشم و دلش جایی دیگر برود، نه آن

ص: 144

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد 25 زوج (81/6/28)

2- . در سوّمین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

آقا چشم و دلش جای دیگری بچرخد. اینها برای استحکام خانواده است. بعضیها خیال میکنند که مثلاً اسلام گفته رویتان را بگیرد، نگاه نکنید، چادر سرتان کنید، یک سری احکام تحجّر آمیز است. یک عده یاهو گو هم پیدا شده اند و هر کلمه ای که میگویند، یک تحجّر هم پشت سرش می آورند، خیال میکنند کاربرد کلمه ی تحجّر در اینجاست. اینها همان نکات دقیقی است که آن کسی که میشوند، باید در آن تأمل کند، اگر تأمل نکند، مطمئناً نمیفهمد. (1)

مراعات موازین شرعی؛ پشتوانه ی احساسات و نیازهای جنسی

کارهایی که در اسلام ممنوع شده، اثرش در خانواده ظاهر میشود. اینکه گفتند محرم، نامحرم، روگیری و زن با آرایش، چهره ی خودش را به مردان نشان ندهد، مراعات کند و مرد هم نگاه نکند، بخاطر این است که هرکدام از اینها مثل کلنگی است که به بنیان خانواده زده میشود، ممکن است همان لحظه اثر نکند؛ اما مجموعش ناگهان سقف را پایین می آورد. بعضیها خیال میکنند این محرم و نامحرم، چادر، نگاه نکن، چشمت را پایین بینداز و اینها، همه اش مقررات خشکی است که اسلام قرار داده است. نه؛ اینها سعادت زن و مرد را تضمین میکند و در محیط خانواده، صفا و صمیمیت به وجود می آورد. این مسائل، پشتوانه ی احساسات و نیازهای جنسی دستگاه خانواده است و آن را مستحکم میکند. این بسیار پشتوانه ی مهمی است. آنهایی که از هر راهی و بی قید و شرط این نیاز را تأمین میکنند، دیگر خانواده برایشان مفهوم واقعی ندارد و یک قرارداد بی ربط، بی معنا و بی روح خواهد شد. این توصیه ی اول را شما دختران و پسران، با دقت رعایت کنید. (2)

اجتناب از معاشرتهای مضر؛ مؤثر در پایداری بنیان خانواده

محیط خانه، محیط امن و امان و آرامش و آسایش است. در این

ص: 145

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (81/7/11)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد 25 زوج (81/6/28)

محیط فرزندان تربیت میشوند. وقتی محیط خانه و کانون خانواده، سرشار از محبت و مهربانی و آرامش بود و در آن تشنج راه نداشت، فرزندی که در آن پرورش پیدا میکند، دارای روح و اعصاب سالم است و هیچ عقده ای ندارد. البته عوامل بیرونی ممکن است تأثیر بگذارد، لکن پایه ی داخل خانواده، پایه ی مستحکمی است. شما وقتی به آثار وارده در شرع مقدّس نگاه میکنید، میبینید همه ی توصیه هایی که به زن و شوهر شده است در همین جهت است، اینکه به مردها گفته اند به چهره ی آرایش کرده ی زن دیگری غیر از همسران نگاه نکنید و از مخالطتها و معاشرتهای مضرّ اجتناب ورزید، بخش عمده اش برای این است که محیط داخل خانواده، محیط امن و امان شود و زن و شوهر، اختصاصی هم باشند. اینهاست که محبت را پایدار و بنیان خانواده را مستحکم میکند. (1)

عدم اختلاط زن و مرد؛ به وجود آورنده ی محیط گرم و باصفای خانواده

اینقدر که میگوییم اسلام مردها را، زنها را به نپرداختن به نامحرم، نگاه نکردن به نامحرم، عدم اختلاط زن و مرد تشویق میکند، این برای خاطر همین است و برای این است که مردها به زنهای خودشان علاقه داشته باشند، زنها هم به مردهای خودشان علاقه داشته باشند؛ تا محیط خانواده، محیط گرم و باصفایی باشد، پس برای ازدواج این چیزها را باید رعایت کنند. (2)

زن؛ محافظ شوهر از سقوط به درّه ی غفلت

زنها میتوانند مانع پرت شدن شوهرهایشان به پرتگاه جهنّم شوند. در محیط زندگی، در محیط بازار، در محیط اداره و در محیط سیاست، ممکن

ص: 146

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (82/2/28)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (64/7/2)

است مردها دچار لغزشهایی شوند و این لغزشها آنها را آرام آرام به لبه ی پرتگاه ببرد و در اثر يك غفلت به ته دژه سرازیر شوند. زن میتواند مانع از چنین حادثه ای شود. (1)

عاطفه و تحمل زن؛ عامل تفوق بر نامالایمات زندگی مشترک

این آقایان که میبینید ماشاءالله یال و کوپالی دارند، اینها همه اش ظاهر است، جسم قوی است، اما از لحاظ پیچیدگی ذهنی و در زمینه های احساسی و عاطفی، زن قویتر از مرد است، قدرت تحملش زیاد است، راهها را بلد است.

طبیعت زن این است. اغلب زنها، البته ممکن است بعضی از زنها هم اینطور نباشند؛ غرض اینکه خانمها بهتر میتوانند در این مصاف دوستانه بر عوامل سردی، فائق بیایند. با يك مقدار خوش اخلاقی کردن، با ابزارهایی که هست این کار را بکنند. مرد را بکشاند به آنجایی که باید قرار بگیرد تا ان شاءالله زندگی شیرینتر شود. (2)

تبسم و دلخوشی دادن زن؛ باعث تقویت روحی مرد

همکاری و کمک گاهی به این نیست که وارد حجم کار یکدیگر بشوند، نه. بلکه، یکدیگر را روحاً تدارک کنند. مردها معمولاً با مسائل مشکلتی در جامعه برخورد دارند، زنها میتوانند به آنها روحیه بدهند. میتوانند خستگی آنها را از نشان بیرون کنند. به آنها تبسم کنند و به آنها دلخوشی دهند. اگر چنانچه خانمها هم کاری بیرون از خانه دارند، باز مرد به آنها کمک کند و او را تقویت نماید. (3)

ص: 147

1- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (82/2/28)

2- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (78/1/24)

3- . در مراسم اجرای صیغه ی عقد (78/1/15)

فهرست آیات قرآن کریم

سوره شماره آیه شماره صفحه

هُنَّ لِيَاسٍ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاسٍ... بقره 109، 187

وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ... نساء 120، 19

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ... نساء 119، 34، 123

وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ... اعراف 25، 189، 90، 135

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ... توبه 48، 71

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ... روم 24، 21، 25

فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ... صافات 126، 61

وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا... عصر 55، 3

ص: 149

فهرست روایات

المؤمن كفو المؤمنة. رسول اکرم (ص) 32

يَاكُمْ وَخَضِرَاءَ الدِّمَنِ. رسول اکرم (ص) 34

جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ. رسول اکرم (ص) 58، 128

الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ. اميرالمومنين (ع) 60، 61، 110

الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ. رسول اکرم (ص) 67

... مَنْ أَبْرُ؟... رسول اکرم (ص) 73

ص: 150

فهرست اسامی اشخاص

حسین بن علی، سیدالشهدا (ع): 36، 67

خمینی، سید روح الله مصطفوی: 67

زینب بنت علی (س): 38، 74

علی بن ابیطالب، امام علی (ع): 37

فاطمه زهرا (س): 25، 37، 40-42، 63، 67، 68، 78، 111، 133

محمد بن عبدالله، رسول اکرم (ص): 36، 37، 41، 73، 141

ص: 151

فهرست مکانها

آمریکا: 68، 81

اروپا: 68، 81، 124

ایران: 137

تهران: 54

حسینیه ی امام خمینی: 40

خوزستان: 29، 47، 48، 64، 66، 67، 68، 70، 99، 109

سیستان و بلوچستان: 120

شیراز: 67

صدا و سیما: 42، 102

غرب: 72، 81، 124

گنبد: 29

مجلس شورای اسلامی: 60، 142

وزارت ارشاد: 49

هرمزگان: 56

همدان: 73

ص: 152

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

